



ISSN:1029-3345

شنبه ۲۹ تیر ۱۳۸۱
۹ جمادی‌الاول ۱۴۲۳
۲۰ جولای ۲۰۰۲
شماره ۷۲، بیانی ۴۵۹
شمارگان ۷۰۰۰
۳۲ صفحه، ۱۰۰ تومان



احمد بورقانی
و روزهای مدرسه ۱۳



فرهاد آفیش
مطالعه برای نقش‌ها ۱۶

آخرین تصویر یاد



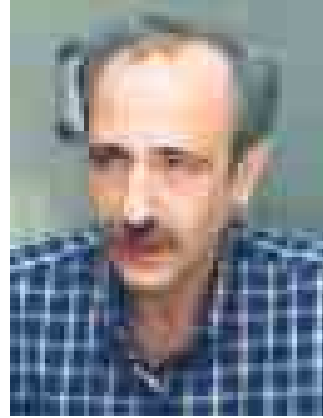
سعید جان بزرگی آخرین تصویر را از خود به یادگار گذاشت. و این آخرین تصویر همان بود که همه باور داشتند. همان بود که همه می‌دانستند. سعید از پس تصویر کردنش به خوبی برخواهد آمد. سعید ثابت کرده بود که هنرمند است و همه می‌دانستند که او مرد خداست. سعید هنر مردان خدا را با خود داشت و حالا هم هنرمندانه بهشت را به تصویر کشید. آن طور که شایسته او بود. حالا سعید جان بزرگی راه آسمان را در پیش گرفته است. بیشتر کسانی که او را می‌شناختند از روی تصاویر جنگ است که نام او را به یاد می‌آورند. عده کمی هستند که بدانند سعید جان بزرگی کاریگاتورهایی هم از جنگ دارد. شاید کسانی که دو کوه را دیده‌اند هیچ‌گاه ندانند که نقاش دیوارهای این یادگان اکنون شهید شده است.

۱۷

نگاه خرمشاهی به تفسیر سورآبادی

نثر ترجمه فقط ساختار ترجمه نیست بلکه معادل‌ها و مفردات هم مهم‌اند و طرز و لحن بیان
ساختار درست و دقیق ترجمه
و تفسیر بزرگمردی چون سورآبادی بسیار روشن و طبیعی است

تفسیر سورآبادی از جمله تفاسیر معتبر قرآن کریم است که از سوی انتشارات نشر نوروانه بازار نشر شده است. با بهاء‌الدین خرمشاهی، ادب‌پژوه، قرآن‌شناس و مترجم قرآن کریم درباره این تفسیر، ویژگی‌ها و مضمون آن گفت و گویی کرده ایم که در صفحه ۱۰ می‌خوانید.



دکتر سید ضیاءالدین هاجری مؤلف «فرهنگ نامه‌ها»:

آموزگار نباید بخیل باشد



«در یکی از روزهای تابستان ۱۳۷۵ توسط یکی از دانشجویان عزیزم که در یکی از کتابخانه‌های شهر تهران کار می‌کند با آقای دکتر هاجری آشنا شدم. از نخستین دیدار ما ۶ سال می‌گذرد و در این مدت شاهد تلاش‌های بسیار استاد در کار تدوین و تألیف آثاری هستم که هر یک به تنهایی نیاز به کاری گروهی دارد و دقی درخور که همه را ایشان به صورت انفرادی بر دوش می‌کنند. انتشار کتاب «فرهنگ نامه‌ها» بهانه‌ای است برای گفت‌وگویی با ایشان. استاد سید کاظم حافظیان رضوی با این پیش‌درآمد به گفت‌وگو با دکتر سید ضیاءالدین هاجری نشسته است.»

۵

پیمودن راه استاد انجوی

گفت‌وگوی صفحه ۱۱ ما، با یکی از همکاران شادروان استاد انجوی شیرازی یعنی سید احمد و کیلیان انجام شده است. وی از جمله پژوهشگران عرصه قصه‌های ایرانی است که تاکنون چندین جلد کتاب در این زمینه از وی به چاپ رسیده است. با وی گفت‌وگویی داشته‌ایم در باب «فصلنامه فرهنگ مردم» که سردبیری آن را بر عهده دارد. و کتاب «افسانه‌های ایرانی به روایت امروز و دیروزه» که با همکاری دکتر شین تا که مارا، توسط نشر ثالث به چاپ رسیده است. حوزه این گفت‌وگو پیرامون جنبه‌های فرهنگ عامه یا همان فرهنگ مردم است.



گفت‌وگو

من، آقا جلال و نویسندگی

گفت‌وگو با محمود گلابدره‌بی

۲۰



گفت‌وگو

طرح کتاب و صنعت در تهران اجرا می‌شود

۱۰ هزار نمایشگاه کتاب در ۱۰ هزار مدرسه

۲

نسخه دوم لوح فشرده کتیبه حاوی ۱۶۸ هزار عنوان کتاب عرضه شد

۲



کوته شناخت دکتر مصاحب و نامه مدیرمسئول انتشارات امیرکبیر

باسمه تعالی
 گرامتقدیر برادر م حضرت آقای رضایپور دامت معالیه با سلام، نمی خواهم از کتاب هفته و دوست اندیشمند ولایتی و متمیز جناب آقای رفیعی کلاه‌های داشته باشم اما فکر می‌کنم کمی خلاف مروت باشد تلاش مهم برای اولین بار در تاریخ ادب کشور این قدری فروغ نشان داده شود و تنها در قالب تجلیل و توصیف از شخصیت و آثار فقید، سید دکتر غلامحسین مصاحب با یک جمله از کتاب کار بزرگ مؤسسه عبور کرد.
 شاید کتاب هفته مسئولیتی ندارد؟ شاید کار خدمتگاران مؤسسه اهمیت چندانی نداشته است؟ و شاید...؟
 انتظار خاصی ندارم و مودت با شما و غصه‌ای که برای فرهنگ مکتوب کشور دارم مرا اودار ساخت تا برای شما بنویسم.

با احترام و مودت - قنبری مهدی

کتاب هفته: یگمان خوب جدی قنبری که مصاحبه با ایشان، گزارش از انتشارات امیرکبیر و معرفی کتاب های آن انتشارات را بارها در کتاب هفته دیده‌اند بهتر از هر کس دیگری می‌دانند که از نظر کتاب هفته و دست اندکاران آن، چاپ مجدد دایرةالمعارف فارسی، خدمتی سترگ و زحمتی بزرگ از سوی مؤسسه انتشارات امیر کبیر و کارشناسان و کارکنان شریف آن بوده است. کتاب هفته نیز به عنوان یک وظیفه در قبال «کتاب» خود را موظف به انعکاس این رویداد ارزشمند می‌دانسته است.

اما در این میان شیوه انعکاس اینگونه رویدادها با توجه به فنون و ظرافت‌های روزنامه نگاری می‌تواند متفاوت باشد. گروه‌های که در حد ممکن بتوان چنین مقصود را برآورده کرد بوی آنکه چنین شبه‌های پیش آید که بهایی خاص و تبلیغی ویژه برای یک ناشر در نظر است. با انتشارات امیرکبیر در شماره‌های متعدد کتاب هفته توجه به پیشینه مصاحبه، گزارش و معرفی کتاب مرتبط با انتشارات امیرکبیر در شماره‌های متعدد کتاب هفته و نظر به اینکه شناخت جامعه از دکتر غلامحسین مصاحب به گونه‌ای - نه بایسته که - حداقلی هم نیست؛ و نظریه رعایت اصول ظریف و غیر کلیشه‌ای در معرفی کتاب و ناشر، تصمیم بر این شد که در شماره ۵۹ به بهانه انتشار دوباره دایرةالمعارف فارسی (روایتی مطلب) کوته شناختی از دکتر مصاحب در ۲ صفحه فراهم آید که در آن به طور طبیعی حجمی حدود یک ستون نیز به معرفی دایرةالمعارف فارسی اختصاص خواهد داشت. اشاره یکی - دو سطری به کار اخیر انتشارات امیرکبیر در میان معرفی بلند دایرةالمعارف و



اصل بهانه مقاله که انتشار دوباره دایرةالمعارف است در مجموع این دو صفحه، جایگاه و ارزش کار ناشر را به گونه‌ای بایسته تر نشان خواهد داد.

نگارش این مقاله نیز به یکی از دانش آموختگان مکتب ریاضیات دکتر مصاحب و دنبال‌کنندگان آثار او نوشته‌های درباره او و نگذاشتن اطلاعانی در عین اختصار، جامع و فراگیر فراهم آید. و حتی هر چند ناچیز از آن استاد فرزانه، تأثیرگذار و جامع اداشود.
 «چه خوش بود که برآید به یک کرشمه آیش از!»
 دو کار»
 این را مقایسه کنید با معرفی یک - دو ستونی دایرةالمعارف و اشاره‌ای به کار امیرکبیر، یا مصاحبه‌ای جداگانه یک صفحه‌ای با مدیرمسئول انتشارات امیرکبیر که در آن، معرفی کوتاه و ناقصی از دکتر مصاحب و دایرةالمعارف فارسی آمده باشد و به زحمات دست‌اندرکاران این فعالیت نیز اشاره‌ای کوتاه رفته باشد.

تقد ناشران مالیات گیرنده

... در شماره گذشته کتاب هفته، آقای کاشفی خونسازی در مطلب کوتاهی تحت عنوان ناشران مالیات گیرنده» به کسر مالیات‌های قانونی از مؤلف و مترجم در قراردادهای بعضی ناشران اعتراض کرده بودند. ایشان اشاره کرده بودند که چون طرح معافیت مالیاتی حرفه نشر به تصویب رسیده، کسر این مالیات‌ها از مؤلف و مترجم غیر قانونی است. مطلب کوتاه آقای کاشفی خونسازی انگیزه‌ای شد تا مشکلی را که برای شخص من - و شاید سایر همکاران - به وجود آمده مطرح کنم تا شاید نشریه کتاب هفته بتواند با طرح این بحث، ابعاد این مسأله و حقوق پدیدآورندگان کتاب را در زمینه مالیات روشن کند. بر اساس قراردادهای ترجمه و ویرایش، ناشر پنج درصد مالیات‌های قانونی را از پرداخت‌های من کسر کرده و می‌کند. وزارت امور اقتصادی و دارایی با مراجعه به دفاتر ناشر و بر اساس همین قراردادها، برای من پرونده مالیاتی تشکیل داده و پنج درصد پرداخت‌شده را اعلی‌الحساب تلقی کرده و دستور رسیدگی و پرداخت مابقی مالیات را داده است. ممیز محترم دارایی از وجود قانون معافیت مالیاتی اظهار بی‌اطلاعی می‌کند و چنین قانونی به ایشان ابلاغ نشده است.

آیا چنین قانونی اصولاً وجود دارد؟ اگر وجود دارد، آیا پدیدآورندگان اثر را هم به صراحت از پرداخت مالیات معاف می‌کند یا فقط ناشران از اثر همچنان مبهم است؟ و اگر چنین قانونی وجود دارد، چرا وزارت امور اقتصادی و دارایی آن را اعمال نمی‌کند و ممیزان این وزارتخانه از آن بی‌اطلاعتند؟

بی‌تردید برای کسانی که با حرفه نشر آشنا نیستند قراردادهای ترجمه و تألیف و ویرایش با این کیفیت و نحوه اجرا - و گاه عدم اجرا - نامأنوس و دور از ذهن است و نمی‌توان از ممیز مالیاتی انتظار داشت با

اهالی نشر رفتاری سوی پیمانکار ساختمانی یا تولید کننده لباس داشته باشد. سیاستگذاران فرهنگی هستند که باید در برنامه‌های خود به این مسائل توجه داشته باشند. وجود مسائلی از این دست بار دیگر ضرورت وجود تشکل صنفی قدرتمندی را برای پیگیری تشکل‌هایی می‌تواند مثلاً به هنگام تصویب یک طرح، موارد مهم آن را گوشزد کنند و جلو ضایع شدن حقوق اعضای آن صنف را بگیرند.

نشریه کتاب هفته به عنوان ارگان خبری غرضه نشر می‌تواند با طرح این بحث یکی از مشکلات پدیدآورندگان کتاب را مطرح و به رفع آن کمک کند. امیدوارم سزولان محترم وزارت ارشاد اسلامی نیز با پیگیری این امر قدیمی در راه احقاق حقوق مؤلف و مترجم بردارد.

با تشکر - مؤده دقتی

به دنبال ناشر

با عرض سلام و خسته نباشید خدمت شما سزولان و زحمتکش‌ان نشریه کتاب هفته و تشکر از شما برای مطالب مفید و آموزنده.

اینجانب سوادیه‌فصاحتی متولد ۱۳۲۵م‌ان‌و ساکن مشهد، خانه‌دار و دارای دوفرزند پسر (اول راهمانی و دوم دبستان هستم. در کنار کارهای مربوط به خانه و بچه‌ها... به نوشتن و پژوهش علاقه دارم و تاکنون سه کتاب به نام‌های ساده‌ترین روش‌های بخت‌یک و شیرینی نکات ریز خانه‌داری، غذاهای بدون گوشت و سبزی‌نشر می‌رسانم (پهران) به چاپ رسانده‌ام و هم‌اکنون به دنبال ناشر جدیدی جهت چاپ رساندن دو کتاب دیگر در زمینه تربیت کودک و ظهور امام زمان (عج) هستم.

روش قرارداد بدست به شکل درصد بیست جلد است و خودم هیچ سرمایه‌گذاری نمی‌توانم انجام بدهم. لطفاً اگر در این زمینه ناشری می‌شناسید به من معرفی کنید. یک گله از شما داشتم که به نویسندگان و مترجمان... جوان و شهرستانی هم توجه کنید و از آنها هم نامی برید. این امر باعث تشویق و ترغیب افرادی مثال من می‌شود که با همه مشغله کارخانه، بچه‌ها و... باز هم علاقه به نوشتن دارند.

یک پاسخ

در پاسخ به مطلب مندرج در صفحه‌های بازتاب کتاب هفته شماره ۷۸، شنبه ۲۲/۷/۱۳۹۲، به اطلاع سرکار خانم فاطمه السادات عیادی از کرج می‌رساند که هیچ گونه فرم تقاضای اشتراک از جانب شما خواهر گرامی به دفتر توزیع کتاب هفته نرسیده است تا بتوانیم با داشتن نشانی نشریه را برایتان بفرستیم.

واحد توزیع

چهار گوشه ایران

دومین دوره آموزشی اطلاع رسانی کتاب ۳۰ تیر در ارومیه برگزار می‌شود

دومین دوره آموزشی اطلاع رسانی کتاب، توسط خانه کتاب و به همکاری اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان آذربایجان غربی می‌سازم می‌شود. در ارومیه برگزار می‌شود. به گزارش روابط عمومی خانه کتاب، در این دوره آموزشی که ناشران استان آذربایجان غربی و کارشناسان چاپ و نشر این استان حضور دارند، مباحثی در زمینه فهرست‌نویسی، اطلاع رسانی کتاب، جست‌وجوی اطلاعات کتاب در شبکه‌های اطلاع رسانی، شبکه‌ها و کتابداری ارائه خواهد شد. شایان ذکر است که نخستین دوره آموزشی اطلاع رسانی کتاب، بیستم تیرماه در زنجان برگزار شد و خانه کتاب در نظر دارد این دوره‌های آموزشی را با هدف افزایش دانش ناشران در خصوص اطلاع‌رسانی نشر به‌طور مستمر در استان‌ها برگزار نماید.

فرمایشات آقای امین لریسی دبیر استان از عزیزان دانش‌آموزان

عزیزان دانش‌آموزان! نویسنده پیش‌گام است ادبیات کودک و نوجوان مورد تقدیر و تجلیل قرار گرفت. در این مراسم که به ابتکار مرکز آفرینش‌های ادبی لرستان و ایستبه به کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان برگزار گردید سپس از معرفی سه دهه فعالیت ادبی عزیزان دانش‌آموزان، آثار ایشان تقد و بررسی شد.

گفتنی است کشاورز دانش آموخته هنرهای دراماتیک و نویسنده ادبیات کودک و نوجوان است. آثار او در دبیرستان گزارش داستان و جمع آوری اسامه‌های بومی متمرکز شده است. در زمینه آفرینش ادبی او داستان بلند نگاه (۱۳۵۵) و دخانه پدری ماه (۱۳۵۶) در سال‌های میانی دهه پنجاه انتشار داده است که به خوبی نگاه منتقدانه او را به مسائل جامعه آن روز و تبعات ظلم طبقه حاکمه نشان می‌دهد. مجموعه داستان «کرج» (۱۳۷۷) شامل ده داستان کوتاه است که عمدتاً حوادث آنها در فضایی روستایی اتفاق می‌افتد. «ذئبل پره» (۱۳۵۴) شامل سه آه‌نامه و گل صنوبر» (۱۳۵۵) شامل پنج آه‌نامه بومی است که توجه کشاورز را به جمع آوری و انتشار قصه‌های بومی نشان می‌دهد. این دو مجموعه بعدها با افزودن‌های مجدد در قالب یک کتاب با نام «اسامه‌های لرستان» (۱۳۷۴) انتشار یافت. آخرین کتاب کشاورز زمینستان بلند» (۱۳۷۸) نام دارد که شامل چند قصه برای نوجوانان است.

تسلیمیت

جنابان آقایان عیسی سرخیز و سیدمهدی شجاعی مصیبت وارده و ابه شما و خانواده‌های محترمان تسلیمیت می‌گویم. شورای سردبیری و اعضای تحریریه کتاب هفته

**هوالجی
البراء للوالاء**

هر که در این بزم مقرب تر است
 جام بلا پیشترش می‌دهند

برادر ارجمند جناب آقای سیدمهدی شجاعی
 توصیف داغ نوجوان از ادبیات و هنر هم ساخته نیست. مولای‌تان خود سبزو اجرا تان دهد.

مهدی ارگانی، مهدی امین فروغی، سمیرا اصلانپور، عباس برای پور، حسن بنایان، بهزاد بهزادپور، مهدی پوررضائیان، راضیه تجار، جواد جزینی، محسن چینی‌فرشان، سیدمجیدی حسینی، علی خاکبازان، مصطفی رحماندوست، مجتبی رحماندوست، شمس‌الدین رحمانی، محمدرضایی زانزی، زهرا زواربان، عزیزالله زبیدی، سیدمحمدسادات اخوی، محمدرضا سرشار، مرتضی سرهنگی، یونس شکرخواه، اسماعیل شفیعی سروسستانی، مجید شریف‌خدايي، علی شاه حاتمى، حمیدرضا شاه‌آبادى، حبیب‌الله صادقی، مریم صباغ‌زاده، مرصیه طهمورثی‌زاد، حمید عجمی، حسین فاتحی، عبدالعظیم فریدون، امیرحسین فردی، سعید فلاچپور، نصرالله قادری، سعید قادری، شقایق قندهاری، پرویز قاسمی، سعیدعلی کاشفی خونسازی، جواد محقق، محسن مومنی، امیرحسین مدرس، سعیدمجیدی، علی وزیریان.

آیا می‌خواهید از amazon.com کتاب بخرید؟
 در ایران معمولاً بخرید!
 - اشتراک مجلات متنوع و ویژه
 - تهیه کتابهای متنوع و ویژه
 - خدمات پس از خرید و ارسال سریع
 آیدمشترک شوید
 Koolibek@persical.com
 ۰۲۱۳۳۳۳۳۹۹ - ۰۲۱۱۱۱۲۲۶

آثار شاعران ایرانی بخشی از سند هویت و شاخصه ملیت ما است

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در پیامی به همایش فرهنگی، ادبی هفت شهر عشق-هفت شب شعر که از ۲۴ تا ۳۰ تیر ماه در باغ ملی نیشابور برگزار می‌شود- اظهار داشت: خطه دانش پرور خراسان از دیرباز از کانون‌های درخشان دانش و هنر در جهان ایرانی بوده است و بسیاری از بزرگان از این سرزمین برخاسته‌اند. بزرگانی همچون حکیم فردوسی، خواجه عبدالله انصاری، عطار نیشابوری، امام محمد غزالی، عمر خیام و شیخ بو سعید ابوالخیر ستارگانی هستند که در آسمان فرهنگ و تمدن ایرانی و اسلامی می‌درخشند. وی گفت: بر کسی پوشیده نیست که سرزمین خراسان که با در برداشتن پیکر پاک خورشید تابناکی چون امام علی بن موسی الرضا(ع) تبرک یافته است سهمی بزرگ در فرهنگ و تمدن ایرانی دارد و بزرگانی را در دامان خود پرورده است که نام بلند و آثار گرانتقدرشان بخشی از سند هویت و شاخصه ملیت ما به‌شمار می‌روند.

وزیر ارشاد در ادامه این پیام افزود: در این سال‌ها که غبار از خاطر این بزرگان می‌رویم و به پژوهش در آثار آنها می‌پردازیم به روشنی در می‌یابیم که گوهرهایی که خود داریم نه تنها با بهترین آنچه نزد بیگانگان است پهلو می‌زند، بلکه، ای بسا از بهترین آنها نیز برتر است. خیام ما در شعر عالمگیرش، مولانا‌ی ما و جان جهانپاورش، سعدی ما و پیام‌های تربیتی کم ماندش، نظامی ما و آرماتشهر زیبایش و اخوان ما و هیجیان دردآلودش مایه سربلندی ما در میان جهانیان هستند و بر ماست که نام آنها را بلند نگه داریم و به داشتن آنها نزد جهانیان باییم.

طرح کتاب و صنعت در تهران اجرا می شود

طرح کتاب و صنعت با هدف ترویج فرهنگ مطالعه در بین خانواده‌ها به اجرا در می‌آید.
در این طرح که با مشارکت معاونت فرهنگی وزارت ارشاد و اداره کل صنایع استان تهران در سطح کارخانجات استان تهران اجرا خواهد شد، مدیران صنایع یا کارخانجات با بهره مندی از بخش‌ودگی مالیاتی بودجه‌ای جهت خرید کتاب به کارگران منابع اختصاص می‌دهند.این طرح در جهت سیاست‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی پیرامون ارتباط خانواده‌ها با کالاهای فرهنگی در دهه ۸۰اجرا می‌شود.

نسخه دوم لوح فشرده کتیبه

حاوی اطلاعات بیش از ۱۶۸ هزار عنوان کتاب عرضه شد

نسخه دوم لوح فشرده کتیبه حاوی مشخصات بیش از ۱۶۸ هزار عنوان کتاب‌های منتشر شده از سال ۱۳۷۰ تا پایان ۱۳۸۰ توسط خانه کتاب تهیه و عرضه شد.

به گزارش روابط عمومی خانه کتاب، در این لوح فشرده مشخصات کتابشناختی توصیفی و تحلیلی کتاب‌های منتشر شده در یازده سال فوق که در بانک اطلاعاتی مؤسسه خانه کتاب موجود است، مشتمل بر: عنوان کتاب، نام پدیدآورندگان، ناشر، نوبت چاپ، قطع، قیمت، شمارگان، شابک، محل نشر، موضوع، خلاصه و تصاویر روی جلد کتاب‌ها درج شده است. در این لوح فشرده امکان جست و جوی لغوی بر اساس عنوان کتاب، ناشر، پدیدآورنده و موضوع کتاب‌ها وجود دارد و می‌توان بر اساس رده‌بندی دیویی و نمایه موضوعی موجود در این نرم‌افزار هم به جست و جوی اطلاعات مورد نظر پرداخت.

این نرم‌افزار قابلیت نصب بر روی تمامی نسخه‌های ویندوز، چاپ کارت برقه، جست و جوی دقیق و پیشرفته با استفاده از عملگرهای منطقی و استخراج تصاویر روی جلد کتاب‌ها و اطلاعات آنها را

پنجمین دوره طرح ملی ۱۰ هزار نمایشگاه کتاب در ۱۰ هزار مدرسه

پنجمین دوره طرح ملی و کشور ۱۰ هزار نمایشگاه کتاب در ۱۰ هزار مدرسه در هفته کتاب امسال اجرا می‌شود.ستاد اجرایی این طرح از ۱۵ تیرماه با چاپ آگهی فراخوان برای ناشران کتاب حوزه کودک و نوجوان در مؤسسه فرهنگی منادی تربیت آغاز به کار نموده است. بر اساس فراخوان این ستاد، ناشران می‌توانند از ۱۵ تیر تا پایان شهریور امسال تازه‌های نشر خود را به دبیرخانه مؤسسه ارائه دهند.مؤسسه فرهنگی منادی تربیت، امسال نیز همچون سال‌های گذشته در روزهای هفته کتاب با همکاری معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و معاونت آموزش عمومی و امور تربیتی وزارت آموزش و پرورش ۱۰ هزار نمایشگاه کتاب در ۷۰۰ منطقه آموزش و پرورش کشور برگزار می‌کند. در سال گذشته ۶۰۰ ناشر با مشارکت در این طرح ملی، امکان توزیع دو میلیارد و یکصد میلیون تومان کتاب در اقصانقاط کشور را فراهم کردند.

حامیان نسخ خطی در هفته کتاب معرفی می شوند

کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی سومین آیین بزرگداشت حامیان نسخه‌های خطی را برگزار می‌کند.

به گزارش روابط عمومی معاونت فرهنگی وزارت ارشاد این مراسم آبان ماه امسال در هفته کتاب برگزار خواهد شد.
کنده‌برهای همچون حفاظت، فهرست‌نگاری، کتابداری، تصحیح، تحقیق، مقالات، نقد، متون و انتشار واهدای نسخه‌های خطی را شامل می‌شود.کتابخانه مجلس شورای اسلامی در مراسم از بزرگدیدگان تقدیر به عمل آورد.

مهلث ارسال آثار به دبیرخانه بزرگداشت حامیان نسخه‌های خطی تا پایان شهریورماه است.

کتابخانه «ویژه بانوان یزد» گشایش یافت

کتابخانه دکتر فریبا جوادی «ویژه بانوان یزد» به منظور ارتقای سطح فرهنگی بانوان یزد،مورد بهره‌برداری قرار گرفت.

این کتابخانه با زیربنای ۱۷۵متر مربع توسط بانوی خیر یزدی به نام دکتر فریبا جوادی، احداث و به اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان یزد واگذار شد.

گفتنی است کتابخانه دکتر جوادی، با گنجایش ۱۰ هزار جلد کتاب و ۲۰ نفر جهت مطالعه مخصوص بانوان در ساعت کاری ۸صیح الی ۱۲بعداز ظهر برای شهروندان دایر خواهد بود.

وزیر ارشاد در دیدار با سفیر لیبی تأکید کرد: **بستر فرهنگی زمینه‌ساز سایر مناسبات بین دو کشور است**
احمد مسجد جامعی در دیدار با «علی محمود ماریه» سفیر لیبی در جمهوری اسلامی ایران پر گشترش مناسبات فرهنگی بین دو کشور تأکید کرد.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: برگزاری هفته فرهنگی لیبی و حضور این کشور در نمایشگاههای کتاب و جشنواره‌های فیلم در ایران، از جمله زمینه‌های گسترش روابط فرهنگی دو کشور است. مسجدجامعی خاطر نشان کرد: بستر فرهنگی، زمینه مناسبی برای گسترش سایر مناسبات بین دو کشور است و اگر این عرصه مورد استفاده قرار نگیرد، به جنبه‌های دیگر روابط خدشه وارد می‌شود.

سه‌میه کتاب سال های ۸۰/۸۱ کشور در کتابخانه های مساجد توزیع می شود

توزیع سه‌میه سالانه کتاب در کتابخانه‌های مساجد از استان‌های محروم کشور آغاز شد.
استان‌های کنگیلبویه و بویراحمد، لرستان، قزوین و ایلام اولین مناطقی هستند که سه‌م سالانه کتاب برای کتابخانه‌های مساجد را دریافت کردند.ابوالفضل هاشمی، مسؤول اداره کتابخانه‌های مساجد در این باره گفت: سه‌میه سالانه هر کتابخانه ۵۰۰ عنوان از کتاب‌های تازه انتشار یافته ناشران است که توسط شورای خرید وزارت ارشاد انتخاب و خریداری می‌شود و دبیرخانه کانون‌های فرهنگی مساجد تا شهریورماه سه‌میه ساله‌های ۸۰ و ۸۱ کتابخانه‌های خود در سراسر کشور را توزیع خواهد کرد.
وی قطع خرید کتاب توسط هیأت انتخاب و خرید کتاب در شهرستان‌ها مطرح کرد و گفت: با شروع دوباره خرید کتاب از هفته گذشته تا یک‌ی دو ماه آینده ارسال کتاب به شهرستان‌ها مطرح کرد و افزود: با شروع دوباره خرید کتاب از هفته گذشته تا یک‌ی دو ماه آینده توزیع کتاب در مساجد به پایان می‌رسد.ابوالفضل هاشمی در مورد تأمین کتاب‌های مورد نیاز کتابخانه‌های مساجد شهرستان‌ها بر اساس درخواست مسؤولان این کتابخانه‌ها توضیح داد: بودجه خاصی برای خرید چنین کتاب‌هایی نداریم، اما در مورد کتاب‌های آموزشی مانند آموزش کتابداری قضیه متفاوت بوده و سعی ما خرید و ارسال این عنوان‌های به کتابخانه‌های مساجد است.

چهارمین جشنواره

«طریق جاوید» بزرگاری می‌شود
چهارمین جشنواره سراسری فرهنگی - هنری و پژوهشی «طریق جاوید» استفاده اسناد برگزار می‌شود.

معرفی کتاب و پایان‌نامه برتر از برنامه‌های این جشنواره است که توسط جهاد دانشگاهی و مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) برگزار می‌شود. نویسندگانی که کتبی پیرامون تحقیق و پژوهش در اندیشه‌های امام خمینی (ه) یا انقلاب اسلامی از سال ۱۳۷۸ تا یک تألیف یا ترجمه کرده‌اند می‌توانند در این بخش معرفی کتاب برتر شرکت کنند. در این بخشی به ناشرانی که کتاب آنها برگزیده شده دیلم افتخار و جایزه ویژه اهدا خواهد شد. دانشجویان و فارغ التحصیلان مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری نیز می‌توانند در بخش معرفی پایان‌نامه برتر شرکت کنند.موضوع این پایان‌نامه‌ها نیز باید پژوهش در آراء و اندیشه‌های امام خمینی (ره) یا انقلاب اسلامی بوده و از سال ۱۳۷۸ مهرماه ۸۱ارائه شده باشند.

مهلث ارسال آثار ۱۶ آذر تعیین شده است و پایان‌نامه‌های برتر توسط مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی (ره) منتشر خواهند شد.

اطلاعیه

دهمین دوره انتخاب کتاب سال استان کرمان

قابل توجه کلیه نویسندگان، مترجمان، مصححان و مؤسسات انتشاراتی

اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان کرمان در نظر دارد به منظور ارتقای فرهنگ جامعه اسلامی، حفظ استقلال و هویت فرهنگی و حمایت و تشویق تلاشگران عرصه مقدس فرهنگ مکتوب در هفته کتاب جمهوری اسلامی که در آبان‌ماه سال جاری برگزار می‌گردد اقدام به انتخاب کتاب سال استان نموده و جوایز ارزنده‌ای را به پدیدآورندگان اهدا نماید. کلیه نویسندگان، مترجمان، مصححان و ناشرانی که کتاب آنها دارای یکی از شرایط ذیل بوده و آثارشان از تاریخ ۸/۲۶ لغایت ۸/۳۱/۸۵ چاپ و منتشر شده است می‌توانند دو نسخه از کتاب خود را به دبیرخانه انتخاب کتاب سال ارسال کنند.

شرایط:۱- نویسنده، مترجم یا مصحح کتاب کرمانی باشد.

۲- کتاب توسط مؤسسات انتشاراتی کرمان منتشر شده باشد.

۳- نویسنده کتاب مقیم کرمان باشد.

۴- کتاب در مورد کرمان باشد، اعم از اینکه پدیدآورنده کرمانی یا غیر کرمانی باشد.

جوایز: لوح تقدیر و ۱۰ربع سکه بهار آزادی به کتاب برگزیده سال

در یکی از روزهای تابستان ۱۳۷۵ توسط یکی از دانشجویان عزیزم که در یکی از کتابخانه‌های شهر تهران کار می‌کند با آقای دکتر هاجری آشنا شدم از نخستین دیدار ما ۶ سال می‌گذرد و در این مدت شاهد تلاش‌های بسیار استاد در کار تدوین و تألیف آثار هیستم که هر یک به تهنیت تازه به کاری گروهی دارم و دقتی درخبر که همه را ایشان به صورت افرادی بر دوش می‌کشد. کتاب «فرهنگ نامه‌ها» پهناده‌ای است. برای گفت وگویی با ایشان.

آقای دکتر اول درباره خودتان فرمایید.

من سیدضیاءالدین هاجری در ۲۵ شهریور ۱۳۲۰ خورشیدی در تهران در خیابان ری محله آشپز دربار متولد شدم پس از پایان آموزش‌های دبیرستانی در رشته ریاضی دو سال در دانشکده پزشکی دانشگاه تهران درس علوم آزمایشگاهی را گذراندم و فوق‌دیپلم گرفتم. سال ۱۳۴۵ لیسانس زبان و ادبیات فرانسه را از دانشکده ادبیات دریافت کردم از آذر ماه ۱۳۴۷ خورشیدی در وزارت پست و تلگراف و تلفن استخدام شدم، البته با نظریه اعوان آشنایی با متالوژی آموزش کام نهادم. بعداً بیشتر توضیح خواهم داد. اگر فرصت بود.

دروازت پست و تلگراف و تلفن به چه کارهایی اشتغال داشتید؟
مترجم، مکتبری، رئیس آموزشگاه‌های دبیرستان و رابط بین الملل، رئیس دبیرستان فنی پست تهران، مدیر کل آموزش و سرانجام مدیر کل پست تهران و حومه و در آخر در درخواست شخصی در سال ۱۳۷۱ بازنشسته شدم. بدون اینکه اعلام کنم من دکتر دارم. کار تألیف و ترجمه را از چه زمانی و چگونه شروع کردید؟ در هنگام اشتغال ترجمه‌های فراوانی برای تیس در حوزه آموزش مورسیت به انجام رساندم. تألیف و گردآوری مجموعه قرئین و مقررات پست و تلگراف و تلفن ایران از سال ۱۳۴۶ خورشیدی تا ۱۳۹۶ خورشیدی را در ۱۰جلد انجام دادم و پس از آن هم هیچ همت ادامه آن نداشتم. مطلب زیادی را هم برای خودم ترجمه می‌کردم نه برای انتشار.

در چه رشته‌های دکترای گرفتید؟

من در رشته علوم تربیتی از کشور فرانسه دکترای گرفتم و در گزر در ادرا اعلام بکرده‌ام که من دکتر هستم پس از بازنشستگی، دوستان در یک جشن دوستانه اعلام کردند که بنده دکتر دارم.

چرا دلبخ خاصی داشت؟

بله می‌خواستم روزمره بازنشسته شوم و به کارهایی که در کشورشان بودم بپردازم. تحقیق و تألیف و ترجمه...
بنده خاطر هستم، زمانی که به فضای برای معرفی «فرهنگ نامه‌ها» البته مستتر شده‌ها در خدمت آقای سیدجامعی بودیم، ایشان پس از آشنایی با کارهای دوران دانشنتگی شما فرمودند، ما اگر جای مسئولان وزارت معاریات بودم و می‌دانستم شما در دوره بازنشستگی اینکه کاری کنید از همان روزاول شما را بازنشست می‌کردم خوب، پس از بازنشستگی چه کردید؟

انتشارات هاجری را تأسیس کردم و به جای کار نشر بیشتر به ترجمه و تألیف پرداختم مقالاتی در مجامع و مطبوعات در دو حوزه پست و زبان و آثار آلبو کرده‌ام. جنتزهار یکی و پیک خانه، و شاهنامه، شاهنامه پست، شاهنامه، شاهنامه است. از این جمله‌اند.

ممکن است عنوان‌های پارهای از آثار خود را بفرمایید؟

- بله به ترتیب:
- بیوگرافی و نقدی بر آثار مورس مترلینگ (ترجمه)
- زندگینامه و نقدی بر آثار آلبو کرده (ترجمه)
- آنچه یک معلم باید بداند (تألیف و ترجمه)
- تیسر، جام جهان‌نما (تألیف)
- فرهنگ ساختاری واژگان فرانسه (تألیف)
- فرهنگ فندهای زبان فارسی؛ پیشوندها، میونددها و پسوندها (تألیف)
- و آخرین اثر هم که «فرهنگ نامه‌ها»...
- بله «فرهنگ نامه‌ها» ۱۲ سال روی آن کار کردم و سرانجام هم موفق نشدم اصل آن که ۲۰جلد است را منتشر کنم. بگذریم فعالیت‌بگذراید جامعه‌روری همین اثر دو جلدی قضاوتش را بکنند تا بعد.

آقای دکتر «فرهنگ نامه‌ها» را بیشتر دربارالش فرمایید.

ببینید من سعی کرده‌ام هر اثری را که در عنوان آن نامه» چه به عنوان پیش‌نام مانند «نامه‌های قرئین» یا میان نام مانند

آموزگار نباید بخیل باشد

گفت وگو با دکتر سیدضیاءالدین هاجری مؤلف «فرهنگ نامه‌ها»

«ساخت نامه ابراهیم یک» و یا پس‌نام مانند «شاهنامه» آمده است گردآوری کنم و توضیحاتی درباره نویسنده، قهرمان، مترجم و خود اثر دادم. البته این کار فقط روی آثار فارسی نیست بلکه آثار دیگر زبان‌ها را نیز شامل می‌شود. بی‌خود که ۴۰۰۰۰صفحه برگیره این نوشتنم. فکر می‌کنم هزاران برگ مطلب دیدام، خواندم، ترجمه کردم و الخ.

از چه زبان‌هایی ترجمه کرده‌اید؟

فرانسه، انگلیسی و عربی. بعضی از آثار را هم که مثلا در روسی یا زبان دیگری بوده‌است سعی کرده‌ام ترجمه فرانسه یا انگلیسی یا عربی آن را پیدا کنم و سپس روی آن کار کنم. فرمایید در وزارت پست و تلگراف و تلفن چگونه به آموزش روی آوردید؟

از توجوهی معلمی را دوست داشتم، وقتی به بلژیک رفتم نگاهم به آموزش عوض شد یعنی عمیق‌تر شد. فهمیدم برای هر کاری هر چند هم ساده باید آموزش داد و آموزش مید. اصلاً شعور فرهنگی یک ملت حاصل آموزش است و پس.

ممکن است بیشتر در مورد «آموزش» توضیح دهید؟

در آموزش روش شناسی بسیار مهم است، چه باید بیاموزیم و چگونه باید بیاموزیم مهم است. باید ماهیگیری بیاموزیم ، ماهی خوردن را همه بلدند. من در فرانسه سینما زیادی رفتم و بیسپار بر جنبه‌های آموزشی سینما توجه داشتم. وقتی به ایران آمدم فوری آنچه‌های معلم باید بلدان را بر ای مدرسان آموزشگاه پست تألیف و ترجمه کردم و آن شامل مجموعه روش‌های بلژیکی‌ها در آموزش بود. دوره‌های



● در آموزش، روش‌شناسی بسیار بیاموزیم و چگونه باید بیاموزیم مهم است
آموزشی را در پست ایران پیاده کردم. معقد بودم بپنجهای هم باید آموزش ببینند.
چگونه؟ مگر شما...
من مدیر کل آموزش شدم. از این پنج نفری که برای آموزش به بلژیک اعزام شدیم من انتخاب شدم. آقای حسین بزمان بخجاری که من هرگز ایشان را ندیدم، بسیار آدم باسوادی بود و تاریخ پست ایران از تفیقات ایشان است که قبالاً رئیس آموزش بوده‌است. من روزی که پست میزملیرت آموزش نشستم، گفتم آقای بزمان من شما را ندیدماد ولی ربات را ادامه می‌دهم.

یادم هست، به دلیل درگیری که در اداره آموزش پست داشتم، می‌خواستند آموزش را منحل کنند. گفتم چرا؟ مرا کنار کنار بگذارید نه آموزش را! **بعد چه شد؟**
مدیر کل پست استان تهران و حومه شدم ولی مهمتجان آموزش کار بودم. آموزش باید بخیل باشد. بگذریم، در تاریخ اول مهرماه ۱۳۷۱ با میل و خواست خودم بازنشسته شدم. چون دیدم باید کار کنم و با ادب‌الداری ما ممکن نیست.

در مورد پان‌نامه‌ها خودتان می‌خواستید نکته‌ای بفرمایید.
بله، من درباره مرگ و زندگی در آثار مورس مترلینگ و مقایسه آن در آثار کامو کار کرده‌ام، اما بیشتر دوست داشتم دیدگاه آنها را بخایم و عطار مقایسه کنم. اسنادم با آنها آشنایی نداشتم. از این کار منصرف شدم. اسناد برایم آقای دکتر عبسی سهپندی عاشق حافظ بود.

تاریخچه

سید کاظم حافظیان رضوی

تا آنجا که من می‌دانم، چند اثر هم بر ای کودکان و نوجوانان کار کرده‌اید چرا؟
خوب، به نهال باید بیشتر توجه کرد. کتابی با عنوان جبرجیرک با گلبگک آفریش را بازنویسی کردم. این اثر کار کامیل لاملاریون است. وی یک اخترشناس بزرگ است. کتابش ۴۰۰۰صفحه است که به اندازه ۴۰۰۰۰صفحه محتوا دارد. شاهکار خاندانشناسی است. آن را برای نوجوانان ترجمه کردم و بازنویسی. برای تصاویرش هم یک جبرجیرک آوردم، روی انجریلش کار تصویرگری کردم با یکی از دوستان.

آقای دکتر، تا آنجا که من می‌دانم شما در گذشته هم اکنون بیشتر به تألیف آثار مریج مشغولید. این آثار فعالیت گروهی را می‌پلید. آیا از همکاری دیگران استفاده می‌کنید؟

من استقبال می‌کنم، اما کو مرد میدان. آن میان ۲۰تا ۲۷تقری انتخاب کردم برای تدوین فرهنگ‌های پارسی. در آخر فقط یک نفر ماند. و او هم رفت. این کارها جستار و طاقت می‌خواهد. ببینید من در شبانه‌روزی گاهی فقط ۱۵ دقیقه استراحت می‌کنم و ۸ ساعت کار. دو بار این نوع کار کردن مرا به هم می‌سپورده‌است. پزشکان می‌گویند کار نکن من هم که نمی‌توانم و پس از برگشتن از میزملیرت یکی درووز در رختخواب به این برگیره‌ها پیش‌ها مگر کتابخانهم خیره می‌شوم و می‌بینم طفلی‌ها مرا احصا می‌کنند. برمی‌خورم سرافشان می‌روم و فقط وقتی آرام می‌گیرم که در اختیار جامعه به‌صورت کتاب قرارشان دهم. از کار گروهی نیست. نمی‌دانم چرا؟

به اطراف اطاق استاد نگاه می‌کنم چیزی جز کتاب و فیش و به قول خودشان برگزیده نمی‌بینم. به اسناد خوره می‌شوم که بر روی دیوار کارش در حال تصحیح فرم حرف‌چینی شده (ترجمه ۲۰۰۰۰) است با عنوان «فرهنگ واژگان یگانه پارسی» قرار است انتشار یابد.

می‌رسیم آیا با کامپیوتر یا رایانه آشنایی دارید کار می‌کنید
خیر، ولی ابراز خوبی است. فکر می‌کنم اگر می‌توانستم از آن استفاده کنم بیشتر کار می‌کردم. ماهی‌هر حال من باید نگاهذ و قلم داشته باشم و با اینها هم کار من می‌گذرد فقط زمان را نمی‌دانم قطرو می‌شود به‌دست آورد.

استاد، خطی شده به فکر راه‌اندازی انتشارات قانقدید؟

نخست اینکه کار نشر هم در خدمت آموزش است. هر ناشری هم دنیا را ندارد. می‌خواستم کل چاپ فرهنگ نامه‌ها را در صورتی که بتوانم خودم به تهیه به انجام برسانم. البته کار نشر کار پردرستی است. من هم تقریباً زیاد این کاره نیستم. فعلاً بیشتر با ناشران دیگر مشترک کار می‌کنیم.
از جمله فعالیت‌های شما افتخارآزادی «انجمن پاسداری از زبان فارسی» است که من می‌دانم برای گرفتن مجوز آن تلاش بسیار معمول داشتید. ممکن است بفرمایید تأکیداتان بر پاسری سره و کاربرد آن چرا این قدر زیاد است؟

بحث مفصلی است. فقط به اشاره از آن می‌گذرم. از سال ۱۳۲۱ تاکنون یعنی چهل سال است که دستور زبان چهار زبان عربی، فارسی، فرانسه، انگلیسی را باهم مقایسه می‌کنم. به این نتیجه رسیدم که دستور زبان را ایرانی‌ها نوشته‌اند.

شما به «این» در عبارت این **معنا** کتاب *The book / Co Live* توجه کنید. فقط در دستور فارسی است که می‌گوید اسم اشاره بقیه می‌گویند صفت اشاره فارسی درست می‌گوید. به همین دلیل فارسی تواناست.

هر زبان دیگری در مقابل پرورش‌هایی که زبان فارسی قرار گرفته قرار می‌گرفت تاکنون نبود شده بود. این زبان هر چه سیلی خورده است لسته‌اند. داستان بی و چتر است. کنسای برای تازی دستور زبان نوشته‌اند که ایرانی بوده‌اند بدون شک.
خوب پیشنهادتان چیست؟ شما به کتاب می‌گویید «ماتیگان»! چند نفر می‌دانند ماتیگان چیست؟ به شعر می‌فرمایید «سواده»...
من نمی‌گویم، پارسی می‌گوید. اول بدانید ادب‌دان‌ها ریاضیدان‌های خوبی بوده‌اند. بی‌الاری در فرانسه و دکتر محمود حسینی در ایران. حتماً مقاله آقای دکتر حسینی را با نام فرانسوی زبان فارسی در نامه‌انجمن فرهنگ ایران بستان که در سال ۱۳۲۹ نگاشته شده است بخوانید. من در مقدمه فرهنگ وندهای زبان فارسی «درباره این جنبش بیشتر توضیح دادم. البته در این باره حرف زیاد است فقط عرض می‌کنم این کار یعنی «پارسی سره را پاسی بداییم» کار یک نفر نیست نویسنده سرایدیم. مترجم و ویراستور... همه دست‌اندر کاران تولید آثار فارسی باید در این راه گرم برارند. زمان لازم دارد و همت.

یادداشت

جای خالی نقد و معرفی کتاب‌های علوم اجتماعی

تقسیم‌بندی موضوعی کتاب در ایران، بر اساس نظام رده‌بندی دهدهی یا دیویی صورت می‌گیرد و تمامی کتاب‌ها در ۱۰ موضوع طبقه‌بندی می‌شوند. این موضوع‌ها عبارتند از: کلیات، فلسفه، دین، علوم اجتماعی، زبان، علوم طبیعی و ریاضیات، علوم عملی، هنر، ادبیات و تاریخ و جغرافیا. بر اساس این دسته‌بندی، کتاب‌های حوزه علوم اجتماعی در ردیف سوم جدول قرار می‌گیرند.

طبق آمارها و گزارش‌های هفتگی وضعت ترتیب کتاب‌ها در سوزی مؤسسه خانه کتاب منتشر می‌شود، کتاب‌ها با

موضوع علوم اجتماعی غالباً از نظر تعداد عنوان‌های تازه منتشر شده، مقام سوم خود اختصاص می‌دهد و این نشان‌دهنده توجه ناشران به این حوزه است که البته ناگفته نماند بسیاری از این کتاب‌ها، کتاب‌سازی نیز هست، به‌عنوان مثال، طی سه ماهه گذشته سال جاری، در مجموع ۵۸۱۲ عنوان کتاب در کشور منتشر شده که ۷۸۰ عنوان از آنها با موضوع علوم اجتماعی است و این مؤید انتشار عناوین متنوع در این حوزه است که به نسبت سایر موضوع‌ها، از درصد خوبی برخوردار است یعنی حدود ۱۳ درصد از مجموع کل کتاب‌ها را به خود اختصاص داده است.

از طرفی رده علوم اجتماعی دارای زیرمجموعه‌های فراوانی از جمله جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی، روابط اجتماعی، آمار، علوم سیاسی، حقوق، روابط بین‌المللی، اقتصاد، تولید، علوم نظامی، آموزش و پرورش، جرم‌شناسی، بازرگانی بین‌المللی، اوزان و استانداردها، آداب و رسوم ادوار زندگی، فرهنگ عامه و... است که باز خود اینها دارای زیرمجموعه‌های دیگری هستند.

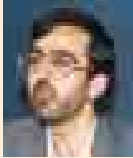
با توجه به دامنه گسترده این حوزه چقدر به آن توجه می‌شود؛ غیر از دانشجویان این رشته آیا افراد عادی جامعه نیز با آن آشنا هستند و در زندگی روزمره خود به این موضوع توجه دارند؟ عدم توجه مخاطب عمومی به این حوزه به عوامل متعددی برمی‌گردد که از جمله می‌توان به کمبود اطلاع‌رسانی دقیق و صحیح، عدم شناخت نشريات تخصصی (به‌جز مواردی اندک)، نبود جلسات نقد و بررسی کتاب‌هایی در این زمینه، کمبود برنامه‌های تلویزیونی تحت عنوان معرفی کتاب‌های تخصصی و... اشاره کرد. اما آنچه قابل توجه است بحث کتاب‌سازی در این حوزه است. در بسیاری از کتاب‌های تألیفی تازه منتشر شده این موضوع، مجموعه مقالات یا کتاب‌هایی با عنوان پژوهش‌نامه‌ها را شاهد هستیم.

پایان‌نامه‌های فراوانی نیز با این موضوع توسط دانشجویان دوره فوق لیسانس و با دکترای نوشته می‌شود که بسیاری از آنها قابلیت کتاب شدن را دارد و باید دانشگاهها و مسؤولان امر امکاناتی را برای این دانشجویان فراهم کنند تا بتوانند با اطلاع‌رسانی دقیق خود، هر چه بهتر و بیشتر به این موضوع بپردازند و تألیفات و تحقیقات خود را به مرحله کتاب شدن برسانند.

مسأله دیگر در این زمینه بحث مخاطب‌شناسی است که آن‌چنان‌که باید و شاید به آن توجه نشده و باید به آن عنایت ویژه شود.

تاریخچه

نظام وارونه انتخاب کتاب برای کودکان



کتابخوانی در بین جمعیت کودک و نوجوان کشور نادیرم و در این زمینه هیچ تحقیق فراگیردی انجام نشده است ولی نشانه‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد میزان کتابخوانی در این سنخ جمعیتی به هیچ وجه مطلوب نیست و اگر وضع هم عنوان ادامه یابد، آینده‌ای تاریک در انتظار جامعه خواهد بود.

میزان پایین میانگین شمارگان کتاب‌های کودک و نوجوان (۸۱۰۶) در سال ۱۳۷۹، سرانه ناچیز انتشار کتاب برای دانش‌آموزان کشور (۵)جلدبرای هر نفر در سال (۱۳۷۹)و از همه مهمتر سرانه ناچیزتر تألیف در ادبیات کودک و نوجوان در کشور (۷۵۶) جلد در سال به ازای هر دانش آموز (۱۳۷۹)همه گویای آن هستند که حتی اگر کودکان تمایل به مطالعه بیشتر هم داشته باشند میزان کتاب‌های در دسترس آنها اجازه چنین چیزی را نمی‌دهد، هر چند که میزان پایین تولید کتاب‌های کودک و نوجوان در کشور نیز تا حدود زیادی متأثر از عدم وجود تقاضای کافی از سوی جمعیت مصرف‌کننده این کتاب‌ها می‌باشد. اما براسنی چیزی چرا کودکان ونوجوانان کشور تمایل چندانی به مطالعه کتاب ندارند؟ و اگر مراکز دولتی همچون آموزش و پرورش و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اقدام به خرید کتاب از ناشران نکنند، قسمت عمده‌ای از این شمارگان ناچیز نیز روی دست ناشران می‌ماند. در حالی که در کشور یک جمعیت حداقل بیست میلیون وجود دارد که شغل اصلی آنها مطالعه و کتابخوانی است.

در جواب به این مسأله می‌توان به عوامل متعددی اشاره کرد که به نظر من یک عامل از بقیه مهمتر است و آن نظام انتخاب کتاب برای کودکان است. متأسفانه در کشور نظام انتخاب کتاب بشدت اتنذار کرا و وارونه است و این وضعیت نیز خود متأثر از انگاره حاکم بر نظام آموزش و پرورش در نگاه به «کودک» و «دوران کودکی» است. در این نظام همچون تمامی نظام‌های سنتی در دنیا «دوران کودکی» مرحله‌ای استالی در نظر گرفته می‌شود که کودکان به وسیله نهادهای اجتماعی تعدادی سباز برنگسلان از افرادی خام و ناآگاه به افرادی آگاه و صاحب صلاحیت در اشغال بست‌های اجتماعی تبدیل می‌شوند. در این نظام سنتی کودک مومی است که توسط والدین شکل داده می‌شود. به نظر می‌رسد این انگاره به تمام و کمال به نظام انتخاب کتاب برای کودکان تسری پیدا کرده است. خانواده‌ها و مدارس که از منابع اصلی دسترسی کودکان به کتاب‌ها هستند، بر این اساس به خود اجازه می‌دهند تا برای کودکانی که به زعم آنها صلاح‌خویش را نمی‌شناسند و ممکن است توسط بعضی از کتاب‌ها گمراه شوند، کتاب انتخاب کنند. در حالی که واقعیت کودکی امروز و خصوصیات دوران کودکی دگرگون گشته است. امروزه با وجود منابع اطلاعاتی متعدد و تکنولوژی‌های متنوع در این زمینه تصور کودک ناآگاه که از پیش فرض نظام‌های سنتی آموزش و پرورش بود، وجود خارجی چندانی ندارد و به ادعای بعضی از اندیشمندان، دوران کودکی در حال زوال است! بااین حال این‌ها می‌توانیم هنوز هم به والدین و مربیان تربیتی مدارس اجازه دهیم به جای کودکان تصمیم گرفته و برای آنها کتاب انتخاب کنند؟ انتخاب‌هایی که اغلب بر اساس گرایش‌های تئولوژیک و خواسته‌های والدین و مربیان است تا نیازها و خواسته‌های کودکان. اگر چنین باوری هنوز بر نظام انتخاب کتاب حاکم باشد ـ که هست ـ باید به کودکان حق داد تا به کتاب‌هایی که به هیچ‌وجه تناسبی با علایق و خواسته‌های آنها ندارند دست‌نزنند. بانوجه به امکانات فعلی نظام انتخاب و خرید کتاب برای کودکان در مدارس، بسیاری می‌توان کتابخانه‌های مدارس را مملو از کتاب کرد ولی باید توجه داشت که به هیچ‌وجه نمی‌توان کودکان را مجبور به خواندن چنین کتاب‌هایی کرد.

اگر مدیران و سیاستگذاران تعلیم و تربیت هنوز هم به نقش آینده‌ساز کودکان ونوجوانان معتمد هستند و اگر معتقدند که شاخص علاقه به کتابخوانی تصویر آینده را ترسیم می‌کند، باید تعریف خود از کودک و دوران کودکی را بر واقعیات روز این پدیده منطبق کنند. آنها باید به کودکان اعتماد کنند و به آنها اجازه دهند برای خود انتخاب کرده و خود در این زمینه تصمیم بگیرند.

در اغلب کتاب‌ها، از همان ابتدا، پیش‌فنی از شروع صفحات متن، باصفحاتی مواجبه می‌شود که در برخی از این صفحات، به معرفی و ذکر مشخصات کتاب و در برخی دیگر به محتوا و مسائلی فی پراخته شده است. همچنین اگر لازم بیاوند و جایز باشد، بعد نیست در همین صفحات اول، به معرفی کوتاه دست‌اندرکاران فنی و آماده‌سازی کتاب نیز پرداخته به این صفحات، در اصلاح، صفحات آغاز کتاب یا واحدهای پیش از متن گفته می‌شود.

اینکه می‌گویم در اغلب کتاب‌ها، به دلیل این است که برای تهیه و نگارش این صفحات، یعنی صفحات اول کتاب، بجز تعدادی از صفحات، از جمله پیشگفتار یا دیباچه و گاهی به انشیه مقدمه، تدوین و آماده‌سازی بقیه صفحات اولیه، زحمت زیادی ندارد. البته بعد نیست در مواردی و شاید اغلب، زحمت تهیه و آماده‌سازی این صفحات بر عهده ناشر یا همکاران وی باشد.

اگر به اجمال و گذرا این صفحات را معرفی کنیم، مقدم‌خواننده این مطلب به فراس‌ت درمی‌یابد که ذکر عنوان کتاب، نام نویسنده و مترجم، اگر بخت و اقبال یار بود ـ ذکر اسامی ویراستور و سایر دست‌اندرکاران فنی و تولید کتاب زحمتی ندارد، فقط مگرول به کرم و عنایت بزرگ یابزرگوارانی است که گاهی هزینه چاپ کتاب یا شماری از کتاب‌ها را متقبل می‌شوند.

بعد از آن، در ردیف صفحات اول کتاب، صفحه تقدیم‌نامه قرار دارد که گاهی برخی نویسندگان و مترجمان در صفحه تقدیم‌نامه، به احترام و سپاس، از برخی دوستان و آشنایان خود به لطف و مرحمت یاد می‌کنند؛ ضمن آنکه تشکر و سپاسگزاری از هم‌راهان و یارانی که در تهیه و تدوین مطالب کتاب، نویسنده را یاری داده‌اند یا دست‌مترجم را در انتخاب و گزینش برخی مطالب درآمده‌ها به لطف و مهربانی گرفته‌اند یا در صفحه تقدیم‌نامه جای‌دارد یا در صفحه سپاسگزاری. البته در نوبت و جای دیگری به معرفی مضمون یا مضامین کتابک این صفحه‌ها پرداخته‌ایم. اما اکنون بنا داریم به مطلب و موضوعی اشاره کنیم که هنوز، حتی در همین روزهای جاری، اغلب کتاب‌های منتشرشده و نیز چاپ فارسی، به انشیه و نثار و عنایین و مضامین دیگری به خود گرفته‌اند و خواننده نیز از همه جا را به به هیچ‌روانهما و راهبر سبستند. منظور از بیان این نکته، اشاره به این مطلب است که هنوز بسیاری از نویسندگان و مترجمان فریخته‌ما نمی‌دانند یا اطلاع ندارند که پیشگفتار و مقدمه چه نقارنی با یکدیگر دارند یا مثلاً جایگاه پیشگفتار و مقدمه در کجای کتاب است، به علاوه ترتیب قرارگیری این صفحات، چه نظم و آیینی دارد.

در هر حال، بحث از صفحه‌های آغاز کتاب، در حوصله و مجال این نوشته ـ که بنا را بر اختصار نهاده است ـ نیست و خوانندگان علاقه‌مند را به مآخذ پیشین و اولیه این نوشته ارجاع می‌دهیم.

کوشش ما در نوشته حاضر، نخست بررسی دوباره محتوا و مضمون، پیشگفتار و مقدمه است و بعد اشاره به تفاوت‌های این دو مضمون و مقوله با یکدیگر است. به علاوه در این بررسی قرار است ترتیب قرارگیری و جایگاه پیشگفتار و مقدمه در کتاب‌های گوناگون را در هر زمینه و مقوله بررسی کنیم. البته در این بررسی به صفحات دیگری که گاه به‌درستی و در مواردی به ناروا جاشین پیشگفتار و مقدمه می‌شوند، از جمله سخن آغازین، «دیباچه» و «درآمد» هم به اختصار و به تناسب متن و موضوع اشاره می‌کنیم.

همان‌طور که وعده داده بودیم، در اینجا ابتدا به بررسی پیشگفتار و مقدمه می‌پردازیم و بعد از آن به تفاوت‌های پیشگفتار و مقدمه اشاره می‌کنیم و در بررسی همین تفاوت‌ها به ترتیب قرارگیری این صفحات، یعنی پیشگفتار و مقدمه، در ردیف صفحات اول کتاب و بعد از آن اشاره خواهیم کرد.

پیشگفتار بحثی است کلی درباره کتاب که اطلاعاتی درباره چگونگی نوشتن و تهیه آن به دست می‌دهد و برخلاف مقدمه وارد متن نمی‌شود. پیشگفتار شرحی است در باب تألیف، چگونگی دستیابی به معنی، شیوه کار و نگارش و بیان علت و انتصاب این شیوه، طرز استفاده و موارد مفید بودن کتاب، مشکلات تهیه،

جایگاه پیشگفتار و مقدمه

توضیحی درباره چاپ‌های متفاوت با تشکر از همکاری‌ها و مسائلی از این قبیل که در کتاب‌های گوناگون می‌تواند مسائل متنوعی را در برگیرد.

گاهی ضرورت دارد که ناشر نیز اطلاعاتی در باب نشر کتاب به خواننده ارائه کند یا شخص دیگری بجز نویسنده یا ناشر تقسیری درباره کتاب دارد که به صورت پیشگفتار به کتاب اضافه می‌شود. در صورت نیاز ممکن است یک کتاب همه انواع پیشگفتارها را داشته باشد؛ اگر کتاب ترجمه شود مترجم نیز می‌تواند مطالبی را بیان کند؛ البته پیشگفتارها بسته به نوع کتاب ممکن است حاوی نکات متعدد و متفاوتی باشند.^۱

در اغلب کتاب‌ها، مطلب مقدمه و پیشگفتار به انشیه یکسان تلقی می‌شود، در صورتی که مقدمه بر خلاف پیشگفتار به عنوان فصلی مقدماتی درباره موضوع بحث می‌گردد.^۲

خواننده یا خوانند مقدمه درمی‌یابد که در کتاب چه مطالبی مورد بحث قرار می‌گیرد، دامنه و عمق مطلب کتاب در چه سطحی است و همچنین فصل‌های کتاب چه ترتیبی با یکدیگر دارند.

همان‌طور که پیشتر یادآور شدیم چون مطالب پیشگفتار وارد متن نمی‌شود، از این رو در ردیف صفحات آغاز کتاب به طور منطقی، قبل از فهرست کتاب قرار می‌گیرد.



بعضی از نویسندگان و مترجمان در صفحات اول کتاب، صفحه تقدیم‌نامه قرار دارد که گاهی برخی نویسندگان و مترجمان در صفحه تقدیم‌نامه، به احترام و سپاس، از برخی دوستان و آشنایان خود به لطف و مرحمت یاد می‌کنند؛ ضمن آنکه تشکر و سپاسگزاری از هم‌راهان و یارانی که در تهیه و تدوین مطالب کتاب، نویسنده را یاری داده‌اند یا دست‌مترجم را در انتخاب و گزینش برخی مطالب درآمده‌ها به لطف و مهربانی گرفته‌اند یا در صفحه تقدیم‌نامه جای‌دارد یا در صفحه سپاسگزاری. البته در نوبت و جای دیگری به معرفی مضمون یا مضامین کتابک این صفحه‌ها پرداخته‌ایم. اما اکنون بنا داریم به مطلب و موضوعی اشاره کنیم که هنوز، حتی در همین روزهای جاری، اغلب کتاب‌های منتشرشده و نیز چاپ فارسی، به انشیه و نثار و عنایین و مضامین دیگری به خود گرفته‌اند و خواننده نیز از همه جا را به به هیچ‌روانهما و راهبر سبستند. منظور از بیان این نکته، اشاره به این مطلب است که هنوز بسیاری از نویسندگان و مترجمان فریخته‌ما نمی‌دانند یا اطلاع ندارند که پیشگفتار و مقدمه چه نقارنی با یکدیگر دارند یا مثلاً جایگاه پیشگفتار و مقدمه در کجای کتاب است، به علاوه ترتیب قرارگیری این صفحات، چه نظم و آیینی دارد.

در هر حال، بحث از صفحه‌های آغاز کتاب، در حوصله و مجال این نوشته ـ که بنا را بر اختصار نهاده است ـ نیست و خوانندگان علاقه‌مند را به مآخذ پیشین و اولیه این نوشته ارجاع می‌دهیم.

کوشش ما در نوشته حاضر، نخست بررسی دوباره محتوا و مضمون، پیشگفتار و مقدمه است و بعد اشاره به تفاوت‌های این دو مضمون و مقوله با یکدیگر است. به علاوه در این بررسی قرار است ترتیب قرارگیری و جایگاه پیشگفتار و مقدمه در کتاب‌های گوناگون را در هر زمینه و مقوله بررسی کنیم. البته در این بررسی به صفحات دیگری که گاه به‌درستی و در مواردی به ناروا جاشین پیشگفتار و مقدمه می‌شوند، از جمله سخن آغازین، «دیباچه» و «درآمد» هم به اختصار و به تناسب متن و موضوع اشاره می‌کنیم.

همان‌طور که وعده داده بودیم، در اینجا ابتدا به بررسی پیشگفتار و مقدمه می‌پردازیم و بعد از آن به تفاوت‌های پیشگفتار و مقدمه اشاره می‌کنیم و در بررسی همین تفاوت‌ها به ترتیب قرارگیری این صفحات، یعنی پیشگفتار و مقدمه، در ردیف صفحات اول کتاب و بعد از آن اشاره خواهیم کرد.

پیشگفتار بحثی است کلی درباره کتاب که اطلاعاتی درباره چگونگی نوشتن و تهیه آن به دست می‌دهد و برخلاف مقدمه وارد متن نمی‌شود. پیشگفتار شرحی است در باب تألیف، چگونگی دستیابی به معنی، شیوه کار و نگارش و بیان علت و انتصاب این شیوه، طرز استفاده و موارد مفید بودن کتاب، مشکلات تهیه،



لفظ نادرست به جای مقدمه یا «دیباچه» و «یادداشت» همه و همه ظاهراً به نیت جاگزینی و جایگزینی به جای پیشگفتار تهیه و تحریر می‌شوند. هیچ کدام از این مطلب و عنایین، کار جذاب و دیدنی، ندیده و شنیده نمی‌توانند در حالی خصوصیات بیستند که جاشین و جایگزین مقدمه کتاب باشد. بنا بر این برای تصمیم‌گیری به انتخاب هر کدام از این عناوین، خوانندگان را به توضیحات پیشین در لیدر اطلاعات ارجاع می‌دهیم. برای آنکه خوانندگان با تفاوت‌های ریز و درشت مقدمه و پیشگفتار و ضمن آن تمایز و تفکیک این دو مقوله با یکدیگر بیشتر آشنا شوند، در اینجا به تمایز و اختلاف این دو مقوله و مطلب با یکدیگر فهرست کرده می‌اشاریم:

۱- ترتیب قرارگیری پیشگفتار در کتاب، قبل از فهرست مطالب است، اما مقدمه جزء صفحات متن تلقی می‌شود و باید بعد از فهرست مطالب بیاید. ۲-حرف پیشگفتار به دلیل تمایزهای پیش‌گفته، همواره یک‌شماره کوچکتر از حروف متن منظور می‌شود که در حالی که حرف مقدمه، چون بخشی از مطالب متن است، با همان حروف متن در نظر گرفته می‌شود. ۳- در کتابهای پیشگتار، ذکر نام نویسنده پیشگفتار و تاریخ نگارش آن، ضروری و اجتناب‌ناپذیر است که در انتها مقدمه، ذکر نام نویسنده که ظاهراً همان نویسنده کتاب است، ضرورتی ندارد.

۴- تشکر و سپاسگزاری از هم‌راهان و دست‌اندرکاران فنی و غیر فنی، در ابتدای مربوط به صفحه سپاسگزاری و بعد از آن به پیشگفتار کتاب مربوط است. بنابراین تشکر و سپاسگزاری، در مطلب مقدمه کتاب جای ندارد.

۵- توضیح درباره محتوای فصل‌های کتاب و ارتباط فصل‌ها با یکدیگر در حوزه مطلب مقدمه است. البته این فصل تا چه‌اندازه اهمیت دارد و ارتباط این فصل‌ها با مطالب و مسائل بعدی چگونه است، همه و همه در لیدر مقدمه کتاب جای می‌گیرد. ۶- علی‌الظاهر مطالب و مضامین مقدمه، نسبت به پیشگفتار، به لحاظ حجم و محتوا، فصل‌تر و طولی‌تر است و ارتباط تکنیکی نیز با متن و با موضوع دارد. بنابراین مطلب چهار یا پنج صفحه‌ای با عنوان مقدمه، انشیه و سخای رایجی است که برخی نگارندگان به ناروا مرتکب می‌شوند.

شما به عنوان خواننده کتاب یا نشربه، حتی می‌توانید به این مطلب به ما مه سعی و تلاش به نشن بند از آن اشاره کردیم، مطلب یا مطلب دیگری درباره پیشگفتار و مقدمه اضافه کنید. و ما را وادار محبت و کرامت خویش کنید که به تأیید و ترویج بار دیگر تکرار می‌کنیم و شما، خواننده این مطلب هم بی‌شک به ما اطلاع‌دارید که ما، اهالی ایران‌زمین، در حوزه کتاب و نشر، تفاوت‌ها را تیر و قیریم.

محمد سید اشراقی

پاوتش‌ها:

۱- برای اطلاعات بیشتر به کتاب «درباره ویرایش» مقاله «صفحات آغاز کتاب» نوشته نگارنده، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ سوم ۱۳۷۵، مراجعه کنید. ۲- مطلب مربوط به پیشگفتار، بخشی از دستورالعملی است که در مرکز نشر دانشگاهی اجرا می‌شود و به همت آقای احمد خضیر طوسی، یکی از ویراستاران ارشد، گردآوری و تهیه شده است. ۳- در اغلب کتاب‌های ریاضی مقدمه به عنوان فصل نقلی می‌شود. ۴- در بعضی از کتاب‌ها، سپاسگزاری از همکاران فنی و غیر فنی و حتی یادداشت‌های چند سطرگی به عنوان مقدمه تلقی شده است! ۵- منظور از جور بودن یا جور شدن صفحات کتاب این است که تعداد صفحات کتابی که مضرب صحیحی از عدد صحیح باشد و به عدد صحیح ختم شود. یعنی کتاب صحیح باشد و به عدد سفیدی نباشد. کتاب‌های دارای صفحه سفید ظاهراً از علت ناشایستی مسوولان فنی و کارگزاران کتاب، گاهی حاوی صفحات متعدد سفید و بدون مطلب است.

میهمان این هفته «پشت صحنه» علی کاظمی است، او دربارهٔ خود و کارهایش چنین می‌گوید:

در ۱۳۱۶ در تبریز به دنیا آمدم. فارغ‌التحصیل دانشسرای عالی تهران و دبیر زبان‌نژسته آموزش و پرورش تهران هستم و از سال ۱۳۶۵ تا امروز به عنوان مترجم از ترکی استانبولی او ویراستار یا بنیاد دایرةالمعارف اسلامی (دانشنامه جهان اسلام) همکاری می‌کنم.

نخستین کار فرهنگی‌ام، چاپ کتاب تاریخ انقلاب آذربایجان و بلوای تبریز، اثر حاجی محمد باقر کوپه، نخستین و شاید یگانه وقایع‌نگار مشروطه در تبریز بود که به تشویق دوست خوبی انجامش دادم این کتاب در تهران، تجدید چاپ شد. بعد، ابر دلخواه، تنها داستانی که ناظم حکمت برای پیچه‌ها نوشته است. این ترجمه را با دوست خویم غلامحسین فرودبا هم انجام دادیم که به دو جام رسید و قرار است به چاپ سوم هم برسد. -ماجراهای قریه داناباشی، داستان طنزآمیز، اثر جلیل محمدقلی زاده، نویسنده معروف آذربایجانی

-قیام باسماچیان، فرشته زکی ولیدی طوغان، محقق ترک، به صورت مقاله بلند تاریخی (تجدید چاپ شد)

استانبول و فتح آن، نوشته طبیب گورک بیگلین و خلیل ابیتالچیچ، دو نویسنده ترک، ترجمه از ترکی و انگلیسی

-دژ سید، از اورهان (اورخان) یاموگ، نویسنده ترک، ترجمه از ترکی استانبولی، همراه با فرهاد سخا

-کتاب‌هایی برای نوجوانان (در سری کاوش امپریکر، در سال‌های ۵۲-۵۳)

دانشندان نامی، هوا، ستارگان، شیر و موش، لاک‌پشت آوازخوان، ترجمه از انگلیسی و محرم و شمع خوردشید (داستان)، اثر اولگوکوتار، نویسنده ترک -قیام در کودکستان، اثر گورماندر، نویسنده سوندی، چاپ سروش، از ترکی استانبولی.

-مقداری هم کارهای دیگر (لقب نیمه کاره) که برخی به تفاریق چاپ شده و بعضی چاپ نشده است

جدیدترین کارم- که در واقع کار مشترک من و دوست خویم آقای حجت قنری است- فرهنگ ترکی استانبولی به فارسی است که مقدمات تألیفش را فراهم آوردم‌ام و اگر خدا خمد کند، تا سه چهار سال دیگر فرهنگ معاصر آن را عرضه بازار خواهد کرد. اما کار ویرایش را از ۱۳۵۰در انتشارات دانشگاه تهران آغاز کردم و تا به امروز کارهای زیادی انجام داده‌ام که روی خیلی از آنها مشقت‌مان نیشمه که از ذکرشان می‌گذرم. این نمونه یکی از آنها تبریز مه‌آلود، ترجمه سید سید است.

بخشی از کتاب‌هایی که نام مرا به عنوان ویراستار به همراه دارن، عبارت‌اند از:

گفت‌وگو با علی کاظمی- مترجم، ویراستار

غم نان، غم زبان



آیا برای ویرایش می‌توان ساختاری کلی متصور شد؛

هر ویراستاری اسبتل خاص خود را دارد؟

اگر ویرایش را علم یافنی بدانیم که هدف آن آماده کردن نوشته‌ای (تألیفی)ترجمه‌ای (برای چاپ و انتشار باشد، نمی‌توان آن را بی ساختار فرض کرد. اما «استیل» یا شیوه دوفی خاص هر ویراستار که حاصل عمر فرهنگی اوست، همانی است که «شم» و «ذوق» و «طبع اش» می‌توان نامید.بعلاوه علاقه شدید که گاهی می‌توان آن را نوعی بیماری یادداشت.

در جامعه‌ای که هر بیسوادی، با دانستن فوت و فن‌هایی و به کار بستن شگردهای آنجنانی، یکشبه ره صدساله می‌رود، آیا دغدغهٔ این را داشتن که مثلاً به جای فلاں کلمه یا عبارت درست، نیاید فلاں کلمه یا عبارت غلط را گفت، بیماری نیست؟ در حالی که با همین غلط گفتن‌ها و نوشتن‌ها هم زندگی جریان عادی خود را دارد و آب هم از آب تکان نمی‌خورد.با وجود این، چون حفظ فرهنگ یک سرزمین، به فرهیختگان سپرده است، نویسنده و ویراستار حق آن را دارند که در کنار غم نان، غم زبان را هم بخورند.و این غمخواری است که به گفته شما «استیل خاص» اوست و در واقع مایه‌ای است که از جان خود می‌گذارد تا نوشته‌ای علاوه بر دقت و صحت، جمال و کمال هم پیدا کند. خواننده را بر سر شوق بیآورد.

به نظر شما تعریف و ساختنمه کردن ویرایش و نیز ساماندهی نظام آموزشی این بخش از صنعت نشر و چاپ کتاب، به عهده چه نهادی است؟

تعریف و ساختنمه کردن ویرایش، کار ویراستاران پیشکسوت است که اصحاب فنّ و تجربه‌اند و ساماندهی نظام آموزشی آن وظیفه وزارت ارشاد که

پشت صحنه

صحت و دقت زبانی نیز بر سر می‌شود و اثری که به حد نصاب خاصی رسیده باشد، اجازه نشر نداشته باشد. البته چنین کاری آسان نیست اما می‌شود تا حدودی انجامش داد.

در اینجا ناچاراً، مثالی بیاورم. در یک نشریه روزانه پر خواننده‌ای، آن هم در زمینه‌ای که برای نوجوانان منتشر می‌کند، نام غیث‌الدین جمشید کاشانی، قیاس‌الدین ولقیع مادر ناصر الدین شاه «مه‌آلود» (در اصل «مه‌دل‌علی») آمده است که واقعاً جای تأسف است؛ یعنی ما به نوجوان، اطلاعات نادرست می‌دهیم و دلمان خوش است که وقت فراغش را بر کرده‌ایم.

اما از این نوع اشتباهات ریز و درشت، رسانه‌های همگانی ما چنان‌ا بی‌ناشه است که ویراستار هر آدم دیگر علاقه‌مند به فرهنگ این آب و خاک یا باید از عصیانیتش سکنه کند و یا بزنده به طبل بیعاری که «به من چه!اصلاح مملکت خویش خسروان‌تاند». برای مثال، در نمایش دنباله‌داری (اسرائیلی) در تلویزیون، قهرمانی که ظاهر آس‌آل در فرانسه تحصیل کرده‌نام پپی ژرزه قهرمان خرم‌سال بیونان را پتی ژرزه می‌گوید که «باها هم تکرارش می‌کند. گوینده ورزشی، نام فوتبالیست ترک را که همان «پپه» فارسی است. پپه می‌گوید. آقای بلند اجویت را بولینت اجویت می‌گویم و می‌نویسیم. دو روز روزنامه‌ای نام شخصیتی عرب را که «ظهار» (وحماً) و «رضوان» است، «دروان» نوشته بود و تا بی‌نهایت…

مقام با سازمان مسؤولی هست که به این اشخاص حقیقی و حقوقی بگوید که این همه می‌مسؤولیت نباشید و گر نه مسؤول اصعالتان و مسؤول کتیب چیغر خواهید بود؟

صد و سیما از پیش‌نوده تیر، بر پیننده تیر، و بر مشتری تیرین رسانه‌های گروهی است و امکان دارد که ویراستاران بسیاری استخدام کنند تا نشریات و برنامه‌هایش را بررسی کنند تا غلط‌های فاحش در آنها راه نیابد. آیا تا به حال کرده است؟

آیا برای ویرایش نشر مالی خاصی وجود دارد، یا این امر وابسته به سلیفهٔ کارفرماست؟

یک وقتی، شاید ده-دوازده سال پیش، قرار شد که اتحادیه‌ای با صفت ویراستاران ایجاد شود که ظاهر آنست. آن موقع بعره‌ای هم تهیه شد که فکرمی‌کنم تاکنون کسی به آن عمل کرده باشد. ظاهر آفضیه تاوقتی است، ولی در واقع ریش و قیچی دست ناشران است. البته ناشرانی که ارزش کار ویراستار را بلدانند کم نیستند، اما اگر خدای ناکرده ناشری هم باشد که ویراستار را به چشم اجیر و مزدور خود بنگرد، بهتر آن است که سراغ هیچ ویراستاری نرود و ویراستار هم سراغ او را نگیرد که به قول معروف نه شیر تشرته، نه دیدار خرب!

اهالی کتاب

ابراهیم رزم‌آرا

خود به کمال می‌رسند. در حقیقت هر مخاطبی با خواندن هر کتابی در آفرینش متن یا مؤلف شریک و سهیم می‌شود. یعنی خواندن نیز بیرون چهیدن از صنف مردگان است. صفتی از مردگان که نه می‌نویسند و نه می‌خوانند.و در این بخش از زاویه‌ای دیگر:

هیأت داوران جایزه نوبل، برای اعطای جایزه در هر رشته‌ای، بیانیه‌ای می‌نویسند، سالی که بکت برنده این جایزه است، هیأت داوران یکی از علت‌های گوینش خود را در بخشی از بیانیه این چنین عنوان می‌کند که در آثار بکت فقر انسان به شکوه و بزرگواری تبدیل می‌شود.

هر کسی در تاریخ درون خود ممکن است حامل حس‌هایی باشد که فقط هستند. اما به زبان در نمی‌آیند. آنها خود را در گوشه‌ای از درون ما پنهان می‌کنند و با ما همراه می‌شوند تا روزی شاید در تأویلی از نگاه‌ی جمله‌ای متجسم شوند. (و با من حسی بود که با خواندن آن چند جمله زنده شد و در کلام آمد).

انسان فقیر است و این فقر گاهی خود را بعد رعایتی شناسی متجلی می‌کند. گاهی در شناخت خود و گاهی…

شاید ما می‌خواهیم با خواندن قربان را به بزرگواری تبدیل کنیم و این خواستن نه آنکه به زبان درآید، که با درک فقر، در پنهان‌ترین لایه‌های درونی ما لانه می‌کند و نهیب می‌زند. بخوان! بخوان! بخوان!

و مامی خواهیم که نه تنها فقر درون بلکه فقرات جهان سومی و دهمان را با خواندن آثار شاعران و نویسندگانمان به عظمت و شکوه‌ی شگرف تبدیل کنیم.

حاصل علم و تجربه آن بزرگواران را به صورت کتاب در اختیار طالبان و شیفتگان بگذار. طبعاً برای چنین مهمی اقداماتی ضرورت دارد که می‌توان برای انتخاب

بهترین‌های آن، از مردم علاقه مند نظر خواهی کرد. حضور کامپیوتر و تکنولوژی نوین در عرصه ویراستاری چه تغییرات و تحولاتی به‌وجود آورده است؟

طبیعی است که تحولات بیشماری پدید بیآورد، با آورده باشد. اما من چون شخصاً یا رایانه کار نمی‌کنم و علاقه هم ندارم (شاید هم می‌ترسم.) از قافله عقب مانده‌ام و خبر چندان‌ی از این رویدادها ندارم، اما مفرم

به اینکه یک ویراستار آشنا به کامپیوتر، خیلی راحت‌تر از آنچه روی کاغذ انجام می‌دهد، کار حج و اصلاح و افزود و کاست متن را بر صفحه مونیتور (نمایشگر) انجام دهد و علاوه بر صرفه جویی در کاغذ و مداد و خودکار، خیلی کارهای مهم دیگری نیز کند که برای من ناآشنا حکم معجزه را داشته باشد. من به سبک سنتی خودمان خو گرفته‌ام و دوستش هم دارم.

برای بهبود شرایط چاپ و ویرایش و ویراستاران چندی گرفتن آن از طرف ناشران، چه راهکارهایی را پیشنهاد می‌کنید؟ وضع و اجرای مقرراتی که متولی آن وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و اتحادیه نویسندگان و مترجمان ناشران باشند. منظورم این است که اثر هنری، علاوه بر جهات سیاسی و اخلاقی و عقیدتی، از حیث موضوع، در این ستون قیلاًمصاحبه‌هایی با مخاطبان کتاب :- از اقبال مختلف -صورت گرفته است و هر یک از افراد مصاحبه‌شونده در جواب اینکه چرا می‌خوانید چیرهایی گفته‌اند. یکی می‌گوید: «وقتی مطالعه نمی‌کنم انگار نیشم» و دیگری مطالعه را یک وظیفه تلقی می‌کند. برای اولی

خواندن نوعی کسب هویت به حساب می‌آید. او با خواندن به زندگی خود معنا می‌دهد و آن دیگری مطالعه را مثل خدمت زیر پرچم یا حفظ خانواده وظیفه دانسته و می‌خواهد تأکید کند که مطالعه نوعی وقت‌گذرانی، تفریح و ترویج طلبی نیست.»بلکه یک وظیفه است و نگارنده در بخشی از کارهایش

در باب خواندن جمله‌ای از کاکتارامینا قرار می‌دهد: «نوشتن بیرون چهیدن از صنف مردگان است.» سپس در چند سطر بعدی بدین گونه توضیح می‌دهد: که آثار هنری و ادبی فی‌نفسه آثار کاملی نبوده و با خوانش و تأویل مخاطبان

انسان فقیر است

اینکه اهالی کتاب چرک‌انگ می‌خوانند اصولاً در این بلبشو و غوغا خواندن کتاب چه گره‌ی از کار و روزمرگی را می‌گشاید، خود پریشانی است. حداقل برای خود اهل کتاب. هر کسی همانگونه که

یک نوع استراتژی برای ادامه زندگی خود انتخاب می‌کند. استراتژی خواننده‌های کتاب نیز در باب خواندن ممکن است متفاوت باشد. هر کتابخوانی در طول زندگی خود، شاید چندین بار به این موضوع اندیشیده و در گفت‌وگوهای درونی، خود را مصاب کرده باشد. بگذریم از این مطلب که دامنه پرسش چرا می‌خوانی، ممکن است از سوی آشنائیان و نزدیکان گسترده‌تر از دامنه سؤال از طرف خود کتابخوان باشد و البته اهل کتاب پاسخ‌های آماده و کلی برای چنین

سؤال‌هایی را در چننه دارد که غالباً چندان هم برای دیگران مصاب‌کننده به نظر نمی‌رسد و بیاز بگذریم که گاهی نیز «اهل کتاب» علاوه بر سؤال باران شدن، در ادامه گفت‌وگو منبع قیاس قرار گرفته و با دیگری چون جناب باجناق مقایسه می‌شوند، که تا از کار بر می‌گردد لقمه نانی خورده و ناخورده ره کوی و برزن گرفته و به عادت دیرین همشین اهالی نگاه می‌شود. تازه سرنشپ هم برای رف و رجوع خرج‌های مفرقه، ساعت‌هایی نیز بخت فرمان‌نشسته و

یادداشت
<div><div>رضاشتری</div></div>

کتابخانه یا سازمان سری؟!

وارد کتابخانه پارک دانشجو می شوم. کتابخانه کوچک اما مناسب است. در سالن مطالعه آن سه نفر نشسته‌اند و روزنامه می خوانند.

سراغ یکی از کتابدارها می روم. می خواهم از او چند سؤال بپرسم تا گزارشی تهیه کنم. بعد از اینکه خودم را معرفی کردم و سؤالام را پرسیدم، کتابدار گفت: آقا ببخشید اما منی تو اینم اطلاعات در اختیار کسی قرار دهم، مگر اینکه با مسؤلان هماهنگ کنیم!

می گویم: اما من فقط چند سؤال ساده درباره تعداد اعضای کتابخانه و ساعات کار آن دارم. کتابدار بازم حرف خود را تکرار می کند و می گوید: تقصیر من نیست، باور کنید من دوست دارم به شما کمک کنم، اما از ما خواسته‌اند تا به کسی درباره کتابخانه توضیح ندهیم. کتابدار برای اینکه نشان دهد واقعاً در حرف‌هایش صادق است، به دو نفر تلفن می زند تا کسب اجازه کند! اما طاهر! موفق نمی شود.

در هر صورت موفق نمی شوم جواب‌هایی را که می خواهم به دست بیاورم از کتابخانه بیرون می آیم. روی نیمکت پارک می نشینم و فکر می کنم. به اینکه، آیا یک کتابخانه یک محل نظامی است، یا یک سازمان فوری سری؟!

مگر یک کتابخانه مکانی فرهنگی نیست که در آن دوستداران کتاب جمع می شوند و از کتاب‌ها (این دوستان خاموش و سخنندان) استفاده می کنند؟ نگارنده این متن کتابخانه را محلی می داند برای دوره‌هم نشینن فکرها و اشخاص. محلی برای دیالوگی ساکت و فراگیر.

اما با وجود چنین برخوردهایی، شما برای لحظه‌ای فکر می کنید وارد مکانی مخوف و سری شده‌اید! مکانی که باید در آن ساکت و بی سؤال وارد شوید و همانطور خارج شوید.

آیا واقعاً چند سؤال معمولی از مسؤلان یک کتابخانه به چه کسی (یا سازمانی) ضربه می زند؟! آپس از سال‌ها جدل و رویارویی با کتاب‌ها و فکرهایی گوناگون، کشفیات و اطلاع‌رسانی سالم را نیاموخته‌ایم؟

اما نکته جالب اینجاست که در کتابخانه پارک دانشجو؛ طاهر! افراد، فقط برای مطالعه روزنامه می آیند. چند نفری را که در سالن مطالعه دیدم، مشغول خواندن روزنامه بودند. از یکی از آنها سؤال کردم: چه نوع کتاب‌هایی می خوانید؟

گفت: من کتاب کمتری می‌خوانم. اینجا می‌آیم تا روزنامه‌ها را بخوانم، می‌دانید! اینجا مکان خلوتی است و شماراحت می‌توانید روزنامه‌هایی را که در کتابخانه است بخوانید. به هر حال وجود کتابخانه در پارک امکان مناسبی است، اما چطور از این امکان (نعمت) استفاده شود، آن بحث دیگریست، وجود یک کتابخانه در پارک، می‌تواند عده زیادی را جذب کتابخوانی و مطالعه کند و در واقع پارک را به مکانی فرهنگی، تبدیل کند.

گزارش

رضاشتری

گزارش نویسی، نه رمان!

گفت و گو با اصغر اندرودی-ویراستار



اصغر اندرودی متولد ۱۳۲۹، فارغ‌التحصیل رشته مخابرات است. او بیست سال است که در کار ترجمه و ویراستاری فعالیت می‌کند و مدت ۱۲ سال است که در «نشر علمی» به امر ویراستاری مشغول است. کتاب‌های «سکوت بره‌ها» و «هائیتال» را که هر دو رمان‌هایی از «توماس هریس» است و همچنین کتاب «الساندروابط خارجی آمریکا» از کتاب‌هایی است که او ترجمه کرده با او گفت‌وگویی درباره رمان‌های عامه‌پسند و کار ویراستاری، انجام داده‌ایم که می‌خوانید.

رمان‌هایی که در نشر علمی چاپ می‌شود، با نظر شما چاپ می‌شود؟

رمان‌ها نه! رمان‌ها را آقای علمی (صاحب‌نشر) می‌خوانند و برحسب سلیقه شخصی خودشان و معیارهایی که برای بازار دارند، انتخاب و چاپ می‌کنند. از آنجا که من مترجم هستم، بیشتر کارهای ترجمه را به من محول می‌کنند تا نظر دهم. اگر احساس کردم مترجم خوب از پس ترجمه برآمده، آن را معرفی می‌کنم برای چاپ. ضمن اینکه آن را ویراستاری هم می‌کنم.

نشر لریژر کتابی را با عنوان «چراغ دل شوهرت را روشن کن» چاپ و روانه بازار کرده است و شما ویراستار آن بوده‌اید. به عنوان یک ویراستار و مخاطب، نظرتان روی این گونه آثار چیست؟

من این‌طور کتاب‌ها را می‌پسندم. این کتاب‌ها در

بایک بازار یاب کتاب

بدون‌نام

سخت مشغول چانه‌زدن با کتابفروش است، عرف از سر و صورتش جا‌ریست. کتابفروش خیلی سرد و بی‌تفاوت بود. با او برخورد می‌کند. از چهارم خستگی می‌پارده، حدود ۳۰ کتاب را حمل می‌کند. جیمی سنگین از کتاب در دست‌های لاغر او. تصمیم گرفت با او گویی بزنم:

چطور شد بازار یاب کتاب چیست؟

من فوق دیپلم حسابداری هستم، به هر حال علاقه‌ای هم به کتاب داشتم. مشکل بی‌کاری هم که فاجعه است. مجبور شدم برای امرار معاش این شغل را انتخاب کنم. کاری که همه‌اش دوندگی و شتاب است.

در آمد شما چطور است؟

زیاد خوب نیست، به هر حال ناچاری است!

مشکلات شغل شما؟

هر روز دوندگی، مصرف کردن انرژی زیاد، چانه‌زدن با کتابفروش و ناشر. می‌دانید، ما یکی از عوامل پخش و چاپ کتاب هستیم، اما هیچ‌کس کار ما را نمی‌بیند، جایگاه کار ما برای هیچ‌کس معلوم نیست،



بهبود روابط زن و مرد بسیار مؤثر است.

این کتاب پیشنهادهایی دارد که واقعاً به کار هر زن و شوهری می‌خورد. من فکر می‌کنم جای این کتاب‌ها دو جامعه ما خالی است. مردم ما باید با این کتاب‌ها آشنا شوند و به مطالعه آنها عادت کنند، بخصوص خواندن این کتاب را به خانم‌ها و آقایان! توصیه می‌کنم، هر چند بعضی از آقایان به عنوان این کتاب بخندند، اما نکته‌ای که باید یادآور شوم این بود که چون این کتاب با فرهنگ اروپایی نوشته شده است، بعضی از قسمت‌ها را مجبور شدم حذف کنم!

کتاب‌هایی را که تحت عنوان عامه‌پسند (شقی) چاپ می‌شوند، آیا خودتان به عنوان یک ویراستار و مخاطب می‌پسندید؟

اصلاً نمی‌پسندم، من این‌طور نوشته‌ها را یک

اثر هنری و ادبی نمی‌دانم. این آثار هیچ چیز خاصی به مخاطب نمی‌دهد، به تخیل، زندگی و فکر مخاطب‌نکته خاصی اضافه نمی‌کند. صرفاً این آثار را می‌توان یک گزارش نویسی دانست، انگار شما از اول رمان تا آخر آن یک گزارش عاشقانه (البته اگر عشق این باشد!) می‌خوانید، شما وقتی آثار نویسندگان خوب و حرفه‌ای را مطالعه کنید، آن وقت متوجه تفاوت فاحش بین اینگونه آثار و رمان‌های خوب و ماندگار خواهید شد. نکته دیگر اینکه این آثار حتی می‌تواند تاثیر منفی بر مخاطبان خود بگذارد، مخاطبانی که عموماً دختران دبیرستانی هستند که عشق را می‌خوانند در این کتاب‌ها پیدا کنند، درحالی‌که واقعاً عشق این چیزی نیست که در این نوع کتاب‌ها، نشان داده می‌شود.

چیزی که در این کتاب‌ها توصیف می‌شود یک نوع رابطه احساسی-شهواتی است که مناسفانه به‌جای عشق تعریف می‌شود.

چطور شد که ویراستار شدید؟

من فارغ‌التحصیل رشته چاپ از هنرستان هستم، از آنجا که علاقه زیادی به مطالعه داشتم به قسمت حروفچینی آدمم تا بتوانم آثار را مطالعه کنم. در دوران دانشجویی باز هم به کار حروفچینی ادامه دادم، به هر حال به مرور علاقه مندی به ویراستاری شدم و مدتی هم در مرکز نشر بودم، در هر صورت شغلم و علاقه‌ام این است!

طرح

سید امیر سطرانی



اسماعیل رها، شاعریست که از کلمات خوب کار می‌کند و ارزش آنها را می‌داند. او کلمه‌ای را بی‌استفاده در شعرش نمی‌آورد، حتی از حروف ربط، مثل؛ با، از، و… در جهت محتوا و ریتم شعر استفاده می‌کند و در واقع او آنقدر شعر کوتاه گفته است که دیگر آموخته که باید با احتیاط و حساب شده از کلمات استفاده کند. اگرچه در بعضی از شعرها، ریتم و آهنگ شعر، شما را یاد سهراب سپهری، شاملو و هوشنگ بادیه نشین می‌اندازد، اما با این حال در بیشتر شعرهای این مجموعه، زبان مشخص اسماعیل رها، دیده می‌شود. اگرچه رها شاعری است که پیر شده! اما نکته جالب اینجاست که قلب و ذهن او جوان است و هنوز در حال تجربه‌های جدید شعری است و حالا به جایی رسیده است که به همه چیز با دیدی نسبی و تکن آمیز می‌نگرد… فکر می‌کنم حرف آخر را درباره شعر اسماعیل رها، خود شعر او به ما بزند:

جامی اگر شکست/همان جام‌های دگر می‌توان نمود/لب سوزده را/ از کاسه شکسته چشمانم/بستی چکیدی است. (ص ۱۵)



ارزش کلمات

زبان شعر اسماعیل رها، اگرچه تقریباً کلاسیک و قدیمی است، اما در عین حال، روان و زیباتست. زبانی که ریتم (و گاهی وزن) دارد و این ریتم با نوسانات روحی شاعر در حالات مختلف تغییر می‌کند. طنز، یکی دیگر از ویژگی‌های شعر اوست. به نظر می‌رسد که اسماعیل رها به همه چیز با یک نوع شک، نگاه می‌کند و گاه با طنزی تلخ و برنده این شک را به رخ مخاطب می‌کشد و نشان می‌دهد: عضا به جای پسر بدو/خستگی برای ایشان/لحظه بیهودگی/ کهن سالی/به خویشتم/گفتم/یا/وہ نیست عضا/را/به راه مانده ژنتهایم، پسر خواندن. (ص ۱۲)

درمان دوستان غرب کشور معمولاً با چند چهره معدود از داستان نویسان مواجهیم. به گمان شما غرب کشور نویسنده‌ای ندارد یا این دوستان تمایلی به چاپ آثار خود ندارند؟

به عنوان یک نویسنده کرمانشاهی از بیلان داستان‌نویسی در سایر نقاط غرب کشور بی اطلاعم. شاید به این دلیل ساده که هر چه تولید ادبیات بومی گسترده‌تر می‌شود، به‌طور معکوس توزیع این آثار می‌گیرد و خواه ناخواه مخاطب خارج از محدوده یاد شده در جریان نشر چنین آثاری قرار نمی‌گیرد. دلم نمی‌خواهد درباره استعداد های داستان‌نویسی شهرم گرافه‌گویی کنم اما مطمئن‌دارم بسیاری از این صاحبان استعداد از بروز آن واهمه دارند. می‌دانید چرا؟ چون پوست مدرنیسم در حال خشکاندن استعدادهای غیر خودی در عرصه ادبیات است و این روند اگر ادامه پیدا کند نه تنها تعداد

نگره
بیت الله رحمانی
نقد کتاب‌های خواننده!!
<p>امروزه شاهد محافل ادبی ریز و درشت و با حضور آدم‌های گمنام و جوای نام و صاحب‌نام در این مرز و بوم هستیم. کتاب‌های نقد شده، گاهی با نقی، گاهی نقد منصفانه و گاهی تیز به و چه چه زدن همراه می‌شود. بگذریم، اینها همه خوب و مفید می‌باشند.اما نکته قابل تأمل خواندن کتاب نقد شده توسط عده‌ای منتقد معروف و صاحب‌نظر و نقد کردن همان کتاب نخوانده با شرح و تفصیل جای تأسف نیست؟! </p> <p>همین آقایان و خانم‌ها داد و فغانشان در جراید گوش فلک را کر کرده است و مدام می‌گویند ادبیات ما در فرم و محتوا مشکل دارد. ادبیات دوران کلاسیک را طی نکرده، ادبیات ما مام دار خارجی‌هاست و…</p> <p>دوستان گرامی همانقدر که شجاعت و صراحت بیان دارید،اگر خودتان را در خلوت تنها یابید،تصمیم بگیرید که از این پس کتاب نخوانده را نقد نکنیم.</p>

عطر نسکافه، یک نوشیدنی شیرین و خوش طعم



دوستان سنگ صبور در متن جنگ رخ می‌دهد. داستان مادری است که جانش را در ازای ماندگار شدن نام پسرش از دست می‌دهد.

داستان از نگاه دانای کل محدود به ذهن آغاز می‌شود و به شیوه رئالیستی نگارش می‌شود. در عین حال نویسنده با استفاده از نظام‌های سمبلیک موفق به خلق اثر چند لایه می‌شود. «مادر» در ابتدا در جست‌وجوی سنگ قبر مادرش است اما در انتها در بطن ماجرای فرهاد زمانیان قرار می‌گیرد، جوانی سرباز یا خط نازکی بالای لای که در قاب شیشه‌ای به جایی در دوردست خیره شده است.

ارتباط منطقی بین عناصر انتخاب صبح‌واژگان، ساختار و تنوع جمله‌ها، ضریب‌هنگ و در مجموع ایسته بودن جزوه‌به‌عناصر داستانی موجب یکدست شدن اثر شده است. زبان در این داستان در خدمت شخصیت‌سازی است. زبان مردورگر کن برحی با شخصیت مرد تعلق می‌شود.

ابه‌نان و سلواست زده بود، زبان گرفته بود و با گریه چیزهایی می‌گفت، گفتم چرا این قدر خسته می‌زنی، خوب خیلی‌ها هستند که پسرشان مرده… می‌دانی چی گفتم همشیره… باصدای بلند گفتم پسرم شهید شده، چرا اعرش راضیع می‌کنی… چرا هیچ کس ندیده که پسرم شهید شد. چنان ضجه می‌زد که دل سنگ آب می‌شد.»(ص ۷۲)

تلفیق نمادها و بن‌مایه‌ها در نور و یاد دوستان موجب سازمان‌دهی مؤثر عناصر داستانی شده است. مردورگر کنی که فقط چاله می‌کند و نمی‌داند نفر بعدی کیست، سنگی داغ و سوزان، مقرره‌ای که بر اندام هزاران قطعه ساخته

نکاهی به مجموعه داستان «عطر نسکافه» نوشته منصوره شریف زاده

سنگ صبوری دیگر

شده است، آشن‌ندری که هیچ وقت تمام نمی‌شود، تصویر مریم مقدس وزنای سیاه‌پوش که در انتهای داستان از اتوبوس پیاده می‌شوند و به حتم از جنازه‌هایی در راه خیر می‌هند.

زنان در این داستان بر آنند تا با توسل به روح مذهب از برهه‌ای از تاریخ اجتماعی خود بگذرنه.

در این مجموعه شخصیت محوری در تمامی داستان‌ها زنان هستند. این امر موجب شده که بخشی از دنیای زنان که همواره در ایهام است دیده شود. داستان آپ‌تبات‌های تی کوراگه در این زمره می‌باشد. این داستان بیان مشکلات و مسائل زنان از زبان خودشان است. خواننده بی‌آنکه رد پای نویسنده را حس کند به عمق زندگی درونی زنان در این دوره فرو می‌رود، به نوعی نگرش زندگی زنان در تاریخ بیست ساله اخیر می‌باشد. از طرفی بازگشت به سنت‌های دیرپا در قالبی جدید دیده می‌شود و از طرفی مشکلات فیزیکی آنان برای اولین بار با صراحت متکوب می‌شود. مشکلاتی که به دلیل مطرح نشدن طبعاً هیچ راه چاره‌ای نیز برای آن اندیشیده نشده است. اما نسلی هم هست که در تقابل این نسل قرار دارد و در انتهای داستان از مکان مورد نظر خارج می‌شود. تحول و گره‌گشایی در این داستان همانند دیگر داستان‌های این مجموعه در لایه زیرین قرار گرفته است و رگه خواننده بعد از تمام شدن داستان هنوز در انتظار است که با دوباره خوانی اثر، تحول روان‌شناختی را در اثر باز یابد.

داستان عاشقان در این مجموعه به شیوه سیال ذهن نگارش شده است. زن مطرب‌ی که گذشته‌اش را در خانه معشوقش به یاد می‌آورد، نویسنده توانسته با استفاده از سنت و مذهب به عمق عشق و درون‌آگاهی نسلی از زنان بپردازد.

هنگمش راוו به معصومه تکان داد،تصعیر تو نیست، تصعیر این آقا نصرت‌الله است که به جای مولودی خوان‌ها، مطرب فرستاده و روزگرم به زن‌های آن طرف و کفت:این بابا اصلاً نمی‌داند علی کیست، چه برسد به مولودی. معصومه از جا بلند شد با صدای بلند گفت، چه طور نمی‌شناسم، هر کی علی خودش را

کامل‌اول

اهمیت دادن به مخاطب

گفت و گو با بهمن مرادی نویسنده مجموعه داستان «یک مشت گریه، یک مشت خنده»



چند مجموعه شعرش را از طریق نشر آرویح چاپ کرده، با مدیر این انتشاراتی آشنا شدم. خوشبختانه ایشان کتاب امروز کمال همکاری را با من نشان داده و مشکلی در این مورد نداشته‌ام.

اغلب داستان‌های شما کوتاه و موجزنه. دلیل این الی چیست؟

داستان‌نویسی معاصر متأثر از حذف نسبی دانای کل و دوری از صفت و قید پارکنی در خط سیر داستان، روزبه‌روز به طرف موج‌نویسی پیش می‌رود. از طرف دیگر من عقیده دارم که داستان و شعر را از نظر اندازه می‌توان به هم نزدیک کرد، به‌طور مثال من، «دانش آکل» هدایت و «گاو» ساعدی رایه شعر درآورده‌ام که در کتابی به نام «وسط شعر من نتوابع» به چاپ می‌رسد.
برخورد مخاطبان با کتاب شما تاکنون چگونه بوده و چه تعداد از کتابتان به فروش رفته است؟



نظرات چند تن از دوستانی را که کتاب مرا خوانده‌اند شنیده‌ام و از نظر بقیه کسانی که این مجموعه را خوانده‌اند متأسفانه بی‌اطلاعم. به نظر من همان‌طور که در حوزه علوم ارتباطات، شاخه‌ای به نام مخاطب‌شناسی وجود دارد، در نقد ادبی ما هم باید شاخه‌ای به همین نام وجود داشته باشد چون من نویسم، مخاطب را دوست دارم و به هیچ وجه او را دست کم نمی‌گیرم.

در پاسخ به قسمت دوم سؤالاتان باید بگویم که برای توزیع کتاب منظر همکاری ناشر مربوطه هستم و تا امروز اقدامی جدی از طرف خودم صورت نگرفته. به عنوان یک نویسنده دور از مرکز چه انتظاری از مسؤولان فرهنگی برای پیوسته کار نشر خودتان و دوستان شهرستان‌نشین دارید؟

خوشبختانه فضای فرهنگی کشور به خاطر مساعی مسؤولان مربوطه در زمینه نشر بهتر شده و اگر کمبودی حس شود، به دلیل ضعف‌هایی است که در بازار نقد ادبی ما وجود دارد.

حال و هوای ادبیات داستانی و شعر در کرمانشاه چگونه است و خلاصه‌م حضور اساتید این رشته‌ها را چگونه رفع و رجوع می‌کنید؟

داستان‌نویسان کرمانشاهی مثل محمد باقر خسروی در قیل از مشروطه،علی محمد افغانی در دهه ۴۰ و درویشیان در دهه ۵۰ تأثیر چشمگیری گرفته ولی متأسفانه در دهه شصت و هفتاد این تأثیرگذاری دچار کندی و رکود شد.

حرف آخر؟
امیدوارم ادبیات داستانی ماهه سطحی برسد که با اهمیت دادن به مخاطب، تب کتابخوانی را سالی چند دقیقه به هر روز یک کتاب برای هر فرد ایرانی ارتقا دهد.

از نسل خودمان

میرزا داود

دارد، علی من، علی شما، علی ایمنها، علی آنها…(ص ۸۵)

در داستان جام و مار و عطر نسکافه داستان‌های عاشقانه‌ای هستند که در ظرف لعنه شکار قرار می‌گیرند، طعمه‌هایی که آگاهانه به طرف شکار می‌روند. در داستان عطر نسکافه با وجود ضریب‌هنگ کند در ابتدا، در نیمه دوم داستان، نویسنده موفق شده با افزودن لایه‌های مناسب، گریه، کالیاس، عطر نسکافه و چای، خواننده را با خودش تا به انتهای داستان پیش ببرد. در داستان جام و مار خواننده با داستانی نمادین سرورکار دارد. شخصیت زن داستان دچار تحول و دگرگونی درونی شده است. حرکات زن گمانان از شخصیت پیچیده‌ای خبر می‌دهد که در شرح تفسیری جدی در زندگی می‌باشد.

نامعبد به جای خالی حلقه‌اش دست کشید که لاغرتر از بقیه قسمت‌ها شده بود.»(ص ۱۵۴)
نویسنده در این داستان لایه زیرین شخصیت زن را عریان نمی‌کند. زن داستان با وجود اینکه می‌گوید مار حیوان پلیدی است، تمامی حرکات دکتر را تحت نظر دارد و به نوعی حتی به او پیشنهاد ازدواج می‌دهد. با وجود تحول درونی زن، عطفوت مادرانه، مجدداً موجب می‌شود که زن سر از آشیانه خود به درازد و بار دیگر این تحول به چالش‌های درونی تبدیل می‌شود.

در این مجموعه داستان «زیوتی» نهادهای است که تنهایی مرده به نمایش گذاشته می‌شود، مرده‌ی که از نگاه زنان دیده می‌شود. وی خودخواه‌اش را در اثر مهاجرت و جنگ از دست داده است. داستانی تکان دهنده که شاید اگر از منظر مرد دیده‌می‌شد به اثری ماندنی تبدیل می‌شد. در عین حال که داستان از عناصر داستانی و چارچوب درستی برخوردار است، تنهایی مره دکنار زن‌هایی که مشغول نذر و آسپزی می‌باشند، ساخته نشده است.

داستان دولقوها و نهال کوچک پریشم از درون‌مایه مشابهی برخوردار می‌باشند. نویسنده در این دو داستان به عده امنیت و خوشنستی که جامعه کودکان و زنان را در بر گرفته است، می‌پردازد. داستان امنیت و یک عکس فوری نیز نکاهی مجدده به زوایای دیگر مشکلات زنان است.

نویسنده در این مجموعه معتر است تا خواننده تمامی زوایای پنهان و آشکار دنیای زنان و مشکلات آنان را بازمینی نماید، اصراری که گاه به وسواس نزدیک می‌شود و این سؤال برای خواننده مطرح می‌شود، نیمه دوم زنان در این مجموعه کجا هستند و در چه شرایطی می‌توانند آنان را کامل کنند؟

تاریخچه

شماره ۷۲، شنبه ۲۹ تیر ۱۳۸۱

۹

محمد محمدعلی

دست حافظ زمانه زیر ساطور است



نمی آید، همچنین به کار مدیونیت بانک صادرات، آنچه مهم است، شاعر فرهیخته و تأثیرگذار این مرز و بوم کهن، سال‌ها پیش بی آنکه خم به ابرو بخورد به مدد عاطفه سرشار خود، سند خانه‌اش را بی مورد و منت در اختیار دوستی می‌گذارد تا به رسم جوتمردی از زمین بلندش کند و آن دوست پس از سال‌ها چنان مفروض شده که دارد دست سیانلوی شاعر را هم به خاک سیاه برور کراسی بی‌عاطفه سیستم بانکی کشور می‌آلاید. خرده‌ای به سیستم بی‌عاطفه و مقرراتی بانک‌های کشور نمی‌گیریم، اما راه‌های سیانلوی شاعر از این جنبه خیال و دور باطل اباطیل بی‌خانمانی و بی‌سربنامی به عهده کیست؟ وام گیرنده، که می‌گویند حاضر است تا حد و پنجاه میلیون تومان خسارت بپردازد، ما دوستان و رفقای قدیمی، که هیچ یک توان پرداخت بدهی اولیه را هم نداریم چه رسد به جمع اقساط معوقه و زیان دیر کرده‌ها و…

آیا مجازیم به عنوان اعضای کانون نویسندگان ایران و با توجه به بیخ و خم‌های آساننامه، دست به سوی اشخاص حقیقی و حقوقی داخلی و خارجی دراز کنیم تا خانه را به نام کانون بخیریم و بعد از صد و بیست سال در اختیار بگیریم؟ هیچ یک از راه‌ها عملی به نظر نمی‌رسد. ما فقط قادریم به متولیان فرهنگ کشور، از شورای انقلاب فرهنگی که ریاست آن با رئیس جمهور است تا مقام وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (جناب مسجدجامعی) و دیگر نهادهای فرهنگی کشور بخواهیم شجاعانه راه حلی چویند تا دست حافظ زمانه از زیر ساطور برووکراسی بی‌عاطفه سیستم بانکی کشور بیرون آید.

چند خط

سی ام مرداد پایان مهلت ارسال آثار به دبیرخانه همایش شب های شهبیور

سناد خبری همایش سراسری شاعران و قصه‌نویسان جوان ایران آخرین مهلت برای ارسال آثار به دبیر خانه را سی ام مرداد اعلام کرد. اولین همایش سراسری شاعران و قصه‌نویسان جوان ایران که با عنوان «شب‌های شهبیوره» و توسط کانون ادبی مرکزی سازمان فرهنگی- هنری شهرداری تهران و خانه داستان برگزار می‌شود در حمایت از آفرینش‌های ادبی نسل جوان و تقدیر از خالقان آثار برتر است.

این همایش دو دو موضوع آزاد و ویژه برگزار می‌شود که نام موضوع ویژه (حسین‌ع) سلطان عشق است.)اعلامقمان به شرکت در این همایش می‌توانند به دبیر خانه جشنواره واقع در خیابان شریعتی رویه‌روی بهار شیراز، خیابان کاج، خانه داستان ایران و یا به فرهنگسراهای سازمان فرهنگی- هنری شهرداری تهران مراجعه کنند. و یا با شماره تلفن ۷۶۹۸۵۴ تماس بگیرند.

مفتوی پژوهی در فرهنگسرای بانو

کانون ادبی فرهنگسرای بانو در ادامه فعالیت‌های ادبی خود اقدام به برگزاری دوره‌های «مفتوی پژوهی» با حضور استاد سید حبیب نبوی کرده است.این جلسات پنجشنبه هر هفته ساعت ۱۶ در محل فرهنگسرای بانو تشکیل خواهد شد.فرهنگسرای بانو در خیابان ولیعصر، ضلع شمالی پارک ساعی، کوی ساعی واقع است.

حافظ شناسی در فرهنگسرای اقوام

فرهنگسرای اقوام وابسته به سازمان فرهنگی شهرداری تهران به‌منظور آشنایی جوانان با مشاهیر ادب فارسی اقدام به برگزاری سلسله جلسات حافظ شناسی با عنوان «همراه با نسان‌العیب» با حضور آقای دکتر پرویز عباسی‌ ذاکانی کرده است. این جلسات رأس ساعت ۱۵ روزهای پنجشنبه برگزار می‌شود.

پنجمین جشنواره شعر و ادب دانشجویرگزار می‌شود
پنجمین جشنواره شعر و ادب دانشجویان سراسر کشور پاییز امسال در دو بخش آزاد و ویژه برگزار می‌شود.
این جشنواره برای شناسایی،معرفی و تشویق نخبگان دانشجو درحوزه شعر و ادبیات برگزار می‌شود.برگزارکنندگان آن مجیب کانون‌های شعر و ادب دانشجویان کشور با مشارکت اداره کل امور فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری هستند.

بخش «آزاده این جشنواره شامل شعر، در دو قالب نو و کلاسیک ؛ داستان کوتاه،طنز،نثر ادبی، نقد ادبی و ترجمه ادبی است و دربخش «ویژه» مطلبی باید یا عنوان «انسان، صلح، آینده»باشد.

آثاری که به دبیرخانه انجمن ارسال می‌شود باید در سه نسخه و تعداد خطوط صفحات ۸۴ حداکثر ۲۲ خط باشد.

چند خط

بریسامیر قاسم خانجی

واژه‌های جنوبی و چند اثر

گفت وگو با محمد ایوبی

محمد ایوبی نویسنده‌ای است که از همان آغاز با کوله‌باری پر پر میدان آمده و به گونه‌ای یاد و خاطره نویسندگان دهه چهل را با خود دارد. این نویسنده که درماتش قبل از انقلاب به دلایل سیاسی توسط مأموران رژیم فقط چند روز پس از انتشار به متوا تبدیل شد، هرگز تاکنون دست از کار نگشیده است. از ایوبی تاکنون رمان «راه شیری» و مجموعه داستان‌های «پایب برای دودین» و «مرئی بی‌پایان» به چاپ رسیده است. این گفت‌وگو بیشتر به بهانه تجدید چاپ «پایب برای دودین» و انتشار مجموعه «مرئی بی‌پایان» صورت گرفته است.

آقای ایوبی، خیلی از دوستان می‌گویند شما نویسنده‌ای هستید که در دهه ۴۰فعال بودید. خیلی از دوستان هم می‌گویند نسبت به داستان‌نویس‌های آن موقع کم‌کارتر و گریذه‌گوتر بودید. دلیل این حرف‌ها چیست؟

البته گریذه‌گویی شاید در کارهایم وجود داشته باشد ولی کم‌کاری نداشتم. من در طول ده سال اخیر سه کار بلند و یک کتاب به نام «تریلژی‌ی» که سه جلد است به علاوه چهار تا پنج مجموعه قصه آماده چاپ داشتم. اتفاقاً نسبت به خیلی از هم‌دوره‌ای‌های خودم به پرکاری معروف‌ولم در چاپ کتاب‌هایم خیلی عجله نمی‌کنم و این به علت مشکلاتی است که در چاپ وجود دارد. خیلی از کارها ممکن است چاپ شود ولی ضرر مالی به همراه داشته باشد. من ترجیح می‌دهم خودم ضررکنم ولی به ناشر ضرر نرسم. من تقریباً چهار سال است که کتاب‌هایم را برای چاپ داده‌ام که تاریخ انتشار آنها به سه سال‌های گذشته مربوط می‌شود. مثلاً کار آخرم در سال ۵۵نوشته شده است.

بین نویسنده‌های جنوب و جاهای دیگر گریز از ادبیات بومی (دیباگرگ) به چشم می‌خورد که تا حدودی در کارهای شما هم هست. این مسأله ریشه در چه عاملی دارد؟ آیا ریشه‌ادبیات داستانی یا مدغذبه‌های تکنیکی باعث شده ادبیات بومی (دیباگرگ) فراموش شود؟

اتفاقاً من کمتر چنین مسأله‌ای را می‌بینم. دو تا از کتاب‌های من به نام‌های «راه شیری» و «پایب برای دودین»براز واژه‌های جنوبی است منتها من توضیح واژه‌ها را زائد می‌دانم و می‌گویم چون آن واژه به گمان نویسنده ارزش داشته جایگزین واژه تهرانی‌شود،پس باید معنی

مصادره شد و کار چاپ کتاب‌های من بلاکلیف ماند. بعد از انقلاب وقتی اوضاع آرامتر شده به دنبال چاپ کتاب‌هایم رتم ولی نقد مر اسر دوآلندند که فکر کردم کتاب‌هایم شده است. البته من از این نظر دم‌پشمانی بوم. شاید تا حالا چندتا تا از همان‌ها را نشران گم کرده‌اند(تا اینکه بالاخره اموال سال ۸۰ توانستم با مکافات فراوان کتاب‌هایم را پس بگیرم و برای چاپ به ناشر بسپارم. در مورد کتاب «پایب برای دودین»هم باید بگویم به طور پراکنده در طول جنگ نوشته شده است و همه داستان‌ها حول و حوش جنگ است. یک زمانی کانون نویسندگان مطالبی درباره جنگ می‌خواست که دو تا از داستان‌های این کتاب در نامه کانون نویسندگان آن سال‌ها چاپ شده است.

کتاب‌های آخر شما «مرئی بی‌پایان» و «راه شیری» و «پایب برای دودین» به لحاظ فروش چگونه بوده است؟

خوب بوده است. کتاب «پایب برای دودین» به چاپ دوم رسید. ناشر فکر می‌کند «مرئی بی‌پایان» هم به چاپ دوم برسد. خیلی از دوستان می‌گویند در دهه ۷۰ به علت ثکرت آثار نوعی آشفتگی بر شعر و داستان ما حاکم شده است. بعضی‌ها کثرت آثار را منفی و بعضی‌ها مثبت می‌دانند. نظر شما در این رابطه چیست؟

به نظر من باید طرفدار جوان‌ها بود. کثرت آثار هیچ اشکالی ندارد، ما چنین دوره‌هایی را فراوان داشته‌ایم. به هر حال زمان، آثار خوب و بد را از هم تفکیک می‌کند. اشکال کار این است که حاضر نباشیم با وجود نداشته باشیم؟ یا به‌ای که وضع نشر آشفته است. کار باید چاپ شود حتی اگر خواننده نخواند. بارها و بارها شده که حتی اسم هدایت سانسور شده ولی بالاخره مخاطب خودش را پیدا کرده. ما از کجا می‌دانیم در حال حاضر نباشیم با وجود نداشته باشیم؟ یا به‌ای که هنوز نسبتاً شعراش را چاپ کند و حتی می‌خواهد آنها را برای دوستش بخواند ولی دوستش حوصله شنیدنشان را ندارد. درحالی‌که ممکن است کارش درجه اول باشد.

و حرف آخر؟

من از شما ممنون هستم فقط می‌توانم

بگویم وقتی می‌نویسم سعی می‌کنم با جوان‌ها

مخودر باشم و کاری نکنم که باعث کسلی آنها

شود.

کتاب‌تلداد

تشویش و آن میل غریب که تا وقتی سفید، پیش روی نشیند و آوار واژه‌ها بر آن جاری نگردد تسکین نمی‌یابد؟ آیا می‌توان راه نوشتن را دریافت؟

نامه‌هایی به یک نویسنده جوان مجموعه پرسش‌ها و پاسخ‌های ماریو بارکاس یوسا نویسنده مشهور است که بیروان نویسنده‌گی و وسوسه نوشتن طرح می‌شود.

سرود عشق

سرود عشق، گودرز رشیدی (به کوشش فرح رشیدی)، انتشارات کیاقر، چاپ اول، ۱۳۸۰، ۱۰۷تولیع ۱۱۰-۱۱۲تومان

سرود عشق عنوان مجموعه شعر گودرز رشیدی است که در سال ۸۰زندگی راابدروگفت و همسرش فرح رشیدی اقدام به انتشار مجموعه اشعار کرد.

اشعار این مجموعه در قالب‌های کهن و با مضامین عرفانی است. در این کتاب در ۱۶۹ صفحه بیش از حد قول گنجانده شده است.



به قدرت گرفتن بنابارت منجر شد از دریچه ادبیات به خواننده منتقل کند.هنرمندی نویسنده بیشتر در آفرینش فضای داستانی از واقع‌ای تاریخی است، به گونه‌ای که در سراسر داستان خواننده همان هیجان‌های روزهای انقلاب را حس می‌کند و با قهرمان‌های داستان همراه می‌شود.

یوسا و نویسنده جوان

نامه‌هایی به یک نویسنده جوان،ماریو بارکاس یوسا،مچید مهندی حقیقی، تهران، نشر شیرین، ۱۳۸۱، ۱۰۰تومان
راه و رسم نویسنده شدن چیست؟ کدام میل و انگیزه را باید نیروی برانگیزنده برای نوشتن ناپدید؟ آن جوشش درونی که به کسی در خلوت تنهاآش نهبب می‌زند. ابرخیز نویسی» آن



مراجعه فرمایید.

اما استاد شفیعی در مقاله مفصل و بسیار تحقیقی و حقیقت‌یاب خود که با عنوان «چهره دیگر محمدبن کرام سجستانی در پرتو سخنان نو یافته او» و در این مقاله با روحیه حق جو و حق گوی جسورانه به تمهت‌ها و انتباهات عمدی سهوی تاریخی-فرهنگی/اعتقادی و جدلی درباره او که حتی اندکی هم دامنگیر خودایشان هم شده بوده اشاره دارند و این نقطه عطف در شناخت این کرام و کرامیه مربوط به/مکتوب در قرن چهارم هجری به نام حدوداً کریمویط به/مکتوب در قرن چهارم هجری به نام الفصول دارد که اثری است پارسایانه،اخلاقی، عرفانی و برونق معقدمات رسمی و مقبول اسلامی و حتی نشانه‌های فراوانی از اظهار ارادت به اهل بیت عصمت و طهارت(ع)، این مقاله، بلکه رساله ۷۳صفحه‌ای که در جلد دوم ارجح نامه ایرج چاپ شده. چندین اثر کرامی دیگر را هم از صاحب همان کتاب مهم الفصول یعنی سیرگازین، سومین وجه اهمیت تفسیر سوراآبادی در ارزیابی شاگرد ابوعبدالله محمدبن حنیف که در ۴۱۵ درگذشت باشد،امم از قرآنی و غیر آن و از غیر او و از دیگران درباره کرامیه معرفی می‌کند. کاش فرصت بود که «دقیقه‌ای درباره نکات مهم این مقاله مرجم و راهگشا حرف بزنم. سومین وجه اهمیت تفسیر سوراآبادی در قدمت آن است که اگر ۲۰سال قبل از فوت مؤلف نوشته شده باشد (یعنی بیست سال قبل از ۶۹۲)می شود حدود ۷۲۴ یعنی از تألیف آن ۵۰سال هم گذرد. چهارمین وجه هم ترفارسی بسیار خوشخوان (برای اهلسن) از سرشار از فولاذیانی، لغوی و ادبی. از دو کار مهم که از یاددرباره همین تفسیر پدید آمده فقط نام می‌برم:تفسیر و قصه‌های قرآن از روی نسخه موقوفه بر تربت شیخ جام مبتنی بر

●خرمشاهی: نثر ترجمه فقط ساختار ترجمه نیست بلکه معادل‌ها و مفردات هم مهم‌اند و طرز و لحن بیان

تفسیر ابوبکر عتیق نیشابوری به سعی و اهتمام شادروالان دکتر یحیی مهدوی و دکتر مهدی بیانی چاپ دانشگاه تهران ۱۳۳۸:در دو بخش. سپس فقط قصص این تفسیر را در سال ۱۳۷۷ در یک جلد از سوی دانشگاه تهران منتشر کردند که گویا بعداً هم انتشارات خوارزمی تجدید چاپ کرد. در مقایسه‌ای که ترجمه آن روایت با زبانگاری از متن ۵جلدی جدیدالانتشار تصحیح روشناس سعیدی سراجانی به عمل آورد دیدم ۲۰ تا ۳۰درصد تفاوت دارد. قصه‌ها هم-حاضر و غایب نکردم. ولی حدوداً۱۰در صد فرق دارند. دانشت معرفی یک مرجم هم از یادم می‌رفت. استاد مهدوی و دکتر بیانی ضمیمه‌ای درباره تفسیر معروف به سوراآبادی و نسخه تربت جام دارد که در سال‌های اول انقلاب منتشر شد. ۶۰-۷۰صفحه و بسیار پراطلاع است. اثر ارزشمندی هم به نام فرهنگ ترجمه و قصه‌های قرآن مبتنی بر تفسیر ابوبکر عتیق نیشابوری-تحقیق و تدوین دکتر محمد جابود صباغیان (مشهد)،مؤسسه چاپ و انتشارات،باید جلوه‌سال‌های ۷۰،۷۰باشد.)اما حرف ما پایان ندارد الغایت، دیگر از منابع علامت‌نما خوب است-این چند اثر را هم ملاحظه فرمایند در تاریخ غزنویان، نوشته کلیفورد ادموند با پاسورث، (ترجمه جناب حسن نوشه، گویا چاپ امیرکبیر)بخشی و بخشی در باب حیات اجتماعی-سیاسی کرامیه آمده است و حسن ختام مقاله‌ای است به نام پژوهشی درباره کرامیه-با معرفی بسیاری از آثار کرامیه،بزرگ آثار قرآنی و درباره آنان، نوشته آقای محمد کاظم رحمتی، در یکی از شماره های سال جاری مجله کتاب ماه، مقاله دیگری به نام «کرامیه در مجالس بیهن، و چند منبع دیگر» نوشته آقای حسن انصاری قمی.

دریای دانش‌ان را نیز عظیم که ۱۵سال فراز و نشیب چلاب این تیغ نامه را با خوشرویی و شکیبایی تحمل کرده به عنوان یک قرآن‌پژوه و دوستدار زبان و ادب فارسی سیاسی قلبی خود را عرضه می‌دارم. میهنپستور از هم تکرمان کتاب هفته.

اگر فرهنگ را به دو پاره رسمی و غیر رسمی تقسیم کنیم، می‌شک فرهنگ غیر رسمی که همان فرهنگ توده، فرهنگ عامه یا فرهنگ مردم باشد، از اهمیت بسزایی برخوردار است. پیروژه آنکه این بخش از فرهنگ در روزگاران گذشته مهم همی در تحولات اجتماعی داشته است. امروزه علیرغم گسترش فرهنگ رسمی و به‌شما به حاشیه رانده شدن فرهنگ مردم، گرایش‌هایی در مطالعات فرهنگی و فلسفی معاصر ایجاد شده که به نقش آن در جهان معاصر تأکید دارد. پیروژه آنکه جهانی شدن زمینه را برای شکوفایی و توسعه روایت‌های خرد و غیر رسمی فرهنگ اقوام مختلف فراهم آورده است. فرهنگ مردم صورت گرفت اما از آن هنگام شادروان استاد انجوی شیرازی از سال ۱۳۴۰ اولین برنامه رادیویی «فرهنگ مردم» را تهیه و پخش کرده، این پژوهش‌ها شکل مشخص و سازمان یافته‌ای پیدا کرد. از این روز در سال ۱۳۵۱این واحد به مرکز فرهنگ مردم در رادیوی تلویزیون وقت تبدیل شد و با پیش از سه هزار همکاران سراسر ایران کارش را آغاز کرد.این مرکز تا آسنة انقلاب پیش از پانزده جلد کتاب روانه بازار نشر کرد ولی پس از انقلاب اسلامی به دلیل تغییر ساختارهای صدا و سیما این مرکز دوران فترت را گذراند تا اینکه اخیراً با فعالیت دوباره در راستای هدف‌های اولیه‌اش راه‌اندازی شده است. در این مرکز هم‌اکنون استاد مکتوب فرهنگ مردم ایران نگهداری می‌شود و در سال‌های اخیر به‌صورت مکتبیزه از طریق رایانه طبقه‌بندی جدیدی روی آن صورت گرفته است. گفت‌وگویی که از پی می‌آید با یکی از همکاران شادروان استاد انجوی شیرازی یعنی سید احمد وکیلان انجام شده است. وی از جمله پژوهشگران عرصه قصه‌های ایرانی است که تاکنون چندین جلد کتاب در این زمینه از وی به چاپ رسیده است. با وی گفت‌وگویی داشته‌ام در باب «فصلنامه فرهنگ مردم»- که سردبیری آن را بر عهده دارد- و کتاب «قصانه‌های ایرانی به روایت امروز و دیروز» که با همکاری دکتر شین تاکه هارا، توسط نشر ثالث به چاپ رسیده است.

آقای وکیلان پیش از هر چیز اگر اجازه فرمایید بادی کنیم از استاد انجوی شیرازی، یکتانگار «مرکز فرهنگ مردم» که دو ماه دیگر دهمین سالگرد درگذشت آن زنده‌یاد است. آیا برای برگزاری دهمین سالگرد درگذشت استاد انجوی برنامه خاصی در نظر گرفته شده است؟

با شکر و سپاس از شما و دست‌اندرکاران و خوانندگان کتاب هفته، همان‌طور که می‌دانید در سال‌های گذشته به همت خانواده و دوستان استاد انجوی سالگرد آن مرحوم در خانه‌اش برگزار می‌شد و تصور می‌کنم اسسال هم به همان روال ادامه یابد. از سوی دیگر در بزرگداشت استاد صادق همایونی که در اوایل خردادماه اسسال در شیراز برگزار شد، به پیشنهاد آقای همایونی امکان دارد دهمین سالگرد استاد انجوی توسط اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی فارس در شیراز برگزار شود.

امیدوارم در دهمین سالگرد استاد انجوی تکلیف خانه و کتابخانه آن زنده‌یاد هم روشن شود و خانه او به «مرکز فرهنگ مردم ایران» اختصاص یابد تا بدین وسیله توانمیز ارزش فرهنگ مردم ایران را در جهان به اثبات رسانیم.
آقای وکیلان تا آنجا که اطلاع داریم شما تنها فردی هستید که در سال‌های اخیر راه استاد انجوی را در عرصه فرهنگ مردم دنبال کرده‌اید و تاکنون چند کتاب از جمله «رمضان در فرهنگ مردم»، «مثنیل و مثل، ج ۳» که جلد اول آن توسط استاد انجوی گردآوری شد و «مثل‌ها و افسانه‌های ایرانی» را گردآوری و تألیف کرده‌اید. اخیراً هم «اطلاع‌هایی که کتاب «قصانه‌های ایرانی به روایت امروز و دیروز» را با همکاری دکتر شین تاکه هارا و «فصلنامه فرهنگ مردم» را منتشر کرده‌اید. اگر موفق‌اندابتد درباره «فصلنامه فرهنگ مردم» توضیحاتی برای خوانندگان کتاب هفته بدهید.

فصلنامه

قراهاد احمدی

گفت‌وگو با سید احمد وکیلان؛ پژوهشگر فرهنگ مردم

پیمودن راه استاد انجوی در عرصه فرهنگ مردم

باید به عرض برسانم که این «فصلنامه» در حقیقت به نوعی ادامه آثار استاد انجوی است، زیرا وی در سال ۱۳۵۴ تصمیم به انتشار مجله فرهنگ مردم، گرفت و مقدمات کار هم آماده شد، اما با به وقوع پیوستن انقلاب اسلامی و تغییر ساختار برنامه‌ها و طرح‌های سازمان صدا و مرکز فرهنگ مردم هم صدا و سیما بود معوق ماند. در سال ۱۳۷۶هم مجدداً تلاشی برای انتشار مجله از سوی «واحد فرهنگ مردم» و نتی چند از مردم‌شناسان و پژوهشگران فرهنگ مردم صورت گرفت که متأسفانه باز به بار نشست. در این شرایط بود که من اقدام به گرفتن مجوز «فصلنامه فرهنگ مردم» کردم و پس از ۵ سال در اواخر سال گذشته مجوز صادر شد. از آن زمان با همکاری تنی چند از پژوهشگران فرهنگ مردم اقدام به تألیف و انتشار فصلنامه یاد شده کردم که با دشواری‌های بسیار سرانجام موفق به انتشار نخستین شماره فصلنامه در خردادماه اسسال شدم.

نکته‌ای را که باید یادآور شوم آن است که ضمن ارجح نهادن به اهداف پیشگویان فرهنگ مردم ایران سعی خواهیم کرد که این فصلنامه با آخرین دستاوردهای فرهنگ مردم ایران و جهان همساز باشد و از سوی دیگر فرهنگ مردم اقوام و مردم ایران را پوشش دهد و موفق به انتشار نخستین شماره فصلنامه در خردادماه اسسال شدم.

همان‌گونه که از نام این انستیتاب می‌شود قصه‌ها در زبان روائین کهنسال، میاسان و جوان ثبت و ضبط شده است و گویش‌ها، واژه‌ها و فرهنگ مستتر در قصه‌ها با سه نسل از گذشته تا حال ارتباط مستقیم دارد.

از سوی دیگر، از آنجا که فرهنگ مردم و قصه‌ها بخشی از عرصه فرهنگ را تشکیل می‌دهد و یکی از ویژگی‌های فرهنگ، زنده و پویا و همساز بودن با زمان است، تصمیم گرفته شد واژه‌هایی که در زبان روائین یا هیچ ملاحظه و تعمدی وارد شده است عیناً ثبت شود.

واژگانی چون پلینیک، آژان، پلپس، استاندار، مامبین، زدنسالاری، کتکر، ژاندارم، گلابانوتر، سری (دیف) و غیره، این روش چه از نظر تحول زبانی قصه‌ها و چه از دید زبان‌شناسی حائز اهمیت است.

همچنین برخی از عناصر فرهنگی وارداتی که همه‌گیر است بر قصه‌ها هم تأثیر گذاشته، حتی بر مثل «بیز قزلباش» که سابقه آن به چند هزار سال پیش یاز می‌گردد، بازی همه‌گیر فوتبال وارد قصه بیزو قندلی شده و راوی زن بی‌سوادی از برغان کرج جنگ بز و گرگ را در زمین فوتبال مثال می‌زند که حکایت از به روز شدن قصه شکلور و منگول دارد. وجود روائین بسیار جوان هم در این اثر شاید شوق و دوقی در جوانان ایجاد کند که الفات پیشتر بی قصه‌ها، این سنت دیرآشنای پاتکاشان نشان دهد.

این نخستین بار هم مجموعه‌ای از قصه‌ها و حکایت‌های مربوط به جن در این اثر آمده است که برخی از آنها خاطرات خود روائین در برخورد آنها با جن‌ها بوده است که شاهدهی دیگر از به روز بودن قصه‌های این اثر دارد.

ضمناً برای اولین بار تصاویر تمام روائین همراه با مشخصات آنها در کتاب آمده است که کتاب را جلدانتر از دیگر آثار معروف خود کرده است. واردی این دست ما را بر آن داشت که نام کتاب را «قصانه‌های ایرانی به روایت امروز و دیروز» بگذاریم. در خانه‌های یاد یادآور شوم که دکتر شین تاکه هارا مقدمه گویایی درباره تأثیر فرهنگ و قصه‌های ایرانی بر قصه‌های ژاپنی نوشته است و تاریخچه‌ای از قصه‌شناسی در ژاپن و تحقیقاتی که قصه‌شناسان ژاپنی بر قصه‌های ایرانی انجام داده و می‌دهند آورده است که همه خوانندگی و راه نوبی را در همکاری‌های بین‌المللی بر قصه‌های ایرانی گشوده است.

شماره ۷۲، شنبه ۲۹ تیر ۱۳۸۱



فرهنگ مردم ایران رایش از پیشی به اثبات رساند. آیا پیش از این فصلنامه، نشریه‌ای دیگر در زمینه فرهنگ مردم در ایران منتشر شده است؟

نه، اینکه نشریه‌ای منحصراً پیروژه فرهنگ مردم باشد در ایران منتشر نشده است، اما برخی از نشریات مانند «مجله هنر و مردم» و سه شماره مجله «هنر و فرهنگ مردم» به سردبیری دکتر علی بلوگاشی پیش از انقلاب اسلامی منتشر شده است که در این نشریات مقالاتی درباره فرهنگ مردم هم به چشم می‌آید. در واقع «فصلنامه فرهنگ مردم» اولین نشریه مستقل در مبحث فرهنگ مردم ایران است.

نکته‌ای را که باید یادآور شوم و در سخن سردبیر فصلنامه هم آمده است، آنکه این فصلنامه بدون پشتیبانی امروزه فرهنگ مردم به‌عنوان یک مبحث عقلی در یک معیار جهانی حائز اهمیت است و تمام کشورها در شناخت فرهنگ مردم ملت‌های خود و دیگران بسیار تلاش می‌کنند و نشریات گوناگون و متنوعی در این زمینه منتشر می‌سازند به‌طوری‌که در چهل سال پیش رشید باسمی یادآور شد که در کشور آلمان آن زمان پیش از سی نشریه در زمینه فرهنگ مردم منتشر می‌شود.

امروزه حتی در کشورهای همسایه ایران نظیر تاجیکستان، آذربایجان، ترکیه، پاکستان، عراق و کردهای شمال عراق افغانستان، نشریات تخصصی فرهنگ مردم منتشر می‌شود، اما در ایران، با فرهنگی به درازای تاریخ حیات انسان تاکنون چنین نشریه‌ای منتشر نشده است. امیدوارم این گام کوچک با حمایت مردم دوام یابد و سرازاری

دانش آموز سال های دور

﴿۲﴾

احمدبورقانی نماینده مجلس شورای اسلامی (تهران):

کتاب را پشت قفسه‌ها پنهان کردم تا ...

الان هم حسین آقا را می‌بینید؟
بله! الان در ایستگاه گلچین کتاب می‌فروشد.

معمولاً چه نوع کتاب‌هایی را می‌خریدید؟

در دوره دبیرستان کتاب‌هایی را بین دوستانم دست به دست می‌گردانیدیم از اغلب کتاب‌های ممنوعه را می‌خواندیم مثل؛ کتاب‌های مرحوم شریعتی، آل احمد، مهتدس بازرگان و طالقانی.

از چه زمانی مطالعاتتان را به صورت جدی دنبال کردید؟

تقریباً از سال آخر دبیرستان، مطالعاتم حساب شده‌تر و بیشتر روی بخشی از متون قدیمی ادبی و تاریخ معاصر و مسائل اجتماعی روز متمرکز شده بود.



● **یکی از خاطرات دلگیرم با آرام‌ترین و شیرین‌ترین لحظه زندگی‌ام، زمانی بود که به دنبال کتاب می‌رفتم**

از بین کتاب‌هایی که خواندید (در دوران دانش‌آموزیتان) کدام یک از آثار پرباران جالب‌تر بود؟

کتاب «حسی درمیقات» اثر جلال آل احمد که هنوز هم در ذهن من باقی است. نثر جلال آل احمد جذاب، خوالذنی و منحصربه‌فرد بود.

رمان هم می‌خواندید؟

بله، تقریباً رمان‌های نویسندگان معروف مثل «تولستوی»، «دستایوفسکی» و «بوریس پاستراک» را می‌خواندم و الان هم به رمان علاقمند هستم و می‌خوانم. البته کارهای خانم ترقی و سیمین دانشور را نیز خواندم.

به نظر شما وضعیت کتابخانه مدارس امروزی در مقایسه با گذشته چگونه است؟

الان خیلی وضعیت خوب است. من فرزندانای دارم که هر کدام هم در مدارس دولتی و هم غیر انتفاعی درس می‌خوانند و می‌بینم که کتابخانه‌های مدارسشان مجهز است و بچه‌ها به خوبی از آن استفاده می‌کنند. من هر چند وقت یک‌بار کتابخانه‌ام را بررسی می‌کنم و کتاب‌هایی که خواندم را گلچین می‌کنم و به بچه‌هایم می‌دهم تا به کتابخانه مدرسه اهدا کنند. در زمان‌های قبل در برخی از مساجد کتابخانه دایر بود، یاد در اطراف منزلان مسجدی بود که کتابخانه بسیار مفصلی داشت و در سال ۱۳۵۶-۱۳۵۷ من مسئول کتابخانه مسجد بودم و در آنجا میدان وسیعی برای ما فراهم بود و کتابخانه را خیلی خوب تجهیز کردیم ولی متأسفانه بعد کتابخانه جمع‌آوری شد و به خیابخانه و... تبدیل شد.

بیشتر اوقات فراغتتان را صرف چه کاری می‌کردید؟

اول فوتبال و والیبال و بعد از آن کتاب می‌خواندم.

وضعیت مطالعه در جامعه امروز را چگونه می‌بینید؟

مدت زمان مطالعه در ایران نسبت به گذشته ارتقا یافته، وقتی خانواده ۵ نفری فعلی‌ام را با خانواده ۹ نفری گذشته‌مان مقایسه می‌کنم می‌بینم چقدر الان به مطالعه اهمیت داده

دانش‌آموز سال‌های دور این هفته ما، احمد بورقانی است، چهره‌ای که مدفعه‌ها و دیدگاههای فرهنگی‌اش، در جنبه سیاست و سمت‌های سیاسی وی فرمانده و هنر و روزنامه‌نگاران چهره‌ای به یادماندنی و تکیه دارد. هنوز روز عزیمتش از سمت معاونت مطبوعاتی، در طبقه دوم تعاونی مطبوعات در ذهن‌ها مانده است. جمعی بی‌سابقه از روزنامه‌نگاران که همه گاه در نوشته‌های او خود به انتقاد از ساختار بوروکراسی و مدیریت آن می‌پرداختند، آمده بودند تا با یک مدیر منحصربه‌فرد نجلی‌کلنند. یادمان نمی‌رود که بورقانی وقتی در جایگاه سخنرانی نشست گفت: «من مدبری بوده‌ام که قول‌های فراوانی به شما داده‌ام و به بسیاری از آنها عمل نکرده‌ام، حال چرا اینجا جمع شده‌اید و از فردی که بسیاری از کارهای مربوط به شما را انجام نداده، تجلیل می‌کنید» که هر حال بورقانی چهره‌ای گرم، صمیمی و... دارد و شاید اصلاً به وی نیاید که یک سیاستمدار باشد.

از دوران دانش‌آموزیتان بگویید؟

من دوره دبستان را در مدرسه بهییم (وحیدیه تهران) گذراندم و علاقه زیادی به کتابخوانی داشتم. سومین فرزند خانواده بودم و با وجودی که ۲ خواهر بزرگتر از خودم نیز اهل مطالعه بودند، ولی علاقه من به کتاب و کتابخوانی بیشتر بود. از همان دوران کودکی عضو کانون پرورش فکری و کانون نوجوانان کتاب‌های کودکان و یا کتاب‌هایی که مناسب کتاب‌های دبیران می‌خواندم. وقتی بزرگتر شدم کتاب‌های ادبیات، تاریخ و مسائل اجتماعی را مطالعه می‌کردم.

نام اولین کتابی را که خواندید به خاطر دارید؟
«همان‌ها خواننده» اولین کتابی بود که خواندم.

مدرسه‌نامه کتابخانه داشت؟

متأسفانه کتابخانه‌ای نبود که ما از آنجا کتاب امانت بگیریم، البته در دوره دبیرستان کتابخانه داشتیم. مدرسه، آقای راد را اختیار من و چند تن از دوستانم گذاشت و ما کتاب‌ها را خریداری و تهیه کردیم و کتابخانه را شکل دادیم. خردمان کتاب‌ها را فهرست بندی می‌کردیم و در هر نوبت یک نفر مسئول کتاب می‌شد و کتابخانه را هدایت می‌کرد. ما با بچه‌ها رابطه‌ای رسمی و دوستانه داشتیم و بچه‌ها کتاب‌های دلخواهشان را امانت می‌گرفتند و ما آن را ثبت می‌کردیم.

فعالیت در کتابخانه مانع شایرفش دوران نعلی‌شد؟

به هیچ وجه! کتابخانه مکان مناسبی بود برای مطالعات من، چراکه من شب‌های استعاض هم کتاب‌های غیردرسی می‌خواندم.

طی مدتی که کتابدار مدرسه بودید چه چیزی در تجربه کردید؟

اینکه روابط کتابدار با دانش‌آموزی با مراجه‌کننده باید بسیار صمیمی و دوستانه باشد. یادم می‌آید وقتی که به کانون می‌رفتم یکی از عوامل حضور مرتب من در کتابخانه پرخورد بسیار انسانی و عقلانی کتابدار بود. به گونه‌ای بسیار جذاب با بچه‌ها برخورد می‌کردند و این مسأله واقعاً در کشش و جذب بچه‌ها به مطالعه تأثیر داشت.

قبل از دوره دبیرستان کتاب‌هایتان را چگونه تهیه می‌کردید؟

یک کتابفروشی در خیابان نظام‌آباد بود که کتاب‌های گفنه می‌فروختن یادم می‌آید مسؤل فروش کتاب حسین آقا بود و همیشه به او مراجعه می‌کردم و کتاب‌های ارزان‌تری را پیدا می‌کردم و می‌خریدم.

راسته کتابفروش‌ها

چاپیدن و چاپ کردن



نصرالله حدادی

دوستی عزیز رنگ زد و گفت: اگر وقت یکتا توک با ایما، کارت دارم. رقتم، قرار بود با مسؤل یک مؤسسه بخش ملاقاتی داشته باشم. کتاب‌هایی را که مؤسسه متوع وی آن را چاپ می‌کند، برای توزیع و بخش به ایشان بسپارد. وقتی به دفتر او رسیدم، تنها بود. گفت: مصیبتی دارم، اگر و گره کتاب چاپ می‌کنیم و در توزیع و بخش آن مالدیم، یک مؤسسه اعلام آمادگی کرده، گفتم: بله، من که تجربه‌ای ندارم، بی‌اواز از چند و چون کار مطلع شوم و ما آمکم کن.

گفتم: به دیده منت، چشمم، اگر بتوانم، در خدمتم.

دقیقی بعد، آن مسؤل آمد و پس از خوش و بش «متن قراردادی را به دوستم تسلیم کرد، بعد از آن که صفحه فراد را در او ابرانداز کرد، آن را به من داد، نگاهی به آن انداختم و به دوستم سپادم. دوستم برای چند لحظه چشم در چشم من دوخت و یازبان پیر زبانی سؤال کرد: نظر چیست؟ شانه‌ها را بالا بردم و چیزی نگفتم. دوستم روزی به آن جناب کرد و گفت: قبول است، امضا می‌کنم و پس از ثبت در دبیرخانه نسخه دوم آن را برایشان ارسال می‌کنم. آن سادگی و ناشی‌گری دوستم به جوش آمدم، گفتم: چه چیزی را امضا می‌کنی؟ مرد حسلی، این که «هفتنامه گلستان و ترکتماچای است» کتاب‌هایی، «تخفیف و چهل در صد» پنج درصد در زمان سال جایزه خوش‌حسلی؛ پرداخت وجه کتاب‌های فروش رفته، شش ماهه کتاب‌ها تحصيل کرد؛ اختیار توزیع قرار می‌گیرد و ناشر حق ندارد برای توزیع، به دیگر مؤسسات مراجعه کند؛ ناشر حق تحمیل کتابی را به مؤسسه بخش نداشته و ندارد و چند ماده و تبصره دیگر از این قبیل و آخر هر وقت موع خواست، می‌تواند کتاب‌ها را مرجوع کند.

رویه آن بزرگوار کردم و گفتم: جسارت من را می‌بخشید، شما چه تعهدی را به این موسسه می‌دهید؟ گفت: هر چه کتاب برچشم، پولش را بخواهم داد، از این بالاتر چه؟ گفتم: باید برایش یک کافتر «ایش پیش» بدهم. قرار داد علاوه‌ا بر موفاب و مترجم بننده، کتاب را در بهترین شرایط چاپ و پیچند و چاپ و صحافی کند، آن وقت است که «هوار، هوار، همسایه‌ها، کمک کنید، نامن شو» هر داری شود و چون شما از همسایه‌ها هستید، ما مت و نهید و به کمک می‌آید، آن هم آن گونه؟

با گفته‌های من، آن شخص رفت و گفت: منو باش که خواستم کمک عمل کنید، ندارید، خنلا حفظ شما بلند شد. به طرف در خروجی رقت، دوستم اعاج و واج به من نگاه کرد و چند جملی به دنبال او رفت و گفت: حالا شریف داشته باشید، شاید به توافقی برسیم. آن بزرگوار گفت: «با وجود این اقامه‌معامله نمی‌شود، اگر شواسته، شرایط من همین است، رنگ بزنید و قرار داد را امضا کنید، تا کار شروع شود و در پایان یک بار دیدگر کنید، کرداد فیکید، کیشناک، تواراد ردهه دیگری به جلسه دعوت کنید، ایشان از شرایط اطلاع ندارند! بعد از رفتن ایشان، دوستم گفت: مرد حسلی، او بعدی «بروشو درست کنی، چشمشو کور کنی؟»، گفتم: از قدیم گفته‌اند، نباید در مشورت حسیات کرد، کاری که «عصر و عاض» بکرد، «مخمان» از عزم و مواض بدلوم «تقنه» بیلدمن، مالدیم، با این همه کتاب، چه خاکی به سرم بریزیم، این با که آمدن، من خوشحال شدم، گفتم: یک گوشه کار را می‌گیرد و اقبال قدری خلوت می‌شود، من که می‌خواهم در اینبار نگاه دارم، به او می‌دهم، امعی، شاید فرحت.

گفتم: شنیدهای یک چیز بده سر و نه، دخترت خوبه نمونه «مرد حسلی» چه اصرار ای است که اولاً کتاب چاپ کنی، ثانیاً چرا چاره را نکنده مار را از دیدی؟! اتفاق بود چه مملکت و حلال هم می‌خواهی یک چیزی دستت بدهی، تا طرف کتاب تو را ماللی برود و اگر فروخت، پول تو را بدهد. گفت: صدها ناشر هستند که از این کارهای من کنند، تا بآیا اگر تو راه حل بهتری به نظرت می‌رسد، بفرما این گوی و این میدان بگو، من چه کنم؟

گفتم: پدر آرم زیده، شرط اول تولید هر کالایی «زبیلی بازلر آن است، چرا که نکرده باره می‌کنی؟» کنلی که بازار ندارد، تولید نکن، همین گفت: «من مربوط نیستم، می‌گویند، تولید کن، من هم آن را چاپ می‌کنم و طبعاً باید آن را پیش کنم، به خاطر این است که از ایشان دعوت کردم، تا بایاید و تو هم آمدی و آن را خراب کردی.

گفتم: این طیفه را شنیدهای، گفت: کدام طیفه؟ گفتم: می‌گویند، شخصی زمین را می‌کند و یک نفر دیگر آن را بر می‌کد، شخصی از این کار بیخود در عجب آمد، سبب آن را پرسید، گفتند: ما سه نفر بودیم، یکی زمین را می‌کند، دیگری لوله می‌گذاشت و سومی بر می‌کرد، حالا لوله گذار نیمه‌دار، ماکار خودمان را می‌کنیم! به دوستم گفتم: کشش‌های بیارانه‌ای بازار نشر، لوله گذار را کم کرده و ماکار خودمان را می‌کنیم، آخرین چه کاری است که ما کنلی تولید کنیم و خریدار آن را نبییم، صرف آن که می‌خواهیم، شغلی ایجاد کرده باشیم؟ آیا این خیالت نیست؟

دوستم با استیصال تمام گفت: بابا، اینجاست، سی نفر نام می‌خورند، اگر کتاب چاپ نکنیم، اینها بیکار می‌شوند، تو اگر جای من بودی، چه می‌کردی؟ گفتم: هیچی، کتاب چاپ نمی‌کردم، همین، و اگر قصد چاپ کتاب را داشتم، پول بازار آن را جستم و جوی می‌کردم و بعد آن را می‌چاپیدم، لانه آن که چاپیدم، آخر این چه کاری است؟

می‌شود و به هیچ وجه نمی‌توان با گذشته آن را مقایسه کرد. البته فکر می‌کنم الان سطح آگاهی مردم بالاتر رفته و سعی می‌کنند همچنان معلوماتشان را با مطالعه کتاب‌های گوناگون ارتقا دهند.

آیا کتاب خاصی را برای مطالعه به فرزندانانت پیشنهاد می‌کنید؟

من اصلاً به دنبال این نیستم که به فرزندانم بگویم چه اثری خوب و چه اثری بد است، بیشتر فرزندانم به آن مراجعه می‌کنند و از من رمان‌هایی را می‌خوانند، البته گاهی اوقات کتابی که جالب هست را به آنها پیشنهاد می‌کنم و می‌گویم: «این کتاب، اثر خوبی است، اگر دوست داشتید مطالعه کنید».

چطور شد که به سمت فعالیت در مطبوعات رفتید آیا این علاقه از همان دوران جوانی و نوجوانی در شما بود؟

بله، در دبیرستان در کنار اداره کتابخانه، مجله‌ای به نام «حقیقت» را درمی‌آوردیم و سه شماره آن را در آوردم و در دانشگاه هم علاقه زیادی به این کار داشتم. ولی با توجه به فضای ملتهب سیاسی و با توجه به اینکه دانش‌آموز تازه وارد بودم، فضا چندان برای این نوع فعالیت‌ها مساعد نبود تا اینکه بعد از تعطیلی دانشگاه آقای خرازی از من دعوت کردند که وارد خبرگزاری شوم و من از سال ۱۳۵۹ یک دوره کارآموزی خبر و مطبوعات را در خبرگزاری گذراندم و بعد وارد خبرگزاری شدم.

خاطره‌ای از دوران دانش‌آموزی دارید؟

بله، بهترین خاطره من این بود که با شوق و ذوقی خاص کتاب‌های مرحوم شریعتی را می‌خواندم و حتی کتاب را به صحفاتی تقسیم و نگه کنکه می‌کردیم و بین دوستانم تقسیم می‌کردیم و می‌خواندیم و هر یک از بچه‌ها بعد از خواندن صفحات آن را به فرد دیگری می‌داد. یکی از خاطرات دلگیرم با آرام‌ترین و شیرین‌ترین لحظه زندگی‌ام، زمانی بود که به دنبال کتاب می‌رفتم، من پنجشنبه، صبح قبل از رفتن به مدرسه از پدر و مادرم اجازه می‌گرفتم و بعد از تعطیل شدن مدرسه ساعت دو به راسته کتابفروشان خیابان شاه‌آباد (جمهوری فعلی) می‌رفتم و حتی نام‌های نمی‌خوردم و با پول‌های کوچییم ام کتاب می‌خریدم. یکی از کتابفروشی‌هایی که من همیشه به آنجا مراجعه می‌کردم، کتابفروشی اشرفی بود که همیشه به آنجا می‌رفتم. در بین قفسه‌ها کتاب‌های مورد علاقه و در عین حال ارزان را جست‌وجو می‌کردم، من هیچ وقت پول اضافی بابت خرید کتاب از یادم نمی‌گرفتم. یادم می‌آید به کتاب نثر لادلاویز فارسی که ۲ جلد بود اثر دکتر سیاسی را بسیار علاقمند بودم و فقط یک جلدش را که ۱۳ تومان بود خریدم و جلد دوم آن را که ۷ تومان بود، نتوانستم بخرم و همیشه نگران بودم که کسی زودتر از من کتاب را نخرد، چون نمی‌توانستم جلد دوم کتاب را بخرم، برای همین کتاب را در بین قفسه‌های دیگر مخفی می‌کردم. وقتی هفته بعد به کتابخانه می‌رفتم، می‌دیدم که کتاب سر جایش است. تا اینکه بعد از سه هفته موفق شدم کتاب را بخرم. به جز این کتابفروشی به کتابفروشی‌های دیگری هم می‌رفتم مثل کتابفروشی بعثت که آقای فخرالدین حجازی آنجا بودند و من همیشه از ایشان می‌خواستم که کتابی را به من معرفی کنند. یادم می‌آید یک بار از ایشان خواستم تا کتابی را به من معرفی کنند و ایشان کتاب «ما چه می‌گوییم» اثر سید قطب را به من معرفی کردند و چون قیمت کتاب ارزان بود من سریع کتاب را خریدم و خواندم و روز بعد نزد ایشان رقتم و گفتم که کتابی را به من معرفی کنید و ایشان خندیدند و گفتند: برو دوباره کتاب را بخوان تا هفته بعد کتاب دیگری را به تو معرفی کنم.

رضا رجب زاده کتابفروش (مشهد): بیشتر مشتریان ما ثابت هستند

آقای رجب زاده! از چه زمانی وارد حرفه کتابفروشی شدید؟

از استفادهٔ سال ۱۳۵۷.

مساحت کتابفروشی شما چند متر است؟

حدود ۶۰م².

در این متراژ چند عنوان کتاب جای می‌گیرد؟

حدود ۳الیٔ هزار عنوان کتاب.

چه کتاب‌هایی در کتابفروشی عرضه می‌کنید؟

بیشتر کتاب های تاریخی، ادبیات، روان‌شناسی و کتاب‌های مذهبی، فلسفی (عرفان-کلام).

استقبال مردم از کتاب چگونه است؟

بیشتر مشتریان در شرایط فعلی از کتاب‌های روانشناسی عمومی، خاطرات رجال

سیاسی معاصر و کتاب‌های سیاسی استقبال می‌کنند.

مشتریان شما از چه قشری هستند؟

با توجه به سابقهٔ کار در این کتابفروشی و شناخته شده بودن کتابفروشی، بیشتر مشتریان ما ثابت و اکثراً کتابخوان حرفه‌ای هستند، ولی اگر بخواهیم مشتریان را دسته‌بندی کنیم، بیشتر قشر دانشگاهی و دبیران و فرهنگیان برای خرید کتاب به ما مراجعه می‌کنند.

کتابفروشی می‌دهید؟

بله، تا درصد تخفیف می‌دهیم.

آقای رجب زاده! شما هر چند وقت یک بار کتاب‌های پشت و رویتن را تعویض می‌کنید؟

عموماً بخشی از رویتن را به کتاب‌های جدید اختصاص می‌دهیم و هر ۱۵تا۱۵روز یک بار، کتاب‌ها را تعویض می‌کنیم. چون مشتری به کتاب‌های تازه پشت و رویتن بسیار توجه می‌کند.

به جز کتاب لوازم التحریر و CD هم می‌فروشید؟

نه. فقط کتاب می‌فروشیم.

کتاب‌هایی که از موزهان دریافت می‌کنید، چه زمانی طول می‌کشد تا پول آنها را بدهید؟

حدود ۳الیٔ ۴ماه طول می‌کشد تا پول را پرداخت کنیم.

چک می‌دهید یا برات؟

اکثرأ حواله می‌کنیم، چون با موزهان آشنا هستیم.

طی دو هفته گذشته، پرفروش‌ترین کتاب‌هایتان چه بودند؟

شریعتی مسلمانان در جستجوی ناکجاآباد، نویسندهٔ علی رحمان، مترجم: فرقلو، ناشر: گام نو

جمهوری مقدس و برادر بزرگتر، محمد قورچانی، انتشارات نقش و نگار

موفقیت در ۲۰ روز، آنتونی رابینز، نسل نولدیش

رزنتشین و باورها و آداب دینی، انتشارات ققنوس

رفیق اصلی، کریستین بوین، مترجم: پیروز سیرا، طرح نو.

کتاب‌های کودکان و نوجوانان هم می‌فروشید؟

بله. از بین کتاب‌های کودکان و نوجوانان کتاب‌های کمیجا که انتشارات هرمس آنها را چاپ می‌کند، بیشترین تقاضای را دارد.

نهادهای نشر زهرا حاج محمدی

محمد صدقی داوودی پور مدیر نشر نگار:

کتاب نفیس رابه دلیل زیبایی اش می خرند

یعنی تولیدی نازیبا داشته باشد، خلاف خلقت عمل کرده است.

پس از محق دانستن چنین ضرورتی، چاپ آثار نفیس از یکی و چگونه در ایران دنبال شده است؟

سابقهٔ کار نفیس به شیوه‌ای که الان رایج است به این معنا که ناشرایی به‌صورت تخصصی بر روی آثار هنری یک کیفیت ویژه کار کنند، به انتشارات یساولی برمی‌گردد اما گسترش این موضوع و ارتقاء سطح کیفی چاپ این نوع آثار از سال ۶۶ توسط حاج محمدعلی داوودی پور و با پشتیبانی آقای عزیزبان در انتشارات آرش شروع شد. البته همان زمان هم مخالفتی از جمله واحد اسحق هنرهای اسلامی داشت. پس از آن در سال ۶۷ انتشارات نگار به شکل کاملاً تخصصی این رشته را دنبال کرد در حالی که انتشارات سروش تنها بخشی از فعالیت خود را به این زمینه اختصاص داد و امروز انتشارات زرین و سمین، گویا، میردشتی، کلهر، انجمن خوشنویسان و آتلیه هنر نیز به‌صورت تخصصی در زمینه چاپ نفیس کار می‌کنند و انتشاراتی‌های دیگری مثل بهار و سروش تقریباً در قالب زمینه عمومی به این نوع چاپ اشتغال دارند و تعدادی از هنرمندان مستقل نیز گاهآ چاپ‌های مستقل در این زمینه داشته‌اند.

و امروز افزایش ناشران تخصصی این زمینه، چه دیدگاه کلی را در این خصوص در میان همکارانتان بوجود آورده بوده؟
اتحادیه ناشران چه موضعی در این خصوص دارد؟

اتحادیه موضع خاصی در قبال هیچ‌یک از گروه‌های



● **داوودی پور: طبیعت و حقیقت جز زیبایی نیست و آنچه را ما به نام زشتی از آن یادی می‌کنیم عمدتاً مخلوق بشر است**

تخصصی ندارد و تلاش دارد همه را زیر چتر خود داشته باشد و نگاه یکسانی به همه داشته باشد. البته شخصاً راضی به نگاه یکسان نیستیم ولی به عنوان یک کار جمعی و صنفی از آنجا که فرهنگ ایرانی آملادگی پیش از این اصل را ندارد که مثلاً با مؤسسه‌ای که در پایت‌المعارفی را انجام می‌دهد مهربانه‌تر نگاه کند، این موضع قابل درک است. اتحادیه هنوز به آن مرحله نرسیده که با تفکیک با گروه‌های صنفی برخورد کند البته خوشبختانه ما در صنف تنها نیستیم. دوستان دیگری که به این رشته مشغولند درصد قابل توجهی از مشکلات ما را درک می‌کنند.

به دلیل نوع متفاوت کار شما که قطعاً نوع متفاوت افکار، چاپ و را می‌طلبد آیا دولت همان‌گونه که به دیگران ایزار مورد نیاز خودشان را می‌دهد، به شما نیز امکانات مورد نیازتان را می‌دهد؟
یا اصولاً نوعی در شما برای کمک از سوی دولت وجود دارد یا خیر و یا همه چیز در بازار کاری شما از قانون عرضه و تقاضای آزاد پیروی می‌کند؟

دولت از دید ما یعنی وزارت ارشاد که متولی صنف ماست و حداقل مثل بقیه اعضای صنف با ما رفتار کرده است که همین باعث تشکر است اما شخصاً می‌گویم مجموعاً در این ۱۵ سال، ده درصد از خواسته‌های ما از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برآورده نشده است و نگاه کلی وزارتخانه این بوده که ما بخشی از صنف هستیم که اصلاح‌سازری پای خودمان ایستاده‌ایم و خیلی برای ما دغدغه خاطر نداشته است. مثلاً نوع کاغذ و مقوای مورد نیاز ما را شاید دو سه سالی یک بار به ما داده و امکانات و کمک دیگری هم تاکنون نداشته است می‌توان گفت که ارشاد هم بیشترین هم و غمش مصروف ناشرانی است که کتاب‌های محتوایی مورد نیاز جامعه را چاپ می‌کند.

آیا شما این حق را به ارشاد می‌دهید که به دلیل ضرورت و

کنگاهای فراوان همان بخش، به آن ناشران بیشتر توجه شود؟
خیر به هیچ وجه. مگر یک پدر می‌تواند بگوید من به پسرمان به هیچ‌بدم سرمایه‌ها مایه بخران‌م، یا برعکس. وزارتخانه نیز متولی صنف نشر است و اگر بودجه و امکاناتی از طرف دولت در اختیارش گذاشته می‌شود برای همه اعضااست البته در دریا نیز عرض می‌کنم که لایم‌های مهم وجود دارد اما معانی آن این نیست که بر اساس یک پیش فرضی بگویید شماروی پای خودتان هستید یا کتاب‌های شما مورد نیاز جامعه نیست و با همین پیش داوری خودشان را از کتیدن باز مسؤلویت این گروه می‌رانند.

به نظر می‌رسد ارشاد یا سازمان‌های دیگر با خرید این کتاب‌ها در قالب هدایا و به مناسبت‌های مختلف کمک‌های غیر مستقیمی کرده باشند و سازمان‌های دیگری چون سازمان جهانگردی و ایرانگردی و حتی برخی آژانس‌های خصوصی توریستی این نوع را برآورده کرده باشند که دید کلی در انتشار این نوع کتاب‌ها نیز عرضه به توریست‌هاست.

هیچ‌گاه نه خریدبرای هدیه و نه خرید برای کتابخانه‌ها می‌نظر می‌رسد ارشاد یا سازمان‌های دیگر با خرید این کتاب‌ها در قالب هدایا و به مناسبت‌های مختلف کمک‌های نفیس سابقه نداشته است. در مورد سازمان‌های غیرمستقیم که به ارشاد یا سازمان‌های دیگر با خرید این کتاب‌ها در قالب هدایا و به مناسبت‌های مختلف کمک‌های نفیس سابقه نداشته است. در مورد سازمان‌های غیرمستقیم که به ارشاد یا سازمان‌های دیگر با خرید این کتاب‌ها در قالب هدایا و به مناسبت‌های مختلف کمک‌های نفیس سابقه نداشته است. در مورد سازمان‌های غیرمستقیم که به ارشاد یا سازمان‌های دیگر با خرید این کتاب‌ها در قالب هدایا و به مناسبت‌های مختلف کمک‌های نفیس سابقه نداشته است.

ما این وجود چاپ نفیس یا مقرن به صرفه است یا خیر و اگر خیر، به نظر نمی‌رسد ادما آن امکاناتپرو و توجه‌پذیر باشد؟
در اینجا دو مطلب مطرح می‌شود. اول حداقل استانداردی است که کتاب نفیس باید از آن برخوردار باشد که می‌توان گفت هنوز به شکل رسمی مشخص نشده است. یا این مقدمه اگر حداقل استاندارد در چاپ این کتاب‌ها رعایت شود در شرایط حاضر خیر، چاپ نفیس به هیچ و معیج مقرن به صرفه نیست و اگر برای برخی دوستان مقداری صرفه اقتصادی دارد به فاکتورهای متعددی از جمله پایین آوردن استاندارد چاپ و استاندارد محتوایی بسنگی داشته است. یعنی در این نوع کتاب‌ها داشته‌ایم که واردی که به دلیل عدم شناخت عمومی مثلاً عکس‌های کاشیکاری اضافه به جای کاشیکاری مشهد در کتاب‌ها چاپ شده یا ادبای اوقات عکس‌ها بدون شناسنامه هستند و موارد زیادی که در نهایت چاپ این کتاب را از زیان‌تر از استاندارد موجود موجب می‌شود. از طرف دیگر برخی کتاب‌ها با چاپ‌های متعدد سه یا چهار چاپ منتشر می‌شود همچنین اغلب ناشران نفیس بوستر و یا مجموعه‌های ۱۰ برگی، کارت پستال و غیره چاپ می‌کنند که در نهایت سود ناشی از آنها هزینه مربوط به برخی آثار دیگر را تعدیل می‌کنند البته این همه در مواجهه باخطر ابتز شدن کتاب‌ها ریسک بالایی می‌طلبد.

در مورد اخیر، آیا هیچ کارشناسی محتوایی از سوی هیأت علمی ناشران و باورزارت ارشاد پس از چاپ روی این کتاب‌ها انجام نمی‌شود؟

با توجه به هزینه‌های خرید، محتوا اغلب کتاب را به دلیل زیبایی آن می‌خرند تا آن را هدیه دهند و این اغلب شناخت چندان‌ی از مسائل هنری ندارند مگر گروه‌هایی که خود از کارشناسان و منتقدان و متخصصان این رشته هستند که البته تعداد آنها بسیار اندک است. در غیر این صورت کارشناسی خاصی روی آثار نمی‌شود مگر وسواس و کیفیتی که ناشر خود شخصاً آن را سرلوحه کار خود قرار داده است و نیاز در کدام‌یک از زمینه‌ها کارشناسی صورت می‌گیرد که حالا در بخش کتاب‌های نفیس انجام آوران تا هزینه کارشناسی در این نوع چاپ‌ها به کتاب‌های آوران برمی‌گردد که سازمان تبلیغات اسلامی صحت متن و کلیت را تأیید می‌کند اما زمینه‌های دیگری نه هیچ‌یک کالیتره نشده است و به هزینه آن را جایی متقبل می‌شود.

دیدگاه

سیدعلی کاشفی خوانساری

امان از این قراردادها!



این را که سیاست‌های کلی حاکم بر نشر کاملاً ناشرمحور است، همه می‌دانند. در چنین شرایطی طبیعی است که شرایط کم‌توجهی و اهمال حقوق مؤلف فراهم شود.

فکر می‌کنید قرارداد یک نویسنده حرفه‌ای چنددرصد باشد؟ چهارده یا حداقل دوازده درصد؟ دیگر پایین‌ترین حد آن ده درصد؟ باید بگویم در عرصه کتاب‌های کودک و نوجوان قراردادهای هفت درصدی و هشت درصدی هم فراوان‌اند!بازور نمی‌کنید باید بگویم بسیاری از قراردادهای آن هم قراردادهای ناشران بزرگ و معتبر - در حقیقت و عدلاً قراردادهای یک‌درصدی و دو درصدی است؛ و متأسفانه این رویه نادانانه به وضوح هرچه تمام‌تر دنبال می‌شود.

برخی ناشران دولتی و یا شبه دولتی که از امکانات توزیع وسیع و خریدهای دائمی و تضمین شده برخوردارند، با پرداخت مبلغی ظاهراً چشمگیر (مثلاً سیصد هزار تا یک میلیون تومان کتاب نویسنده‌گان را به صورت دائمی خریداری می‌کنند. آنگاه اگر به شمارگان ده هزارتایی تا سی هزارتایی برخی کتاب‌ها و چاپ‌های سه‌لیته آن توجه کنیم، در می‌یابیم که نویسنده در دریافت مبلغی حتی کمتر از یک درصد کتابش را ارگاکار کرده است. روشن است که صرف پذیرش نویسنده دلبلی بر عادلانه بودن این قراردادها نیست و لازم است که بین سود نویسنده و ناشر نسبی هر چند نابرابر وجود داشته باشد.

درنکات زیر اینجاست که برخی از این کتاب‌ها به عنوان کتاب سال برگزیده می‌شوند و عملاً باز هم برای ناشر تبلیغ می‌شود. کاش هنگام انتخاب آثار برتر جشنواره‌ها و یا خرید کتاب‌ها توسط ارشاد از ناشر می‌خواستند که قرارداد خود را با نویسنده ارائه دهد. کاش از ناشر می‌خواستند که از نویسنده تألیفیده دوباره‌ای مبنی بر پرداخت کامل و بی‌آزار حقوق دریافت کنند. کاش تشکل‌های صنفی قراردادهای زبده درصد را ممنوع اعلام می‌کردند و از اعضای خود می‌خواستند با ناشری که حتی یک‌بار حقوق نویسنده‌ای را تصفیح کرده قرارداد نیندند. کاش وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ناشری غیرمشفف را از برخی حمایت‌ها محروم می‌کرد. کاش…

پروپچه‌ها

نقد آثار نویسندگان

پروین سلاجقه مشغول نگارش کتاب‌های نقد زیبایی‌شناختی ادبیات کودک» و «روند اسطوره‌سازی در ادبیات کودک» می‌باشد. او همچنین مشغول طرح ریزی برای کتاب «سمبولیسم در ادبیات کودک، است و نیز نقد آثار نویسندگان و شاعران را در برنامه خود دارد. «صدای خط خوردن مشق» اولین کتاب از این مجموعه بود که به زندگی و نقد آثار هوشنگ مرادی کرمانی اختصاص داشت. آخرین کتاب سلاجقه «دنیای فشنگ پوپو» با تصویرگری آلن بابیش بتازگی در نشر شبایوز چاپ شده است.

پنج پری نیلوفر

چینتا پتری کتابی در زمینه افسانه‌های باستانی شفابخش از کشورهای چین و هند را با عنوان «پنج پری نیلوفری» ترجمه کرده که بزودی در انتشارات نامیار چاپ خواهد شد. این کتاب مانند «پی‌چینگ» در چین مورد توجه است. او همچنین مجموعه داستان «از عشق یگو» که دیدگاهها و جملات قصار کودکان جهان ۴ تا ۱۶ساله درباره عشق است را به صورت ترجمه و تألیف آماده چاپ دارد. این نویسنده، مترجم و ناشر کتاب «مروارید» با تصویرسازی طیفیما پتری، «فضه‌های جزیره ۴» و همچنین سومین شماره مجموعه «عشق سوم» را در مراحل چاپ دارد.

محمدرضا یوسفی متولد ۱۳۳۲ در همدان است تحصیلات متوسطه خود را در همان شهر گذراند و سپس در دانشگاه تهران در رشته کارشناسی تاریخ ادامه تحصیل داد. اولین کتاب او با نام «سال تحویل شد» در سال ۱۳۵۷ در چاپ رسید و تاکنون ۱۲۰ عنوان کتاب دیگر نیز از این نویسنده چاپ شده است. یوسفی مشغول نگارش چند کتاب می‌باشد. همچنین چندین کتاب در انتشارات شبایوز، به‌نشر و… زیر چاپ دارد. با وی به گفت‌وگو نشستم.

وضعیت ادبیات کودک و نوجوان ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در زمینه ادبیات خردسال هنوز در حال برداشتن قدم‌های اول هستیم. در سال‌های اخیر ادبیات کودک اقت داشته است که دلایل آن هجوم کتاب‌های بازاری و مشکلات نشر، چاپ و در واقع سرمایه‌گذاری در این زمینه است. ناشران خصوصی حلاق و فعال نیستند و ناشران بازاری کار را به دست گرفته‌اند. در مقابل، ناشران دولتی به جای الگوسازی به گونه‌ای با ناشران بازاری رقابت می‌کنند و ما شاهد این هستیم که تصاویر و متن‌ها سیر زوئلی واطمی می‌کنند.

اگر بخواهیم بین نویسندگان داخلی و خارجی در عرصه کودک و نوجوان، مقایسه‌ای داشته باشیم، به نظر شما آیا کتاب‌های خارجی با استقبال بیشتری روبه‌رو خواهند بود یا خیر به چه دلیل؟

به نظر من نمی‌توان نویسندگان دنیا را با هم مقایسه کرد. اما نویسندگان خارجی حداقل در کتاب‌سازی از امکانات خوبی برخوردارند. البته ما نویسندگان خلق بسیاری داریم که بعد از انقلاب بر تعداد آنها افزوده شده است. به دلایل مختلف و موانعی که در سر راه آنان

کتاب‌ها

سیده سبیه نعیمی

محمدرضا یوسفی نویسنده کودک و نوجوان:

فعالیت بخش خصوصی بسیار کم است



● یوسفی: در زمینه ادبیات خردسال هنوز در حال برداشتن قدم‌های اول هستیم

چگونه ارزیابی می‌کنید؟

صدا و سیما سرگرم کردن کودکان را بر عهده گرفته و متأسفانه برنامه‌هایی در این زمینه یعنی اینکه بچه‌ها بیفهمند چرا کتاب بخوانند، وجود ندارد و بچه‌ها به مقوله کتاب بیشتر به عنوان کتاب درسی نگاه می‌کنند و از آن واهمه دارند. صدا و سیما هم بسیار ضعیف عمل می‌کند، مطوعات هم محکومند که دولتی باشند. جای مطوعات آزاد کودک خالی است. سردبیران علاقه دارند که حلاق باشند اما به دلیل معیارهای گفته شده دستشان بسته است. نداشتن سرمایه‌عامل بزرگی است که موجب می‌شود تا مطوعات خصوصی نتوانند کار کنند ، وجود مطوعات خصوصی بسیار لازم و ضروری است. حتی در نقد ادبیات کودک نیز به مطوعات آزاد احتیاج داریم.

کتاب‌تک‌تک

هامون و دریا



هامون و دریا، عباس جهانگیریان، تضمین دانش، نوبت چاپ اول، ۱۳۸۱، ۶۲ صفحه، ۵۵۰۰ریال.

کتاب «هامون و دریا» از سری داستان‌های عاشقانه از نویسندگان معاصر است که برای گروه سنی نوجوانان با بیانی ساده و دلنشین نوشته شده است.

این داستان در «سرآباد» می‌گذرد و شرح عاشقی پسری است به اسم هامون که عاشق دخترعمویش دریاست. این دور برای رسیدن به یکدیگر سختی‌های بسیاری را تحمل می‌کنند تا سرانجام…

تجدید

آموزش نویسندگی

برای نوجوانان

خانه داستان در ترم تابستانی از میان علاقمندان نوجوان به هنر نویسندگی تعدادی هنرجو می‌پذیرد. در این ترم دوره‌های مختلف مهارت‌های نویسندگی، داستان‌نویسی و روزنامه‌نگاری با حضور نویسندگان باتجربه ادبیات کودک و نوجوان آموزش داده خواهد شد.

شیوه‌های آموزشی در این دوره ساده و کارگاهی خواهد بود. هنرجویان ضمن استفاده از کلاس‌های آموزشی از فعالیت‌های جنبی از جمله جلسات داستان‌خوانی، دیدار با نویسندگان و اردوهای فرهنگی بهره‌مند خواهند شد.

وجود دارد نتوانسته اند رشد کنند. یکی از این موانع تسلط ادبیات دولتی است. یعنی فعالیت بخش خصوصی بسیار کم است و نویسندگان مجبورند که بعضی چیزها را رعایت کنند. البته در سال‌های اخیر وضعیت بهتر شده اما در مجموع الان نویسندگان حالت انتقالی دارند یعنی در حال خارج شدن از یک فضای بسته ایدئولوژیک هستند و به من خودنزدیک می‌شوند. اغلب نویسندگان بر اساس پارامترهای موجود نوشتند. در چنین فضایی بعضی‌ها فراتر رفتند و بسیاری از کارها در سطح جهانی جایزه گرفتند.

البته بعضی از نویسندگان از مطبوعات آآمدند. بنابراین مشخصه‌های ادبی برای آنان مشخص نبود که این روند ژورنالیستی در حال طی شدن است و نویسندگان تفکری جدیدی را آغاز کرده اند و مابه‌طور قطع فرای بهتری خواهیم داشت.

در بسیاری موانع می‌بینیم که یک نویسنده قدیمی که آثار بسیار خوبی از او چاپ شده، در آثار جدیدش اقت کیفیت دارد، به نظر شما دلیل این امر چیست؟

اینکه یک نویسنده خودش را تک‌رازمی‌کند. ابعاد مختلفی دارد. یکی اینکه بر کار نویسنده امروز نقد علمی وجود ندارد. نویسنده یک شیوه نوشتن رایجی می‌گیرد و یک سبک را تجربه می‌کند و در آن توانایی به دست می‌آورد و در واقع تجربه نویسی می‌شود و آثارش به آنها می‌رسد.
عالم دیگر این است که محیط آنها را به تکاپو نمی‌اندازد. نقد شمشیر دم است. به وسیله نقد خوب می‌توان سره را از تار سه و تشخیص داد به طور مثال دوره طلایی ادبیات روس با وجود منتقدان شکل گرفته است. نقض صدا و سیما و مطبوعات را در ترویج کتابخوانی برای گروه سنی کودک و نوجوان

کتاب‌تک‌تک

بی‌خیال میرزا



شعرهای بی‌خیال میرزا، جلد اول، اسدالله شعبانی، روزی صادق، توکا، چاپ اول، ۱۳۸۱، ۲۴ صفحه، ۴۰۰ تومان.

پشت جلد کتاب بهترین معرفی برای کتاب آمده است:

«این مجموعه هدف‌های چندگانه‌ای را دنبال می‌کند از

جمله: آشنا کردن کودکان با زبان طنز، پرورش ذوق شاعری آنان با نکتیه و توجه به رابطه‌های آوایی کلام، بازی‌های لفظی و معنایی، برانگیختن حس کنجکاو و نکته‌بایی کودکان نسبت به دنیای پیرامون خود و مهمتر از همه فراهم کردن لحظه‌های شادی بخش و

یکی از همین روزها

خانم کوچولوی لجاز، راجر هارگریوز، مریم صالحی خانم کوچولوی حواس پرت، راجر هارگریوز، مریم صالحی

خانم کوچولوی بدقول، راجر هارگریوز، مریم صالحی خانم کوچولوی عاقل، راجر هارگریوز، مریم صالحی خانم کوچولوی دوقلو، راجر هارگریوز، مریم صالحی خانم کوچولوی بازیگوش، راجر هارگریوز، مریم صالحی.

نشر نخستین

مومیایی‌ها در صبح، مری پوپ آزرین، حوری عدل طباطبایی
دزدان دریایی در بعد از ظهر، مری پوپ آزرین، حوری عدل طباطبایی.

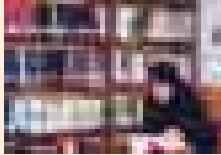
کتابخانه

شماره ۷۲، شنبه ۲۹ تیر ۱۳۸۱ ۱۵

گفت و گو با دو دانش آموز دبیرستان شهید لسانی

کتاب های غیر درسی واضطراب امتحانات

روزهای آخر سال تحصیلی (تابستان) بود که به دبیرستان شهید لسانی رتقم سکوت خاصی سراسر مدرسه را فرا گرفته بود و از همین سکوت می توانستی حدس بزنی که امتحانات آخر سال سخت دانش آموزان را درگیر خود کرده است. نزدیک تر شد، مهمه گنگ و مبهمی به گوشم رسید. نزدیک دفتر مدرسه شدم با مدیر مدرسه صحبت کردم و طبق قرار قبلی با دو تن از دانش آموزان کتابخوان مدرسه به گفت‌وگو نشستیم، سروینه حسین صراف دانش آموز سال سوم تجربی و مدینه نمودی دانش آموز کلاس دوم دبیرستان از بر و بچه های فعال و کتابخوان مدرسه لسانی هستند.



ترجیح می دهه کتاب های غیردرسی بخوانم
سروینه حسین صراف یکی از دانش آموزان فعال و کتابخوان مدرسه در گفت وگو با خبرنگار ما در خصوص موضوعات مورد علاقه اش در کتابخوانی می گوید: ترجیح می دهم بیشتر کتاب های غیردرسی بخوانم تا کتاب های درسی. خواندن کتاب های درسی و یا هر کتابی که جنبه تحمیلی و اجباری داشته باشد، به دل نمی نشیند و فرد فقط سعی می کند رفع تکلیف کند. مثلاً کتاب درسی را می خوانم تا در امتحان موفق شوم و در حقیقت اضطراب ناشی از امتحان پایان سال مانع یادگیری و درک کامل از موضوع کتاب می شود.وی در ادامه می گوید: من رمان می خوانم، مثل: سینوهه، شاهزاده خاتم محکوم، دالان بهشت، البته بیشتر رمان های ایرانی می خوانم چون احساس می کنم رمان های ایرانی بر مبنای فرهنگ جامعه فعلی نوشته شده و در نتیجه درک آن برای من راحت تر است. در حالی که آثار خارجی که به صورت ترجمه در اختیار مخاطبان قرار می گیرد، چندان جالب نیستند. البته شاید برای من این طور باشد.

وی به ویژگی یک رمان گرگوبده و مناسب اشاره کرد و می گوید: به نظر من زمانی خوب است که نویسنده توانسته باشد بسیاری از مسائل و مشکلاتی که افراد آن را تجربه کرده اند را در لابه لای مطالبش بگنجاند. یعنی پیام نو و جدیدی برای مخاطب داشته باشد.

وی در خاتمه می گوید: فرهنگ کتابخوانی در جامعه باید بیشتر گسترش پیدا کند و مسؤولان باید امکانات لازم را در اختیار مراکز آموزشی مثل کتابخانه های مدارس و... بگذارند تا افراد براحتی به آنها دسترسی پیدا کنند.

انتخاب موضوع دلخواه در روزنامه دیواری
مدینه نمودی دانش آموز سال دوم علوم انسانی است. وی علاوه بر کتابخوانی در زمینه روزنامه دیواری هم فعالیت جدی دارد. مدینه در این باره می گوید: روزنامه دیواری به صورت گروه های ۳ الی ۴ نفری انجام می شود و انتخاب موضوع به دلخواه است و برای روزنامه دیواری نمره ای در نظر گرفته شده و این نمره در واقع نوعی انگیزه و تشویق برای ما دانش آموزان است. وجود می آورد تاثیر و دقیق تر کارمان را انجام دهیم. وی به کتاب های موجود در کتابخانه مدرسه اشاره کرده و می گوید: معمولاً به کتابخانه مراجعه می کنم و بیشتر کتاب های داستانی در مورد نوجوانان را امتامت می گیرم و سعی می کنم روزی ۲ ساعت مطالعه کنم.وی در پایان گفت: فعالیت های مثل روزنامه دیواری در کنار درس مدرسه بسیار فعالیتی مثبت برای دانش آموزان است چرا که در کنار این نوع فعالیت هاست که نکاتی را یاد می گیریم و حتی تجربیاتی در زمینه موضوعات گوناگون کسب می کنیم.

نقد و نظر

مریم جباری

شیرین نعیم کتابدار مدرسه شهید لسانی:

جامعه ما بچه ها را کتاب گریز کرده است

روحیات بچه ها به دست بیابوریم، وقتی می گویم: «خترم یا پسرم این کتاب، کتاب مناسبی نیست»، باید جای این کتاب یک اثر خوب و مورد علاقه را به بچه معرفی کنیم؛ یعنی در مورد موضوعات کتابخوانی به بچه ها مشورت دهیم.
خودتان به عنوان کسی که ۲۰ سال در حوزه کتابداری فعالیت دارید آیا این کار را در مورد دانش آموزان مدرسه انجام می دهید؟

صد در صد. متأسفانه ما در جامعه خود بچه ها را کتاب گریز کرده ایم و این مسأله فقط به خاطر نگاه یک بعدی به قضیه است. وقتی به بچه می گویم مثلاً کتاب «فهیمة رحیمی مناسب سن شما نیست و نخوان!» باید کتاب دیگری را جایگزین آن کنیم. به نظر من قبل از راهنمایی بچه ها باید خودمان یک قدم جلوتر باشیم. یعنی نسبت به موضوعات کتاب آگاهی داشته باشیم.

از این تعداد ۴۵۰ نفر دانش آموز چند نفر عضو کتابخانه هستند؟

۲۰۰ نفر.

شرایط عضویت در کتابخانه چیست؟

شرایط عضویت اهدای یک جلد کتاب، یک قطعه عکس و پرداخت ۳۰۰ تومان پول است.

وضعیت مراجعه دانش آموزان به کتابخانه چگونه است؟



● قبل از راهنمایی بچه ها باید خودمان یک قدم جلوتر باشیم. یعنی نسبت به موضوعات کتاب آگاهی داشته باشیم

خیلی خوب است، حتی زنگ تفریح جای سوزن انداختن نیست ما یک سری مجلات و روزنامه های داریم که بچه ها بیشتر اوقات بیکاری آنها را مطالعه می کنند.

نوع نوج مجلانی؟

روزنامه همشهری و جام جم که بچه ها بخش حوادث و اجتماعی اش را زیاد می خوانند و مجلات بسیاری در کتابخانه موجود است مثل کانون خانواده، مجله فیلم، خبرسازان، رشد و تربیت جوان، سرش، گزارش فیلم، مجله سینما، زنان، زن روز، توالیشت و جوان.

بچه ها برای خواندن مجله و روزنامه باید عضو کتابخانه باشند؟

نه، به صورت آزاد بچه ها به کتابخانه مراجعه می کنند.

و این روزنامه ها و مجلات را می خوانند.

روزنامه ها و مجلات را چگونه تهیه می کنید؟

روزنامه ها را از طریق حق عضویت بچه ها در کتابخانه تهیه می کنیم اما مجلات را نمی خریم، ما به بچه ها اعلام کردیم اگر در منزلشان مجله ای را می خوانند و نیازی به آن ندارند به کتابخانه بیاورند تا بچه های دیگر هم از آن استفاده کنند و بچه ها مجالانی که در منزل دارند در هر هفته و هر ماه به کتابخانه می آورند و واقعاً بچه ها از مجلات استقبال می کنند.

چطور شد تصمیم گرفتید که مجلات متنوعی در کتابخانه عرضه کنید؟

نقد و نظر

مریم جباری

شیرین نعیم کتابدار مدرسه شهید لسانی:

جامعه ما بچه ها را کتاب گریز کرده است

فکر می کنم وجود روزنامه و مجلات بهانه خوبی باشد تا بتوان دانش آموزان را جذب کتابخانه کرد و کتابخانه را از فضای خشک و سردش درآورده، ما علاوه بر مجلات، فیلم های را در ساعات خاصی در کتابخانه به بچه ها نشان می دهیم مثل ده فرمان، سرگذشت حضرت موسی ...

چند جلد کتاب در کتابخانه موجود است؟

حدود ۶۵۰۰ جلد کتاب که شامل همه موضوعات علوم انسانی و علمی ... است.

بچه ها بیشتر از نوع کتاب های استقبال می کنند؟

رمان.

چه نوع رمان های در کتابخانه موجود است؟

کارتون کبیر، کباب پز، ابر باد رفته.

رمان های ایرانی چطور است؟

آثار ایرانی به آن صورت در کتابخانه موجود نیست، کتاب های مثل آثار خاتم سیمین دانشور، سوشون و جزیره سرگردانی در کتابخانه موجود است. بچه ها به خوبی از کتابخانه استقبال می کنند، البته برخی از مراجعات فضلی است یعنی مراجعه در زمینه ادبیات و رمان همیشگی است و فکر برای امانت گرفتن این کتاب ها بچه ها در نوبت قرار می گیرند و برخی هم فقط برای انجام کارهای تحقیقی به کتابخانه می آیند.

جریمه ای هم در قبال فرودادن کتاب در نظر گرفته اید؟
بله، معمولاً کتاب را تا یک هفته امانت می گیرند و

اگر بخوانند هم می توانند ۲ هفته تمدید کنند. در صورتی که در تحویل دهند شبی ۱۰ تومان جریمه باید پرداخت کنند.

بچه ها وقتی برای کارهای تحقیقی به کتابخانه مراجعه می کنند واقعاً کتاب را مطالعه می کنند یا برای رفع تکلیف این کار انجام می دهند؟

قبلاً بچه ها کارهای تحقیقی را به صورت ذوقی انجام می دادند، ولی الان به خاطر حجم زیاد کتاب های درسی، بیشتر برای رفع تکلیف کار تحقیقی انجام می دهند. تا تحقیقات برگزیده ای از سال های گذشته در کتابخانه داریم وقتی بچه ها به من مراجعه می کنند و کار تحققی را می خوانند می بینیم که برخی از تحقیق های سال گذشته کبی می کنند. متأسفانه همانطوری که گفتیم حجم کارهای تحقیقاتی زیاد است، در ریاضی و جغرافیا و تاریخ و... به بچه ها کار تحقیقی می دهند و آنها به خاطر سرشکن کردن نمره سالانه سعی می کنند که فقط کاغذ سیاه کنند.

نمایشگاه کتاب سالانه برگزار می کنید؟

بله. هر سال نمایشگاه کتاب دایر می کنیم ولی کتاب ها را خود اداره به ما می دهد و متأسفانه بچه ها از عنوانیون استقبال نمی کنند و ما خودمان یکسری از کتاب ها را از انتشارات مدرسه می گیریم و سعی می کنیم کتاب های ا را تهیه کنیم که مورد علاقه بچه ها باشد البته در کنار کتاب، تقویم و سالنامه جدید و کارت پستال و دعاها ی پرس شده را عرضه می کنیم و این کار باعث جذب بچه ها به نمایشگاه می شود. فکر می کنم باید هر کاری را برای جذب بیشتر بچه ها به کتابخانه انجام داد.

شما خودتان چه کارهایی برای جذب بچه ها به کتابخانه انجام می دهید؟

چون فکر می کنم بچه ای که ۲ ساعت سر کلاس بوده، ذهنش خسته است زنگ تفریح برای بچه ها جذاب و هیجان انگیز است و ما خودمان یکسری از کتاب ها را از انتشارات مدرسه می گیریم و سعی می کنیم بچه ها را تا تهیه کنیم که مورد علاقه بچه ها باشد. البته نمره نمی پوشم از لباس های رنگ و روشن استفاده می کنم چون روی بچه ها تأثیر مطلوبی می گذارد. من به خاطر علاقه زیاد به شغل سعی می کنم رانظمام با بچه ها، رابطه ای دوستانه و صمیمی باشد.

از مشکلات کارتان بگویید؟

یکی از مشکلات خیلی جدی در این حرفه این است که متأسفانه کار کتابداری کاری اداری است نه آموزشی و حقوق بسیار پایانی دارد.

یادداشت عکاسان جنگ

در جنگ تحمیلی، ملت ایران به دفاع همه‌جانبه از مبهن اسلامی برخاست. تک‌تک افراد جامعه، از زن و مرد و پیرمرد و جوان و حتی کودکان، در مقاومت و پیروزی جنگ تحمیلی نقش داشتند. در این میان، عکاسان نیز بنا به احساس وظیفه مشغول ثبت صحنه‌های مختلف این مقاومت شدند. با طولانی شدن جنگ و گسترده‌گی جغرافیایی آن، عکاسی عده زیادی را به خود جذب کرد. این عکاسان جوان، به مرور زمان، مهارت‌های بی‌شماری را کسب کردند. به اعتقاد کارشناسان، بسیاری از عکس‌های جنگ تحمیلی، قابل قیاس با عکس‌های ماندگار جنگ، در جهان هستند.

بخشی از حاصل تلاش عکاسان جنگ در مطبوعات و کتاب‌ها منتشر شد. این کتاب‌ها در حال حاضر نایاب بوده و در دسترس عموم قرار ندارند؛ به طوری که در بعضی از کتابخانه‌های مهم، جای خالی این کتاب‌ها به چشم می‌خورد. هیچ مرجعی‌آزم یا بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس و سایر انتشارات چندان رغبتی به تجدید چاپ آنها از خود نشان نمی‌دهد و این در حالی است که هنوز دربارهٔ جنگ «هویتنام» مجموعه عکس‌هایم در دنیا منتشر می‌شود! اکنون ضروری است با نگاهی دوباره به عکس‌های جنگ، آنها را انتخاب کرده، مجموعه عکس‌های بسیاری از جنگ وجود دارد که تا به حال فرصت چاپ آنها فراهم نشده و هنوز به صورت تکاپو و ورقه‌های کنکات باقی مانده‌اند!

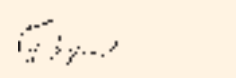
ایجاد زمینه و فراهم ساختن امکانات مناسب برای چاپ کتاب‌های جدید عکاسی جنگ از سوی سازمان‌های مسؤول، کام مهمی در جهت اعتلای هنر عکاسی و حفظ اسناد و ارزش‌های جنگ تحمیلی خواهد بود.

به اعتقاد صاحب نظران، عکاسی ایران در دوران جنگ، رشد بسزایی داشته است و عکاسان نیز، تجربیات فراوانی کسب کردند. طبیعی است تجربیات گرانبهای عکاسان جنگ، در آینده راهگشای محققان و عکاسان جوان خواهد بود.

با خاموشی شعله‌های جنگ، عکاسان جنگ پراکنده شدند. بسیاری از آنها با بی‌مهری مسؤولان خود رویه رو شدند و دیگر عکاسی نمی‌کنند. آنها به اجبار، برای تأمین مخارج زندگی به کارهای دیگر تن داده‌اند. لزوم تأسیس یک شکل منسجم و منظم تحت عنوان: «انجمن عکاسان جنگ» یا «انجمن عکاسی جنگ» ضروری به نظر می‌رسد. این انجمن، وظایف سنگینی از جمله، حفاظت از حقوق عکاسان، انتشار مجموعه عکس‌های جدید از جنگ، انتشار تجربیات و خاطرات عکاسان جنگ، اعزام عکاسان به کشورهای دیگر، یوزه کشورهای اسلامی و… را می‌تواند بر عهده بگیرد. مسأله بسیار مهم دیگر، حفظ و نگهداری نگاتیوهای جنگ است. فنگل از این موضوع، حسرت جبران‌ناپذیری به دنبال خواهد داشت. چنانچه مسؤولان هم اکنون اقدام عاجلی برای تأسیس بانک عکس جنگ نکنند، به‌طور حتم طرف سال‌های آتی، از انبوه عکس‌های جنگ، جز تعداد اندکی باقی نخواهد ماند. ارزشیو عکس بسیاری از سازمان‌ها و نهادها غیر استاندارد است. این اسناد با ارزش، با ابتدایی‌ترین وسایل و امکانات نگهداری می‌شوند. هم‌اکنون بسیاری از نگاتیوها مفقود شده و بسیاری از آنها در معرض نابودی‌اند. همچنین این عکس‌ها فاقد اطلاعاتی نظیر: عکاس، زمان و مکان هستند.

عکاسان ایرانی، مانند سایر اقشار مردم جانفشانی کردند. در جنگ تحمیلی، بسیاری از عکاسان به شهادت رسیدند یا مجروح شده‌اند. بعد از پایان جنگ انتظار می‌رفت که از عکاسان جنگ به نحو شایسته‌ای تقدیر شود. لازم به ذکر است که در جنگ جهانی دوم، یانصد هزارمرد روسی به دریافت نشان سرافراز شدند یا در فرمان‌ها رسماً تشویق گردیدند. ده نفر نیز به دریافت عنوان قهرمان اتحاد شوروی نایل آمدند.

شایسته است از هنرمندان جنگ، خصوصاً عکاسان، تجلیلی در خور صورت پذیرد. در بیان، یاد و خاطره شهیدای عکاس جنگ را گرمی داشته، آزادی عکاس اسیر «کاظم اخوان» را از درگاه خداوند مسئلت دام.



آخرین تصویر

سعید جان‌بزرگی آخرین تصویر را از خود به یادگار گذاشت. و این آخرین تصویر همان بود که همه باور داشتند. همان بود که همه می‌دانستند. سعید از پس تصویر کردنش به خوبی برخواهد آمد. سعید ثابت کرده بود که هنرمند است و همه می‌دانستند که او مرد خداست. سعید هنر مردان خدا را با خود داشت و حالا هم هنرمندانه بهشت را به تصویر کشید. آن طور که شایسته او بود حالا سعید جان‌بزرگی راه آسمان را در پیش گرفته است. **بیشتر کسانی که او را می‌شناسند از روی تصاویر جنگ است که نام او را به یاد می‌آورند. عده کمی هستند که بدانند سعید جان‌بزرگی کاریکاتورهایی هم از جنگ دارد. شاید خیلی از کسانی که دو کوهه را دیده‌اند هیچ‌گاه ندانند که نقاش دیوارهای این یادگان اکنون شهید شده است.**

گفت وگو با احسان رجبی (عکاس جنگ و عضو گروه روایت فتح)

تا ببینیم چه می‌شود

ایمان رجبی و سعید جان‌بزرگی هنوز سن و سالی نداشتند که با هم رفیق شدند. احسان ۱۷ساله بود و سعید ۱۸ساله و بعد از آن سعید نسبی از عمرش را با احسان گذراند.

شاید احسان بود که سعید را در دوکوهه دید. خودش می‌گوید: «سعید را با چند قلم‌مو و چند قوطی رنگ در حال نقاشی دیواری در دوکوهه دیدم. چند باری رفتم و آدمم اما نگاهم به سعید بود. بالاخره بهانه‌ای پیدا کردم و به سراغش رفتم.» و همین شد که یک دوستی ۱۸ساله شکل گرفت و شاید روزگار فرصت نداد که این واقعت پیرتر از این شود.

شاید احسان بود که سعید را در دوکوهه دید. خودش می‌گوید: «سعید را با چند قلم‌مو و چند قوطی رنگ در حال نقاشی دیواری در دوکوهه دیدم. چند باری رفتم و آدمم اما نگاهم به سعید بود. بالاخره بهانه‌ای پیدا کردم و به سراغش رفتم.» و همین شد که یک دوستی ۱۸ساله شکل گرفت و شاید روزگار فرصت نداد که این واقعت پیرتر از این شود.

چرا عکس‌های جنگ آقای جان‌بزرگی هنوز به صورت کتاب مستقلی منتشر نشده است؟

شاید به دلیل تواضع خودش. در هر صورت سه تا کتاب آماده چاپ دارد. یکی «طواف چشم» که مجموعه عکس‌های مکّه و مدینه است و توسط نشر اشعر«منتشر خواهد شد. دیگری عکس‌های تقصص است که روایت فتح قول چاپ آن را داده است.



چرا عکس‌های جنگ آقای جان‌بزرگی هنوز به صورت کتاب مستقلی منتشر نشده است؟
شاید به دلیل تواضع خودش. در هر صورت سه تا کتاب آماده چاپ دارد. یکی «طواف چشم» که مجموعه عکس‌های مکّه و مدینه است و توسط نشر اشعر«منتشر خواهد شد. دیگری عکس‌های تقصص است که روایت فتح قول چاپ آن را داده است.

جنگ تحمیلی (دفاع در برابر تجاوز)

ناشر: معاونت فرهنگی و تبلیغات ستاد فرماندهی کل قوا، چاپ اول، ۱۳۶۸.
مجموعهٔ ۶جلدی جنگ تحمیلی، گزارش تصویری جنگ از روزهای آغازین تجاوز تا زمان برقراری صلح است. عکس‌های سعید جان‌بزرگی هم در کنار بسیاری از عکاسان جنگ در این مجموعه جای گرفته است.

یکی از عکس‌های سعید جان‌بزرگی که مربوط به بیماران شیمیایی حلبچه است و تنها در این مجموعه منتشر شده، عکس بسیار دردناکی است که عمق فاجعه را بخوبی نشان می‌دهد. در این تصویر در نیمه‌باز خانه‌ای دیده می‌شود و کودکی که هنگام بیرون آمدن فرصت رسیدن به مادر و برادر و خواهرش را نیز نیافته است.

حلبچه (بهار ۱۳۶۷)

مجموعه عکس‌هایی از: سعید جان‌بزرگی، سعید صادقی، علی فردونی، ساسان مؤیدی و احمد ناطقی، ناشر: سروش، چاپ اول، ۱۳۶۸، ۸۲صفحه، بهار، ۱۵۷۰ریال.
سعید جان‌بزرگی در کتاب حلبچه ۶قطعه عکس دارد. اگر این عکس‌ها در کنار هم قرار بگیرند می‌توان از میان آنها دیدگاه سعید را دربارهٔ حادثه حلبچه دریافت.

مجموعه عکس‌های او با معرفی شدن حلبچه آغاز می‌شود. سپس تعریفی از ابعاد حادثه و عمق فاجعه انسانی نمایانده می‌شود و در آخر زحمات نیروهای سیه در خارج کردن مردم بی‌دفاع و مبارزه با آتار بیماران شیمیایی نشان داده شده است.



گفت وگو با احسان رجبی (عکاس جنگ و عضو گروه روایت فتح)

که در پاسخ به سؤال شما بیشتر از این حرف بزنم. **رابطه آقا سعید با دیگران هم فکر می‌کنم چالب توجه است.** سعید اخلاق بسیار خوبی داشت و همین باعث می‌شد که با همه رفیق شود. شاید به این دلیل که کمتر از خودش حرف می‌زد. بیشتر ساکت بود و حرف دیگران را می‌شنید. او مجموع عکس‌هایی که با او آشنا بودند کمتر کسی می‌دانست که او چایبان است.

در این روزها احتمالاً خیلی وعده‌ها برای انتشار آثار به جامانده از سعید جان‌بزرگی داده می‌شود. آیا امیدی به کار ماندگار وجود دارد؟ اجازه بدهید از اینجا شروع کنم که هر چه از جنگ مانده از مجاهدت‌های فردی چندی هم مانده است. حالا هم باید به همین مجاهدت‌ها امید داشت. پس، البته از مدتی قبل بحث انتشار آثار سعید جان‌بزرگی در انتشارات روایت فتح مطرح شده بود و بنده و آقای عظیم‌آیان مأمور انجام این کار شدیم. البته متأسفانه با شدت گرفتن بیماری آقای جان‌بزرگی این بحث متوقف شد. در روایت فتح ما موضوع را با تمام ابعادش دیدیم. مثلاً سعید و کاریکاتوره‌های جنگش، سعید و نقاشی‌های دیواری‌اش، سعید و عکس‌های جنگش، سعید و عکس‌های تقصص، سعید و عکس‌های جهش و…

دیگران هم در این ایام قول‌هایی داده‌اند تا ببینیم از اینکه در این روزها فرصتان را به ما دادید سپاسگزارم. چه می‌شود.

Regards Persans

نگاه ایرانی، انقلاب در عکس)
ناشر: موزه (پاریس)، چاپ اول، ۱۳۰۱، ۱۷۳صفحه.
در این کتاب که مجموعه عکس‌های نمایشگاه نگاه ایرانی است نام «احسان یافته شده» برای عکس‌های سعید جان‌بزرگی

انتخاب شده است و در توصیف آن آمده است که این عکس‌ها غم‌گینانه پس از جنگ گرفته شده‌اند و یکی از عکس‌ها نماد و نتیجه جنگ معرفی شده است. نویسنده این عکس‌ها را حاصل سفر ۶۰روزه جان‌بزرگی به همراه گروه تقصص دانسته و در توصیف تقصص تنها به ذکر این نکته اکتفا کرده است که یافتن این احسان جزئیات زیادی دارد و منعکس‌کننده مراحل جنگ است.

سالنامه ۱۳۸۱

سعید جان‌بزرگی در این سال‌ها یادم‌ان شهدای لشکر ۲۷

محمد رسول‌الله (ص) را همی‌ا می‌کرد.

در سالنامه ۱۳۸۱ تعداد زیادی از عکس‌های جنگ به همراه خاطرات زرمندان و اشعاری از حافظ کریشی شده‌اند. تقدیم سعید به نماز اول وقت در این سالنامه نمود می‌یابد. «حی علی الصلوة» جمله‌ای است که ساعت مربوط به نماز جاگزین عدد و رقم می‌شود. در این سالنامه زمان شهادت و ولادت شهدای لشکر مشخص شده است. همچنین مناسبت‌های خاص مذهبی مانند مراحل سفر کاروان کربلا در سال ۶۱ هجری قمری، دقیق این سالنامه بیشتر از آن است که در چند خط با چند صفحه بگنجد.

تاریخچه

شماره ۷۲، شنبه ۲۹ تیر ۱۳۸۱ ۱۷



فرانک آرتا

پای حرف های فرهاد آئیش، **بازیگر و کارگردان تئاتر**

مطالعه برای نقش ها

فرهاد آئیش یکی از بازیگران و کارگردانان مستعد تئاتر کنونی کشور است و در اغلب آثارش لحظات ناب طنزگونه موج می زند. آئیش در گفت وگویی پیش رو در نهایت صداقت همراه با ظرافت‌های کلامی طنزگونه که فقط مختص اوست، بسیار جدی به پرسش‌های مطرح شده پاسخ داد:

پس وقتی که کتاب‌های مختلفی می‌خوانید، چگونه

در درونم شما نضج پیدا می‌کنند و بعد تبدیل به اندیشه‌اتان می‌شود؟
خوب، مطمئناً ایدئولوژیک فکر نمی‌کنم و همیشه سعی می‌کنم با مفاهیمی که از طریق خواندن و شنیدن آشنا می‌شوم، به آن تکیه نکنم، فقط سعی می‌کنم مثل اسفنج همه چیز را با توجه به

پس زمینه‌ای که دارم، جذب کنم ولی نمی‌خواهم گولش را بخورم...
یعنی وقتی در مقابل اندیشه جدیدی قرار می‌گیرید سعی می‌کنید همچون سد سکندری باشید تا در مقابلش قرار بگیرید و جذبش نشوید؟

اتفاقاً برعکس، سعی می‌کنم بدون قضاوت جذبش کنم و هر چیزی که هست درونش موج بزنم، به همین دلیل در این دو - سه سال اخیر محتاطتر شده‌ام...
در چه زمینه‌ای؟

در زمینه خواندن، در نتیجه می‌خواهم چیزی را بخوانم که در آن لحظه به آن احتیاج داشته باشم و نمی‌خواهم فقط اثباتات اطلاعات کنم تا تبدیل به کتابخانه‌ای شوم، پر از کتاب‌های به ظاهر خواننده شده ولی جذب نشده... پس اگر دوباره حرفم را تکرار کنم، لب مطلب این است که دلم می‌خواهد بدون قضاوت مفاهیم را جذب کنم و به خود اجازه بدهم آن مفاهیم در درونم با هم ترکیب شوند و اگر استنتاجی به وجود می‌آید، آن استنتاج درونی باشد و منحصر به فکر نباشد، بلکه نظام وجودی‌ام آن را ترکیب کند. به همین دلیل گه گاهی در آن مفاهیمی که می‌شناسم، گمگشته پرسه می‌زنم و گاه «مفاهیم» در درونم گمگشته و بدون نظم پرسه می‌زنم و در این پرسه‌های نامنظم شروع به ترکیب شدن می‌کنند که آن ضمیر ناخودآگاه، هویت و درونم است که اینها را هدایت می‌کند و در نهایت تبدیل به «نگاه» می‌شود؛ نگاه‌کی که فقط متعلق به من است.
مسئله از هر اندیشه‌ای؟

بله، ولی در عین حال پیچیده نیست، البته من ادعای تفکر ندارم، بلکه تفکر وسیله‌ای است در زندگی‌ام برای رسیدن به خودم و نزدیک تر شدن به هستی، دانش هم برابم سرمایه نیست که با آن بخوانم

کتاب

کلید شیشه‌ای
دانشیل همت، پرویز نصیری، انتشارات روزنه کار، ۳۳۰ نسخه، چاپ اول، ۱۳۸۱، ۱۶۰۰ تومان

ساموئل دانشیل همت که امروزه به عنوان پدر رمان سیاه می‌شناسند، آثار ارزنده‌ای را به رشته نگارش درآورده است. پنج رمان شاخص همت بخصوص «شاهین مالت» و کلید شیشه‌ای از شهرت جهانی برخوردار هستند و تأثیر زیادی روی نویسندگان آثار پلیسی و جنایی گذاشته‌اند. در دهه ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ فیلم‌های متعددی بر اساس آثار او ساخته شد و شاهین مالت (۱۹۴۱) شاهکار جان هیوستن سومین فیلمی بود که بر اساس این کتاب همت روی پرده آمد.

آرسنیک و تور کهنه

آرسنیک و تور کهنه «نمایشنامه در سه پرده»، جوزف کسلرینگ، مترجم کامبیز کاچه، انتشارات روزنه کار، ۳۳۰ نسخه، چاپ اول، ۱۳۸۱، ۷۰۰ تومان.
نمایشنامه «آرسنیک و تور کهنه» از زمان اولین اجرای خود در ۱۹۲۱، یکی از کمدی‌های موفق و شناخته شده برودوی بوده است. «آرسنیک...» قطعه‌ای است کلاسیک در وصف چیرگی جنون بر عقل. به پادماندن شدن «آرسنیک...» گذشته از اجراهای متعدد آن در طول سال‌ها به دلیل اقتباس سینمایی است که فرانک کاپرا ساخته است.



اگر کتابی جدید درباره تئاتر باشد می‌خوانم، مثلاً نمایشنامه که معمولاً دید خریدارانه به آن نگاه می‌کنم که آیا می‌توانم از آن استفاده کنم یا نه!اینکه یک نمایشی را تمرین می‌کنم و به یاد نمایش دیگری می‌افتم و یک ترفندی را به یاد می‌آورم و بعد به آن کتاب رجوع می‌کنم، منتها در یکی - دو سال گذشته بیشتر به مفاهیم عرفانی علاقمند شدم. نه به دلیل کلیشه‌ای و سنتی بودن آن، بلکه بیشتر برای رسیدن به تکنیک در کارهایم. در واقع به این نتیجه رسیدم که هنرمند برای رسیدن به یک زبان نو باید مسیر عرفانی و معنوی را طی کند و برایم خیلی جالب بود که به عنوان یک نویسنده و بازیگر براحتی می‌توانستم از هفت وادی عطار نشناخوری برای رسیدن به نقش بهره بگیرم و با گاهی اوقات هم در یک نمایش بازی کنم. وقتی با یک مشکل برخورد می‌کنم، فال حافظ می‌گیرم.

آیا «نخواستن» هم شما ناشی از حس شصامت و با اینکه توجیه عقلی دارید؟

تقریباً می‌شود گفت که توجیه عقلی ندارم!خیلی حساس است و در عین حال به یک نوع انزهاب مربوط می‌شود.

چه کتاب‌ها دارید؟

شاید یکی ترس اگزیستانسیالیسمی است که تاکی زنده‌ام یعنی فقط همیشه باید جذب کنم یا پس هم بدهم!اگر بخوانم پس بدهم چگونه پس می‌دهم؟ این یک التهایی رادر من به وجود می‌آورد و از طریق آن می‌فهمم که نمی‌توانم کتاب بخوانم! و گاهی اوقات هم دچار شغف می‌شوم و در همین لحظات می‌فهمم که می‌خواهم کتاب بخوانم و در آن صورت نمی‌توانم کتاب را کنار بگذارم و در واقع می‌خواهم آن را بخوانم!

شما گفتید که در پس ذهنم اندیشه‌هاییان پرسه می‌زنند. برایم جالب است تا بدانم چگونه این اندیشه‌های نامنظم نظم می‌دهد و بعد روی کاغذ می‌آورد؟
همان طور که گفتیم آن یک مرحله معنوی و خودشناسی است و بیشتر در آن سیال هستیم. به همین دلیل از واژه «گمگشته» استفاده کنم. منتها «گمگشته» یک مقدار بیار منفی دارد و سیال بودن با مثبت ولی چون می‌خواهم از شمار دادن پرهیز کنم، کلمه «گمگشته» را به کار بردم.

جالب اینکه این هم یک روش برای مطالعه کردن است!

خوب، باید بگویم که این مقوله را تجویز نمی‌کنم. چون این مشخصه من است و نباید تبدیل به قاعده شود، چون در خیلی موارد این روش درست نیست مثل کار یک منتقد یا پژوهشگر و آنها روش دیگری را نیاز دارند. بنابراین بی‌روشی من نمی‌تواند برای هر کسی تبدیل به یک روش شود.

تا به حال چند اثر از شما به چاپ رسیده است؟
یک کتاب که چهار نمایشنامه را در بر می‌گیرد با عنوان‌های «تق عبیر» و «سمی و دو دقیقه از یک ماجرا» «یک رابطه ساده» و «زن در خانه».

قصد چاپ بقیه کارهایتان را ندارید؟

عجله زیادی برای چاپ کارهایم ندارم!به خاطر اینکه نمایشنامه‌هایم طبیعی دارد که برای خواندن نیست و بیشتر به درد اجرا می‌خورد و اگر هم چاپ می‌کنم به دلیل مشخصی است یعنی اگر کارگردانی اجرای آن را دادی، بخواد به متن مکتوب آن هم نگاه کنی بیندازد. به هر حال نوشته‌هایم در یک پاکت وجود دارد. هر وقت نیاز پیدا کردم آن را چاپ می‌کنم و اگر هم روزی بعیرم، اگر کسی نیاز داشته باشد، سرافش می‌رود و آنها را چاپ می‌کند.

آقای آئیش، معمولاً با چه انگیزه‌ای دست به قلم می‌برید؟

اگر بخوانم شعار بدهم و خودم را توجیه کنم،

می‌توانم مدت طولانی در این باره صحبت کنم!اما دلم می‌خواهد صادقانه آن حس را که در درونم وجود دارد بیان کنم. براسنی نمی‌دانم باچه انگیزه‌ای دست به نگارش می‌زنم. خیلی وقت‌ها وقتی کاری ارائه می‌کنم که ابعاد فرهنگی - اجتماعی دارد و می‌تواند مورد توجه و حتی استفاده مخاطبان قرار گیرد، اما وقتی از خود می‌پرسم که آیا این می‌تواند انگیزه‌ای برای کار نگارش باشد، به پاسخ قطعی سمت نمی‌یابم. شما واژه «انگیزه» را به کار بردید و در این حالت به لایه‌های زیرین ناخودآگاهم مراجعه می‌کنم ولی در نهایت به این نتیجه می‌رسم که اسمش «انگیزه» نیست، بلکه بیشتر یک کمبود است و بیشتر یک نیاز...

در واقع «نگارش» کاری است که بر من وارد می‌شود که در آن صورت حق انتخاب دیگری ندارم!

وقتی حس یا تصویری به ذهنم می‌آید نمی‌توانم از آن دوری کنم و اجیرش می‌شوم. به همین دلیل نمی‌توانم به طور مشخص پاسخ شما را بدهم که با چه انگیزه‌ای می‌نویسم.

آیا درباره این «نیاز» درونی فکر کرده‌ که از کجاشأت می‌گیرد؟

فکر می‌کنم. احتمالاً به دوران کودکی‌ام

بر می‌گردد. این حرف را از این نظر می‌گویم چون در یک دوره‌ای تحت تأثیر روانشناسانی همچون فروید بودم و شاید بخش دیگر آن به این مربوط می‌شود که انسان در زندگی می‌خواهد ابراز وجود کند و وجود داشته باشد و یا حتی - بر روی کلمه «حتی» تأکید می‌کنم - امرار معاش کند.

در روی گره زمین هر انسانی شغلی را در نظر می‌گیرد حالا برخی از آنها باعلاقه به طرف کارشان نمی‌روند و محکوم به آن کار هستند ولی آنهایی که با علاقه شغل خود را انتخاب می‌کنند، به نظر من هیچ کدامشان نمی‌دانند چرا این کار را می‌کنند. من هم همین طور. من هم نمی‌دانم.

چقدر تحت تأثیر اندیشه‌های فروید هستید و فروید چگونه برای شما تأثیر گذاشته است؟

منظورم از آن پاسخ این نبود که خیلی تحت تأثیرش قرار گرفتم، منتها چون با روانشناسی از طریق آثار فروید آشنا شدم و در واقع کاتال آشنایی‌ام با روانشناسی از طریق فروید بود و از سوی دیگری یکی از کلیشه‌ترین بحث‌های روانشناسی این است که «همه چیز به دوران کودکی مربوط می‌شود». به همین دلیل نام «فروید» را آوردم.منظور خاصی نداشتم. در دوران کودکی بیشتر کتاب می‌خواندید و یا می‌نوشتید؟

بیشتر می‌خواندم...

در چه سن و سالی؟

ده سالم بود که کتاب قصه «بیزن و منیزه» را خواندم و همین طور پیش رفتم. در یک مقطعی کتاب‌های داستانی، تئاتر و بعد هم به سمت کتاب‌هایی کشیده شدم که بیشتر «مفاهیم» در آن موج می‌زد تا قصه و داستان...

مثلاً چه کتاب‌هایی؟

کتاب‌های فلسفی، اجتماعی، سیاسی.

می‌توانید به طور مشخص عنوان کتابی را بگویید؟

نه!ترجیح می‌دهم اصلاً به آن تکیه نکنم!به این دلیل که در زندگی‌ام جایگاهی نیست که بخوانم آن را تعیین بکنم. یعنی چیزی نیست که بخوانم به وسیله آن خودم را بشناسم، یا بشناسانم.

تازه های دنیای دین

آشنایی با محمد مبارک پژوهشگر ادبیات، قرآنپژوه، مصحح و گردآورنده ترجمه ابوالفتوح رازی از روض الجنان و روح الجنان

گهترین ترجمه شیعی قرآن

رساله کارشناسی ارشد مراکه کتاب شده بود، یکی از دانشجویان دکترا به عنوان رساله خود رونویسی کرد و ۲۰ گرفت. نمره من در کارشناسی ارشد برای این اثر ۱۸ بود



Islam in a Nutshell
اسلام در کتابی کوچک
نویسنه آماندا روراباک Amanda Roraback، ۲۲ صفحه، ناشر: Enisen Publishing، آوریل ۲۰۰۲، بها، ۵۹۵ دلار.



The Next Christendom: The Coming of Global Christianity
قلمرو آینده مسیحیت: آینده مسیحیت جهانی
نویسنه فیلیپ جنکینز Philip Jenkins، ۳۴۰ صفحه، ناشر: Oxford Univ. Pr، مارس ۲۰۰۲، بها، ۲۸ دلار.

The Next Christendom: The Coming of Global Christianity
قلمرو آینده مسیحیت: آینده مسیحیت جهانی
نویسنه فیلیپ جنکینز Philip Jenkins، ۳۴۰ صفحه، ناشر: Oxford Univ. Pr، مارس ۲۰۰۲، بها، ۲۸ دلار.

نویسنه فیلیپ جنکینز Philip Jenkins، ۳۴۰ صفحه، ناشر: Oxford Univ. Pr، مارس ۲۰۰۲، بها، ۲۸ دلار.
ذهنیت غربی به دشواری می تواند گسترش انفجار آمیز مسیحیت در آفریقا، آسیا و آمریکای جنوبی را که هم اکنون پدیده آمده است، پیشبرد، با وجود قدرت و نفوذ سیاسی مسیحیت، حتی جهانی شدن این آیین نیز چنان که باید برای غربیان مفهوم نشده است.

این کتاب نخستین اثر در زمینه ظهور جهانی مسیحیت است که می تواند با بیان معیارها و نوین، چهره ایمان مسیحی را درگون سازد.

کتاب

رفقار با افراد جامعه اسلامی
اخلاق اسلامی در برخورد با مراجعین، تنظیم سید مهدی شمس الدین، چاپ اول، قطع رقعی، ۷۲ صفحه، ۳۰۰۰ نسخه، انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۸۰، بها، ۳۰۰ تومان
این کتاب مجموعه ای است از آیات و روایات در فضیلت مؤمنان و حسابیتها و ویژگیهای رفتار با آنان. کتاب با مقدمه ای درباره ضرورتها و چارچوبهای رفتار با مؤمنان آغاز می شود و در ۸ فصل به شناخت مؤمن، ویژگیهای مؤمن، مقام و منزلت مؤمن، حقوق مؤمن، یاری مؤمن، شاد کردن مؤمن، ایذاء مؤمن و اصلاح بین مؤمنان می پردازد.

وقت مارابه خود اختصاص داد. بعد از آن که این ترجمه به دست ناشر سپرده شد بلافاصله مشغول کار دوم، یعنی ترجمه قرآن سوآبادی شدیم که اکنون مراحل پایانی تحقیق و حروفنگاری را می گذراندو امید است در آینده ای نزدیک آن را به طبع برسانم. طرح کلی ما شامل احیای پنج ترجمه کهن از قرآن کریم است. این طرح گسترده نیاز به برای مؤسسات تحقیقاتی دارد که البته بعضی از این سازمانها، اعلام آمادگی برای همکاری کرده اند. اگر چنین شود می توان امید داشت که هر دو سال یک ترجمه آماده چاپ شود.

محمد مبارک کنشاسی دسور زبان فارسی را مدنظر قبل به پانزدهم رسیده است که اکنون مراحل پایانی چاپ را به همت فرهنگستان زبان و ادب فارسی می گذراند. این کنشاسی شامل مشخصات دقیق هزار مقاله، پانزدهم کتاب چاپی و خطی در زمینه دستور زبان فارسی است که به زبانهای فارسی، انگلیسی، فرانسه، روسی، اردو و عبری در نقاط مختلف جهان تالیف شده اند.

فرهنگ دستوری، کتابی دیگر از اوست که در ۱۳۰۶ از سوی انتشارات میراث به چاپ رسیده و شامل کلیه اصطلاحات دستور زبان فارسی همراه با شرح و شواهد و امثال می شود و یک فرهنگ موضوعی به شمار می آید. او نخستین تالیف خود که خاطرهای دارد.

کتاب فرهنگ اصطلاحات دیوان مسعود در واقع پانزدهم کارشناسی ارشدینده بود و آن را در سال ۱۳۶۷ تالیف کرد و اما چاپ آن به سال ۱۳۷۷ موکول شد و لجنن آثار و معارف فرهنگی چاپی و نشر آن را به عهده گرفت. دو سه سال پیش مطلع شدم در یکی از دانشگاههای معتبر تهران، یکی از دانشجویان دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی که اکنون استاد یکی از دانشگاههای ایران است، کتاب فرهنگ اصطلاحات دیوان مسعود را رونویسی کرده و به عنوان پایان نامه از آن دفاع کرده است. چاپ آن که استادان راهنما و داوران آن پایان نامه هم به او نمره بیست داده اند. حال آن که نمره خود بنده در دوره کارشناسی ارشد از این اثر بیش از ۱۸ بود. نمی دانم رونویسی از آن، آن هم در مقطع دکترا چگونه مستحق نمره ۲۰ شده است!

انسان انتظار دارد کسانی که به عنوان استاد راهنما و هیئت داوران برای پایان نامه ای برگزیده می شوند به خود زحمت بدهند و درباره موضوع پایان نامه کمی تحقیق کنند. اولین قدم تحقیق آن است که بماند تا به حال چند کتاب و مقاله درباره موضوع مطرح انتشار یافته است. شاید این اتفاق یکی از پیامدهای شهرت ناخوشایندی بنده باشد که باید اثرم در مرکز به تازج برود و دم بر نیاوم.

وی از مشکلات پژوهشگران شهرستانی می گوید:
دور بودن از مرکز با تمام محاسنی که برای پژوهشگر دارد، عیب آن قطع ارتباط با مراکز پژوهشی و خبری است. زبان دور بودن از مراکز تحقیقاتی را - کوجه به سختی اما - می توان با خرید مجلات متعدد حل کرد. ولی زبان دور بودن از مراکز خبری کنترل قلم جریان است. مثلاً مادر جرایده روزنامه ها که اغلب آنها در مرکز انتشار می یابد از هر نویسنده ای که حتی یک اثر منتشر کرده باشد، فراوان خبر می خوانیم اما از نویسندگان و محققان شهرستانی می خیریم؛ که این امر در توزیع انتشار آثارشان تأثیر دارد. به نظر می رسد این نقص باید برطرف شود مثلاً همین کتاب هفته باید صفحه ای را به معرفی شهرستان نشینان اهل قلم و آثارشان اختصاص بدهد.

«جان منی» (زندگی و شو کمال الدین اسماعیل از دیگر آثار مبارک است که انتشارات باوردون در ۱۳۷۸ آن را به چاپ رسانده است. دهها مقاله در مجلات مکن، ایبند، رشد ادب کتاب ماه، کیهان فرهنگی، پیام نون و سخن فرهنگی در زمینه زبان و ادبیات فارسی در تهران، تبریز، شیراز و قم از دیگر فعالیتها اوست.



اینتر ترجمه آیات را از متن تفسیر ابوالفتوح بیرون آورده ام. متن ترجمه آیات را تصحیح مجدد کرده ام و علاوه بر برطرف کردن لغزشهای کتابان که در متن وارد شده و رفع خطاهای چاپی و رفع اشتباهاتی که بر اثر بدخوانی نسخه ها در متن مورد استفاده ما پدید آمده است (و بالغ بر پانصد مورد می شود) در یکصدست ساری متن نیز تلاش شده است. سپس متن ترجمه را بر اساس قرآن عثمان طه در ۶۰۲ صفحه آورده ام که با متن قرآن و مؤخره آن به ۱۲۸۰ صفحه بالغ می شود. مؤخره ای هفتاد صفحه ای شامل ویژگیهای زبانشناسی، خصوصیات صرفی و نحوی املائی، رسم الخطی و آواشناسی متن ترجمه نیز به انتهای اثر افزوده شده است.

نسخه های اساسی تصحیح شما کدامها بوده اند؟ اساس کار ما روض الجنان، چاپ آستان قدس رضوی است که از هر جهت نسبت به جاهای پیشین منقح تر و قابل



اعتبار است. در چاپ آستان قدس رضوی ۳۸ نسخه خطی از بین ۵۳ نسخه شناخته شده، مورد استفاده قرار گرفته است که بین آنها نسخه قم و نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (با رمز ۱۵۱) که مکمل نسخه قم است و در تاریخ ۵۵۵ کاتب شده و کاتب آنها ابوسعید بن حسین کاتب یهقی است دقیقترین نسخه ها به شمار می رود. نسخه قم که متعلق به کاتبخانه آیت الله مرعشی نجفی است (سوره اعراف (۷) کهف (۸) و شامل می شود و نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران از سوره کهف تا زمر (۸۹) اما مناسفانه در تصحیح آستان قدس، این دو نسخه اساس قرار نگرفته است. ما سعی کرده ایم با تکیه بر این دو نسخه در یکصدست ساری متن بگوئیم و از این طریق بسیاری از خطاها را مرتفع کنیم. از باب مثال اسم الله الرحمن الرحیم (در هر یک از جلدهای بیستگانه چاپ مذکور به گونه ای ترجمه شده است زیرا ناچار بوده اند بارها نسخه مادر را تغییر دهند. ما همه را بر اساس نسخه قم یکصدست کرده ایم. از این قبیل موارد فراوانی را می توان مثال زد.

چه آثاری در دست تالیف دارید؟
از حدود ده سال پیش که لئبشه احیای ترجمه های کهن قرآن کریم و اسب سنگین می کردم تصمیم بر این بود که هر دو سال یک ترجمه کهن را آماده چاپ کنیم. اما هنگامی که در میدان عمل قرار گرفتم پیته کار را وسعتر از آن ندیدم که تصور می رفت.

به همین دلیل کار بر روی ترجمه ابوالفتوح پنج سال

است. برای اهل ادب نیز از جهت آگاهی به تاریخ تطور زبان فارسی و آگاهی از لهجه مردم ری در قرن ششم و لهجه شناسی تاریخی ایران به مطالعه تفسیر ابوالفتوح نیاز است. زیرا زبان ترجمه ابوالفتوح اگرچه تحت تأثیر گویش شمال شرقی ایران است اما رنگ گویش ری در قرن ششم را باقیتره است.

چند تحقیقاتی بر روی این متن انجام داده ام؟ ابتدا ترجمه آیات را از متن تفسیر ابوالفتوح بیرون آورده ام. متن ترجمه آیات را تصحیح مجدد کرده ام و علاوه بر برطرف کردن لغزشهای کتابان که در متن وارد شده و رفع خطاهای چاپی و رفع اشتباهاتی که بر اثر بدخوانی نسخه ها در متن مورد استفاده ما پدید آمده است (و بالغ بر پانصد مورد می شود) در یکصدست ساری متن نیز تلاش شده است. سپس متن ترجمه را بر اساس قرآن عثمان طه در ۶۰۲ صفحه آورده ام که با متن قرآن و مؤخره آن به ۱۲۸۰ صفحه بالغ می شود. مؤخره ای هفتاد صفحه ای شامل ویژگیهای زبانشناسی، خصوصیات صرفی و نحوی املائی، رسم الخطی و آواشناسی متن ترجمه نیز به انتهای اثر افزوده شده است.

نسخه های اساسی تصحیح شما کدامها بوده اند؟ اساس کار ما روض الجنان، چاپ آستان قدس رضوی است که از هر جهت نسبت به جاهای پیشین منقح تر و قابل



اعتبار است. در چاپ آستان قدس رضوی ۳۸ نسخه خطی از بین ۵۳ نسخه شناخته شده، مورد استفاده قرار گرفته است که بین آنها نسخه قم و نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (با رمز ۱۵۱) که مکمل نسخه قم است و در تاریخ ۵۵۵ کاتب شده و کاتب آنها ابوسعید بن حسین کاتب یهقی است دقیقترین نسخه ها به شمار می رود. نسخه قم که متعلق به کاتبخانه آیت الله مرعشی نجفی است (سوره اعراف (۷) کهف (۸) و شامل می شود و نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران از سوره کهف تا زمر (۸۹) اما مناسفانه در تصحیح آستان قدس، این دو نسخه اساس قرار نگرفته است. ما سعی کرده ایم با تکیه بر این دو نسخه در یکصدست ساری متن بگوئیم و از این طریق بسیاری از خطاها را مرتفع کنیم. از باب مثال اسم الله الرحمن الرحیم (در هر یک از جلدهای بیستگانه چاپ مذکور به گونه ای ترجمه شده است زیرا ناچار بوده اند بارها نسخه مادر را تغییر دهند. ما همه را بر اساس نسخه قم یکصدست کرده ایم. از این قبیل موارد فراوانی را می توان مثال زد.

چه آثاری در دست تالیف دارید؟
از حدود ده سال پیش که لئبشه احیای ترجمه های کهن قرآن کریم و اسب سنگین می کردم تصمیم بر این بود که هر دو سال یک ترجمه کهن را آماده چاپ کنیم. اما هنگامی که در میدان عمل قرار گرفتم پیته کار را وسعتر از آن ندیدم که تصور می رفت.

به همین دلیل کار بر روی ترجمه ابوالفتوح پنج سال

قرن پنجم و ششم دوران تدوین بهترین ترجمه و تفسیرهای قرآن کریم است و هیچ دورهای با این دوپست سال (۳۵۰ تا ۵۵۰ ق) برابری نمی کند. گذشته از ترجمه تفسیر طبری که در سال ۳۵۰ ق تدوین شده است به ترتیب زمانی، تاج التراجم اسطرابی بین ۳۳۰ تا ۴۶۰، ترجمه تفسیر سوآبادی در سال ۴۷۰، لطائف التفسیر ابویسر احمد دارانی معروف به دروچکی در سال ۵۱۹، کشش الاسرار مهدی از رشیدالدین مهدی در ۵۲۰، تفسیر بصائر مبینی از معین الدین محمد نیشابوری در سال ۵۲۲، روض الجنان و روح الجنان ابوالفتوح رازی بین سالهای ۵۱۰ تا ۵۳۳، زبان فارسی و دو کتاب کشف زمخشری در ۵۲۸ و مجمع البیان طبرسی در ۵۲۸، زبان عربی، در دو قرن پنجم و ششم تألیف شده اند. از بین آثار گرانقدر، روض الجنان و روح الجنان وزنه ای دیگر دارد زیرا کهنترین ترجمه و تفسیری است که بر مذاق شیعه امامیه به زبان فارسی در دست است.

شیخ ابوالفتح جمال الدین حسین بن علی رازی صاحب «روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن» نسیب به بقیل بن روقه العزخانی، از صحابه پیامبر اکرم (ص) می رسد. محمد مبارک که پیش از این پژوهشها و تالیفهای در ادبیات فارسی داشته، پیشتر ترجمه رازی را از تفسیر ابوالفتوح رازی جدا کرده و پس از تصحیح متن، آن را در یک جا گرد آورده است. این کار مایه پیدایش اثری شده است که آن را در واقع می توان قرآن به ترجمه شیخ ابوالفتوح رازی دانست. ترجمه ای واژه به واژه و تحت اللفظی که با همه ویژگیهای دشوار خوانی و کهن بودن متن، برابر نهاده امی را در اختیار اهل تحقیق و ترجمه قرآن می گذارد که گاه به گاه به

گفت و گوئی ما با محمد مبارک به قصد آشنایی بیشتر با این اثر و مصحح و گردآورنده آن است.

قرآن کریم به خط عثمان طه، ترجمه ابوالفتوح رازی، به کوشش محمد مبارک، چاپ اول، قطع رقعی، ۷۲۸ صفحه، ۳۰۰۰ نسخه، نشر مطبوعت علم، قم، ۱۳۸۰، بها، ۳۰۰۰ تومان.

با توجه به این که زمینه تالیفها و تحقیقاتی قبلی شما زبان و ادبیات فارسی بوده است، به چه دلیل به تحقیق در حوزه قرآنپژوهی دست زدید و فکر می کنید تصحیح تفسیر ابوالفتوح رازی چه نیازی را برطرف می کند؟
دلایل فراوانی برای طبع قرآن کریم با ترجمه ابوالفتوح آن گونه که با طبع نسخ شل امروز است، وجود داشت: اول، احیای میراث فرهنگ ایرانی - اسلامی که از جوان یابدریخ آن بهره برداریم و می بریم. کسی که یک دوره قرآن را با این ترجمه می خواند در عین حال یکی از متون شیوای نثر ادبی ما را هم مطالعه خواهد کرد چون این متن به زبان فارسی درزی دوره اول نوشته شده است و از پیچیدگیها و مغلف نویسیهای دوران بعد در آن خبری نیست. در نتیجه به زبان فارسی امروز بسیار نزدیک است و لنگهی این زبان هنوز در منطقه فرورد (مارا را لتهها) رایج است و در حوزه هرات باین گویش با هم ارتباط برقرار می کنند. طبع این دست آثار باعث همدلی و همزبانی بیشتر این سه حوزه فارسی زبان می شود.

دوم، احیای این ترجمه های کهن در عین حال می تواند راهمماهی باشد برای مترجمان معاصر که اقدام به ترجمه متون مقدس می کنند زیرا بسیاری از برابر نهادهای کهن در این ترجمه به چشم می خورد و زیباست. می تواند هنوز کاربرد داشته باشد. برابر نهادهای مثل «موخته معلم» آمده شد «اختلاف» «میخته خوینها» «اضغاث» «احلام» «برگزوب» «العقیم» «برهکار» «الایم» «بیسامان کاران» «فاستقین» «درخشتان» «حداق» «در فشان» «الثاقب» «درینه» «القدیم» «سبکساری» «سفاغه» و صدها واژه و اصطلاح که در تهرانی قرآن کریم با ترجمه ابوالفتوح آورده ایم.

افزون بر اینها از نظر نزدیک بودن این ترجمه به زبان و زمان و شی به دلیل لزوم اشتراک مترجمان بر سر سطور ترجمه قرآن و آگاهی آنها بر گونه های ترجمه در گذشته، مطالعه تفسیر ابوالفتوح رازی مورد نیاز قرآنپژوهان و مترجمان قرآن

و آن‌ا که به کتاب **آسمانی** **ا** جنگ می‌زند او به آن **مراجعه** و از آن پیروی می‌کند**ا** و این نماز را **برگزار** می‌کند و **پریا** می‌دارند **ت**شایسته کار و اصلاح‌گردد و **ا** **ما** هیچ‌گاه پادش او پیامد کار**ا** اصلاحگران را تباه نمی‌کنیم و از میان نمی‌بریم.

قرآن کریم، سوره اعراف (۸۷) آیه ۷۰

چه خوب سخنگویی است کتاب!
امام علی (ع)، گزیده میزان الحکمه، حدیث ۵۲۳۳، به نقل از غرالحکم

تاریخچه

تاریخ‌نویسی و داستان‌نگاری مذهبی: نکته‌ها و چالش‌ها-۵

ابزارهای درون متنی سنجش و درک

۱. **سخن چه کسی معتبر است؟**

آن که سخنی می‌گوید، یا از دانش خویش سخن می‌گوید و از آن چه می‌داند، یا راوی و شاهد است و سخن دیگری را نقل می‌کند.

پس از این گفتیم که راوی و ناقل باید مورد اعتماد باشد و روایت و نقل باید سندشناسی شود تا معلوم گردد که سخن و نقل، از نخستین کسی که نقل یا گزارش می‌شود، صحت دارد.

بر فرض که به صحت نقل یا گزارش از نخستین فرد، یعنی گوینده یا رفتارکننده اطمینان یابیم، از اینجا به بعد باید پاسخ این سؤال را داشته باشیم که آن فرد کیست و سخن و کار او تا چه حد اعتبار دارد. او دانش خود را از کجا آورده است؟ اهل پژوهش است؟ دیده‌است؟ عالم علم خاصی است؟ دانی کل است؟ غیب می‌داند؟ دیده‌است و شنیده‌است و بدون ذکر راوی و منبع علم سخن می‌گوید؟…

جای این بحث در اینجا نیست که آیا موجوداتی در جهان هستی و در عالم انسانها هستند که سخن آنها را -حتی اگر استدلال آن را ندانیم -می‌توان پذیرفت و به آن اطمینان داشت و این که اگر هستند چیستند و کیستند و کیان‌اند. در میان پیروان ادیان و مذاهب، اختلاف بسیاری در پاسخ به این پرسش می‌توان یافت، اما تقریباً همه آنها، به موجوداتی مقدس اعتقاد دارند. آنها را معصوم (یعنی ایمن از خطا) و سخن آنها را حجت می‌دانند و در صحت آن تردید نمی‌ورزند.

مسلمانان، همگی اتفاق نظر دارند که قرآن سخن خداست و حجت است. اهل سنت اغلب سخنان رسول اکرم(ص)، و شیعیان همه آنها را صحیح و حجت می‌دانند. اهل سنت تقریباً برای همه صحابه پیامبر(ص) گونه‌ای عصمت و حجت قائل است و شیعه این مقام را پس از پیامبر (ص) منحصر به امامان دوازده گانه می‌داند. سخن حضرت زهرا (س) نیز در همین رتبه حجت و مورد استفاده است.

به هر حال دانستن این نکته برای جست‌وجوگر تاریخ ضرورت دارد که در نهایت به گفته چه کسی اعتماد می‌کند، تکیه نهایی آگاهی تاریخی او کجاست و بنای استناد و حجت پژوهش او بر کدام پایه قرار دارد.

دانستنی‌هایی

در باره آیتانی از شگفتیا

نامه سلیمان (ع) به ملکه سبا، نوشته محمدعلی آقارینی، چاپ اول، قطع وزیری، ۲۴۴ صفحه، ۲۵۰۰ نسخه، نشر شهید سعید محبی، تهران، ۱۳۸۰، بها: ۱۴۰۰ تومان

<div><div> </div><div>این کتاب تفسیر نامه حضرت سلیمان(ع) به ملکه سبا و ماجراهای قبل و بعد از آن است که در آیات ۱۵-۴۴ سوره نمل (۲۷) آمده است.</div></div>	
<div><div> </div><div>در این کتاب می‌توان اطلاعاتی علمی، قرآنی و روایی را درباره نامه سلیمان(ع)، هدهده، بلقیس ملکه سبا و زندگی و مرگ او، سرزمین سبا و زبان پرندگان خواند.</div></div>	

کتاب کتاب

ظهور و سقوط حکومت عثمانی



دین و سیاست در دولت عثمانی، نوشته دکتر داود دورسون، ترجمه منصوره حسینی و داود وفایی؛ ویراسته اصغر اندرودی؛ چاپ اول؛ قطع رقصی؛ ۳۸۶ صفحه؛ ۱۵۰۰ نسخه؛ ناشر: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی؛ تهران؛ ۱۳۸۱، بها: ۲۵۰۰۰ ریال.

امیرنشین عثمانی، در بخشهایی از سرزمین آناتولی که محل زندگی ترکمانان بود، شکل گرفت و در مدتی کمتر از نیم قرن، به دولتی تبدیل شد که به تدریج نام «امپراتوری عثمانی» بر آن نهادند. یکی از انگیزه‌های مهم غازیان [چنگیزیان راه خدا] مؤسس دولت عثمانی، جهاد فی سبیل‌الله بود. آنان، با همین انگیزه، به پیشروی در مناطق مختلف پرداختند و قلمرو حاکمیت خود را در سه قاره گسترش دادند. اداره امور حکومتی کشورهای متعددی مانند مصر، سوریه، ترکیه، رومانی، یوگسلاوی، مجارستان و… قطعاً امری دشوار و پیچیده بوده است که عثمانیها مدتهاهی مدید از عهده آن برآمدند. دین در شکلگیری حاکمیت عثمانی و استمرار آن نقشی حیاتی داشته است. بررسی کارکردها و جایگاه دین در حاکمیتی که مناطق تحت نفوذ خودش را شش قرن به نام دین اداره کرد از اهمیت شایان توجهی برخوردار است. تفسیر ترکه‌ها از دین، در فاصله زمانی قرن سیزدهم تا اوایل قرن بیستم میلادی، همواره با قض و بسطهایی رویارو بوده است. جزم‌اندیشی در محافل دینی و در میان کارگزاران و علما، گاه

دانشمندی

داناچ، گفتار علمی امام جعفر صادق علیه‌السلام، برگرفته از «مغز متفکر جهان شیعه» بر اساس تحقیقات ۲۵ دانشمند دنیا در مراکز مطالعات اسلامی استراسبورگ؛ تحقیق و تعلیق سیدعلی‌رضا حسینی معصوم؛ چاپ اول، قطع وزیری؛ ۱۶۸ صفحه؛ ۳۰۰۰ نسخه؛ انتشارات هافتا؛ مشهد؛ ۱۳۸۱، بها: ۷۰۰۰ تومان

این کتاب تلخیص کتاب معروف «مغز متفکر جهان شیعه» اثر مرکز مطالعات اسلامی استراسبورگ به ترجمه ذبیح‌الله منصوری است که با فصلبندی جدید و پانوشنهای توضیحی بازنگاری شده است.

واژه «داناچ» به معنی «دانشمنده» است و فراهم آورنده این کتاب آن را در چهار بخش سامان داده است. بخش اول به مذهب شیعه به عنوان مذهب تأمل، تفکر و آزاداندیشی؛ امام صادق به عنوان پایه‌گذار فرهنگ شیعی ؛ آزادی بیان در فرهنگ شیعی؛ امام صادق (ع) پایه‌گذار عرفان در اسلام؛ و ادب، علم، شعور موجودات، فلسفه کعبه، حرکت خدا، پیدایش جهان، پندار، عقیده، کردار، لذت، اراده، قربانیت انسان و گیاه و مرگ از دیدگاه امام صادق(ع) اختصاص دارد. بخش دوم به منشأ پیدایش جهان، عمر جهان، انبساط و انقباض جهان، لرزش فرضیه عناصر اربعه، نور خورشید و ستارگان، ستارگان و سیارات، نقض قانون مرکزیت زمین، حرکت، نور، زمان و مکان، ماده و ضد ماده، ساختمان بدن و روح از دیدگاه امام صادق(ع) می‌پردازد. بخش سوم شامل منشأ بیماریها، اشعه بیماریار، نحوه شریده می که کودکان و اثرات آلودگی محیط، علت کم‌حافظگی در پیروی و علل کوتاهی عمر و خودکشی از دیدگاه امام صادق(ع) می‌شود.

بخش چهارم نقد تاریخ توسط امام صادق(ع) و تاریخچه کتاب از سخن امام صادق(ع) است.

تاریخچه نظریه دولت در اسلام

در آمدی بر شمول نظریه دولت در اسلام، نوشته احمد جهان بزرگی ایرانی [پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ویراسته حسین دهنوی، چاپ اول، قطع وزیری، ۳۰۸ صفحه، ۳۰۰۰نسخه، انتشارات مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، تهران، ۱۳۸۱، بها: ۱۷۰۰ تومان

کتاب حاضر مدعی این است که سابقه نظریه «دولت» در اسلام به آغازین روزهای فعالیت سیاسی پیامبر اکرم (ص) در مدینه می‌رسد. موضوع این کتاب، تاریخ تطور نظریه دولت در اسلام، به ویژه نظریه ولایت قییه است که به شواهد موجود در آثار مکتوب اختصاص دارد و به فعالیتهایی نیز می‌پردازد که ناظر بر بنیانگذاری، پایداری، تأکید و تأیید این نظریه در زمانهای گذشته بوده است.

این کتاب دو بخش بزرگ دارد. بخش یکم با عنوان زمینه تاریخی نظریه دولت در سالهای نخستین، به نقش نیروهای فکری -اجتماعی در تطور نظریه دولت و ولایت و نیز بنیانگذاری عملی و نظری دولت و ولایت قییه می‌پردازد.

بخش دوم با عنوان زمینه تاریخی نظریه ولایت قییه در سالهای بعد، به نظریه ولایت از نیمه دوم سده نخستین تا آغاز غیبت و سپس آغاز غیبت کبرا تا زمان حال اختصاصی دارد.

هر بخش با یک «چکیده» به پایان می‌رسد.

-فراموش شدن انگیزه‌های اولیه از تشکیل

حکومت و منازعه بر سر ستمهای مملکتی؛

-وابسته بودن علما به حکومت؛

-مخالفت با نوگرایی؛

- شیفتگی و تسلیم در برابر قدرتهای خارجی.

دکتر داود دورسون، از نویسندگان مسلمان و متعهد کشور ترکیه، با رعایت همه جوانب تحقیق، در این کتاب به بررسی روابط دین و دولت در عثمانی پرداخته است.

عناوین بخشها، فصلها و برخی زیرعنوانهای کتاب حاضر عبارت‌اند از:

پایه‌های نظری و اصطلاحی روابط دین و

دولت در نظام عثمانی؛ نظام سیاسی- اداری؛

روابط دین و دولت از دیدگاه نظری و عملی.

نظام سیاسی- اداری عثمانی شامل (فصل

اول): نظام سیاسی- اداری به ارت رسیده به

حاکمیت عثمانی؛ سازماندهی سیاسی- اداری

در ترکهای باستان؛ میراث سلجوقیان؛ سازماندهی

سیاسی- اداری آناتولی در قرن سیزدهم؛ (فصل

دوم): نقش دین در شکلگیری نظام سیاسی-

اداری عثمانی؛ تبدیل امیرنشین عثمانی به

دولت؛ نظام سیاسی- اداری متداول عثمانی.

سازمان دین در نظام سیاسی- اداری

عثمانی؛ نهاد شیخ الاسلامی؛ ظهور نهاد

شیخ الاسلامی؛ روابط موجود میان نهاد

شیخ الاسلامی و حاکمیت سیاسی؛ نوع

سازماندهی نهاد شیخ الاسلامی.



دانشمندی، مغز متفکر جهان شیعه» بر اساس تحقیقات ۲۵ دانشمند دنیا در مراکز مطالعات اسلامی استراسبورگ؛ تحقیق و تعلیق سیدعلی‌رضا حسینی معصوم؛ چاپ اول، قطع وزیری؛ ۱۶۸ صفحه؛ ۳۰۰۰ نسخه؛ انتشارات هافتا؛ مشهد؛ ۱۳۸۱، بها: ۷۰۰۰ تومان

جایگاه مصلحت، در فقه و حکومت

تشخیص مصلحت نظام (از دیدگاه فقهی- حقوقی)؛ نوشته دکتر محمدجواد ارسطو ایرانی [کانون اندیشه جوان، ویراسته اسماعیل آقاپایایی، چاپ اول؛ قطع رقصی، ۱۲۳ صفحه، ۳۰۰۰ نسخه، انتشارات مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، تهران، ۱۳۸۱، بها: ۶۸۰ تومان

این کتاب در آیش که شامل ۵ فصل می‌شود به تشخیص مصلحت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و تشخیص مصلحت در فقه اسلامی می‌پردازد. عناوین فصلهای کتاب عبارت‌اند از: سیر تاریخی طرح موضوع در قانون اساسی جمهوری اسلامی، شکلگیری مجمع تشخیص مصلحت نظام، بررسی سوالات و شبهات، تشخیص مصلحت در فقه اهل سنت، و تشخیص مصلحت در فقه امامیه.

این کتاب از یک سو میزان و محدوده اختیارات ولی قییه در ارتباط با مصالح همگانی، تشخیص مصلحت، مجمع تشخیص مصلحت نظام و دیدگاهها و آرای کارشناسان را مشخص می‌کند و به شبهات مختلف پاسخ می‌گوید و از سوی دیگر ارتباط مصالح را با اسلامیت حکومت و تفاوت دیدگاه شیعه و اهل سنت را درباره مصلحت به بررسی می‌نشیند. در انتهای کتاب این نتیجه‌گیری می‌آید که مصالح مرسله اهل سنت با تعریفی دقیق، از دیدگاه شیعه نیز دارای حجت و اعتبار است و به دلیل سنت با عاقل برمی‌گردد.

کتاب‌های دیگرم دارد درمی‌آید. جواب سؤال شما را دیگران باید بدهند، به من مربوط نیست» کتاب‌های من ممکن است جمع بشود ممکن است خوانده نشود، نه من فکر می‌کنم کس دیگری هم نمی‌تواند آینه را ببیند.

آثار آروغتی در آن روز با شمارگان بیست هزار منتشر می‌شد، یا قاضی سعید، امروز کسی اسم آثارشان را نمی‌داند، ما فکر نمی‌کنیم در این بحث به جای برسیم. شما نویسندگان معاصر را به چند دسته تقسیم می‌کنید؟ من نویسندگان را تقسیم نمی‌کنم. اصلاً اعتقادی به تقسیم‌بندی نویسندگان ندارم. نویسنده‌ای هست مثل هوشنگ گلشیری، که تکنیک نویسندگی را در ایران بنیانگذاری کرد. روی زیبایی زبان کار کرد. دارای تکنیک و دارای نثر ویژه بود. نویسنده دیگری مثل دولت‌آبادی در آثارش، فهم‌ناش همان جور حرف می‌زند که خود نویسنده حرف می‌زند، بعد زبانی در آثارش نیست. نویسنده‌ای که بعد از آن را در نظر بگیرد، اثرش چیزی کم دارد. نویسنده‌ای مثل ابراهیم گلستان هست که دارای بعد زبانی و تکنیک است. هر کلامش حساب شده است. هر چند اینها به من مربوط نیست چون نه نقد نویسم نه محققم.

شما اگر اثری را برای خواندن انتخاب کنید، از کدام نویسنده خواهد بود؟

من اصلاً اظهار نظر راجع به نویسندگانی که با من بودند نمی‌کنم. چون خود آثارشان را می‌خوانم من «اسرار کنج دره جنی» ابراهیم گلستان را هر چند وقت به چند وقت از رویش مشق می‌کنم مثل بچه دبستانی‌ها، من از روی کشف‌الاسرار و عمده‌الابرار



می‌نوسم تا اثر یاد بگیرم، با بیره گمشده راغبی گلشیری را می‌خوانم تا تکنیک نویسندگی را یاد بگیرم. شما گویا ظاهر یا فرم و زبان بیشتر اهمیت می‌دهد، ولی در عمل در آثار خود مضمون را عمده می‌کنید. من هفت سال در انگلیس ادبیات انگلیسی خواندم، با تکنیک جریان سیال ذهن، من رمان پرگه را نوشتم، هوشنگ گلشیری با این تکنیک رمان شازده احتجاب را نوشته است. این تکنیک است که نویسنده را نویسنده می‌کند. تکنیک و زبان، همین دو چیز در یک اثر اهمیت دارد.

آیا این دو مؤلفه در آثار آل احمد هست؟ آل احمد اصلاً تکنیک داستان‌نویسی بلد نبود. شما آل احمد را در یکی دو کتاب غریب‌ذگی و نفرین زمین نگاه کنید، فقط مقاله است. آل احمد بیشتر سیاسی بود. تکنیک در کارش نبود. آل احمد نه قصه دارد و نه یک رمان دارد که برابری کند با یوف کوریا شازده احتجاب. زبان آل احمد زیاد مقاله بود که برای جلد و داغان کردن به درد می‌خورد، آل احمد در ادبیات اصلاً جایی ندارد.

چرا ادبیات ایران معاصر بازتاب جهانی پیدا نکرد؟ این نظر شماست. من معتقد نیستم. آثاری در این پنجاه-شصت سال خلق شده که بنیانگذارش صادق هدایت کبیر بوده است. از جمال‌زاده، صادق چوبک، غلامحسین ساعدی و… کوئیلو- موئیلو و مارکز را می‌گذارد توری جیش، ساعدی پیش از مارکز رنالیسم جادویی را کشف کرد.

الا نویسندگان هندی، انگلیسی مثل آروغانی روی که رمان «خدای چیزهای کوچک» را نوشته، در اروپا و

آمریکا خوانندگان بسیاری دارند. چرا این وضع برای نویسندگان ایرانی به وجود نیامد؟

زبان انگلیسی جای زبان فارسی را در هندوستان گرفته است، روش‌فکر و باسوادش به زبان انگلیسی می‌نویسند و می‌خوانند.

شما عامل موفقیت نویسندگان انگلیسی زبان هندی را، صرفاً به خاطر زیانشان می‌دانید؟

الا نویسنده هندی به زبان انگلیسی اصلاً می‌نویسد…

پس موفقیت نویسنده‌ای مثل کاداره آلیانایی که به زبان آلیانی می‌نویسد و مخاطبان این زبان هم در جهان حدود سه- چهار میلیون هم بیشتر نیستند چگونه قابل توجه است؟

باید ببینیم کاداره چه نوشته، از چه مراحل گذشته و روش‌فکران آلیانی چقدر در مطرح کردنش تلاش کرده‌اند و پشتش ایستاده‌اند. تمام رادیو- تلویزیون و مطبوعات ما بیست و چهار ساعت در شبکه‌های مختلف از ادبیات ترجمه استفاده می‌کنند. اصلاً نامی از نویسندگان ایرانی نمی‌برند. ما حداقل در این مقطع

۱۴.۱۵ نویسنده تراز اول داریم که با نویسندگان مشهور جهان برابری می‌کنند. از این نویسندگان ایرانی هیچ نامی در مطبوعات نمی‌برند. زندگی اشان را نمی‌گویند.

مترجم و نویسنده‌ای بوده به اسم حسن شهپاز، او چهل سال در رادیو-تلویزیون نامی از نویسنده ایرانی نمی‌برد، الا آن در آمریکا صد برابر پدتر شده است. الا نویسندگانی که به یک سطحی قابل قبول رسیدند، حقشان است که بیست و چهار ساعت عکسشان و اسمشان به خورد مردم داده شود. الا آن در کلاس‌های ادبیات داستانی که من تدریس می‌کنم اگر از کسی بخوام اسم پنج نویسنده ایرانی را بگویند، نمی‌دانند.

نمی‌دانند کسی که آمده کلاس قصه‌نویسی، تا نویسنده بشود، علشن چیست؟

اگر ناشران پنج تا کتاب ترجمه منتشر می‌کنند و اگر مترجمی که داستان و رمان خارجی ترجمه می‌کند،

یک کتاب تألیفی منتشر کند، با یک نویسنده ایرانی را در کنارش معرفی کنند، وضع این‌گونه نخواهد بود. ما نویسندگانی بسیار داریم که نزدیک به ۲۵ سال است مقیم کشورهای اروپا و آمریکا می‌اند. به زبان کشور میزبان مسلط شده‌اند. ولی در ترجمه آثار ایرانی و معرفی نویسندگان ایرانی هیچ تلاشی نکرده‌اند.

این نویسندگانی که می‌گویید، در این مدت نتوانستند حتی یک رمان بنویسند که برابری بکند با رمان شازده احتجاب گلشیری. اگر نتوانسته بودند حتماً به اینجا آوازاش می‌رسید. نویسندگانی که در اروپا یافته هم همین سرنوشت را داشتند. اینها یک اثر شاخص نتوانستند بنویسند که در پاریس چاپ شود، در آلمان چاپ شود و در فرانسه و آمریکا هم چاپ شود. حتی نتوانستند یک اثر بنویسند که با یک اثر ده-پانزده نویسنده مورد قبول جامعه ما برابری کند. با نویسنده‌هایی که در اینجا ماندند چه می‌کنید که با آنها بکنید؟

این بی‌انصافی است که بگوییم هیچ اثری نوشته نشده است، رمان‌هایی مثل گل، مثل عقل ای، مثل دکتر نون زش را بیشتر از مصدق دوست دارد، مثل سوره الفراع

و… در همان کشورها نوشته شد.

اگر نوشته می‌شد، آثاری در حد و اندازه قابل قبول، من و تو می‌خواندیم و الا آن هم در دنیا مشهور می‌شدیم، پس نبود. آقا بلند شد رفت آمریکا کتاب درباره هویدا را نوشت. اول دروغ‌گی به زبان انگلیسی نوشت بعد ترجمه‌اش کرد به زبان فارسی. یک آدمی سیزده سال نخست‌وزیر ایران بود، کتابش هم نوشته شد. اگر کسی در آمریکا رمانی خوب می‌نوشت، کتابش مثل کتاب معمای هویدا می‌شد، پس نوشت.

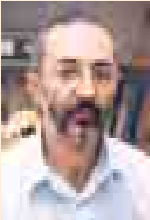
طرف رفت هویدا را نوشت. به جای این حالا شما یک رمان، یک قصه بگذارید، خودبه‌خود ترجمه می‌شد و در اینجا منتشر می‌شد و معروف می‌شد. تازه

اینهایی که نوشتند شما چه گلی به سرشان زدید. برای علم کردن یک کتاب ترجمه، یک نویسنده خارجی تمام امکانات و تمام مطبوعات و تمام رسانه‌ها در اختیارش قرار می‌گیرد. در صورتی که در مورد نویسنده ایرانی- هر که باشد- چنین نیست. آبروی امامزاده دست متولی است. اینجا متولی که شما رسانه‌ها و مطبوعات هستند. عمده نویسندگان ایرانی را در گمنامی مدفون می‌کنید و ترجمه را حاکم، اصل این است. نه اینکه ایران نویسنده ندارد.

پس‌گویی

مصمصمه مهناز

طرح‌آشنایی جوانان با کارنامه دانشوران ایران و اسلام



اگر یک نظرسنجی از جوانان کشور درباره میزان آشنایی آنان با میراث مکتوب گذشته و مطالعه آثار قدیمی دانشوران ایرانی و اسلامی انجام شود، نتیجه آن از قبل مشخص خواهد بود. تعداد بسیار اندکی از قشر جوان و نوجوان کشور با این آثار آشنایی دارند یا حتی برای یکبار آنها را مطالعه کرده‌اند. کتاب‌هایی مانند کتله دهنه، دهنه، سعادت و…

مؤسسه فرهنگی اهل قلم با همکاری و حمایت سازمان ملی جوانان دست به اقدام جالب و مفیدی در همین زمینه زده است: «از سال ۱۳۷۹ به منظور پرکردن فاصله میان نسل جوان و آثار ادبی گذشتگان، تعدادی از این آثار شامل ۲۰۰ کتاب برگزیده می‌شوند تا

برای جوانان به زبانی ساده بازنویسی شوند. این طرح به سازمان ملی جوانان ارائه می‌شود و با موافقت و حمایت آن مرکز رویه‌رو می‌شود.»

البته سابقه این امر برمی‌گردد به سال‌های ۷۳ و ۷۴ که مرکز نشر میراث مکتوب تصمیم می‌گیرد به احیای آثار مکتوب تمدن ایران و اسلام که تا به حال منتشر نشده‌اند بپردازد. این آثار تا سال گذشته به حدود ۱۱۰ جلد رسید.

آقای مختاری‌پور مدیرعامل مؤسسه فرهنگی اهل قلم و مدیر این طرح است. وی می‌گوید: «بویگی این طرح آن است که از میان حدوداً ۲۰۰ کتاب برگزیده حدوداً ۲۰۰ موضوع محدود به موضوع خاصی مثل ادبیات نیستند یعنی شامل موضوعات مختلفی مثل ادبی، عرفان، تاریخ، ریاضی، نجوم، جغرافی، پزشکی می‌باشند. این کتاب‌ها از زمان قبل از اسلام تا قاجار را شامل می‌شوند.»

تاکنون ۱۸ جلد از این کتاب‌ها منتشر شده است و ۱۰ جلد دیگر هم، طی روزهای آینده عرضه خواهد شد.

علیرضا مختاری‌پور می‌گوید: «این کتاب‌ها از نظر زبان نوشتاری به گونه‌ای بازنویسی می‌شوند که یک فرد با تحصیلات پیش‌دانشگاهی بتواند آنها را خوب بخواند.»

در هر کدام از کتاب‌ها ابتدا خلاصه‌ای از مؤلف عرضه می‌شود، سپس به معرفی کتاب در ایران و سطح جهانی می‌پردازد و سپس دلیل تصنیف آن بیان می‌شود. تعدادی از این کتاب‌ها عبارتند از:

نامه آزادچهر (بازنویسی کتاب مرزبان نامه اثر مرزبان بن رستم)؛ روش دلاوری و جنگاوری (بازنویسی کتاب آداب الحرب و الشجاعة، اثر مبارکشاه محمد بن منصور)؛ کیمیای سعادت (تلخیص و بازنویسی اثر امام محمد غزالی)؛ انسان کامل (بازنویسی اثر عزیرالدین نسفی)؛ دانشنامه گنجگنی های جهان (بازنویسی کتاب عجایب المخلوقات اثر شرف‌الدین محمد بن محمود احمد طوسی)؛ طب روحانی، رساله‌ای در روانشناسی اخلاق (ترجمه کتاب الطب الروحانی اثر حکیم محمدبن ذکریای رازی).

در تألیف این کتاب‌ها، اساتید بزرگ و نویسندگان و ادیبان بسیاری نقش داشته‌اند. در کنار این کتاب‌ها، اگر جوانی خواست بداند که ایرانی‌ها در یکی از زمینه‌ها مثلاً ریاضیات چه خدمانی به دنیا کرده‌اند می‌تواند به مجموعه کتاب‌های ۸ جلدی «کارنامه ایرانیان» مراجعه کند. این کتاب‌ها از سری کتاب‌های ارمان ایرانیان (۸ تا ۱۸) می‌باشند. مثلاً جلد نخست آن مربوط به کارنامه ایرانیان است. در زمینه تئوری‌های ریاضیات، نجوم و کاشمشاری.

مدیر این طرح می‌گوید: «تاکنون حدود ۱۲۰ عنوان کتاب در مرحله تولید (ویرایش، حروفچینی و…) هستند و بقیه - از ۲۰۰ جلد- کتاب‌هایی هستند که ناچاپ‌شدیم کار بیشتری روی آنها انجام دهیم. مثلاً مثنوی

معنوی هم حجیم است و هم گزیده‌های بسیار خوبی از آن موجود است. با کتاب کشف‌الاسرار که ۱۰ جلد است نمی‌شود به آسانی خلاصه کرد. درباره برخی کتاب‌هایی هم که متن عرفانی یا فلسفی دارند این

مشکل داریم به این معنی که هم باید به زبان جوان نگاهتة شود هم تا آنجا که ممکن است به روح کتاب و زبان اثر، لطمه‌ای وارد نیاید.»

طراحی جلد این کتاب‌ها شبیه کتاب‌های درسی است تا جوانان سابقه ذهنی بیشتری نسبت به آن داشته باشند. ظاهر آوزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هم از این طرح حمایت کرده است و با خرید آن به مجریان طرح کمک خوبی کرده است.

حتی کتاب‌هایی را تعداد زیادی از اساتید، مراکز علمی، دانشگاه‌ها و فرهنگستان علوم فرستاده شده است و حتی برخی از آنها جهت تدریس در تعدادی دانشگاه، معرفی شده‌اند.

مختاری‌پور در مورد شیوه توزیع این کتاب‌ها می‌گوید: «بخش عمده این کتاب‌ها از طریق سازمان ملی جوانان و توسط تشکل‌های جوانان در سطح کشور توزیع شده است و تعدادی هم از طریق وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به کتابخانه‌های عمومی داده شده است.»

وی ابراز امیدواری می‌کند که تعداد کتاب‌ها تا پایان اسامال به ۱۰۰ عنوان برسد: «امیدواریم و البته عجله‌ای هم نداریم. در اینجا کتاب‌هایی داریم که تا ۶ بار بازخوانی شده است تا همه استانداردها رعایت شود و بویژه از نظر جوانان براحقی قابل مطالعه و فهم باشد.»

سازمان ملی جوانان هم در نظر دارد در تابستان اسامال یک نظرسنجی سراسری از میان کسانی که کتاب‌ها را مطالعه کرده‌اند انجام دهد.

یکی از فرالین این کتاب‌ها آن است که بسیاری از جوانان با پشتوانه فرهنگی و علمی کشور آشنا می‌شوند. برخی گمان می‌کنند که ما از ابتدا کشوری عقب‌افتاده بودیم در حالی‌که اینگونه نیست. ما کشوری هستیم که زمانی دانشمندانی مثل ابن سینا (در پزشکی) خوارزمی (در ریاضیات و نجوم) و… را به جهان عرضه کرده‌ایم.»

مدیر این طرح ملاک گزینش یا حذف برخی مطالب از متن اصلی را «برجسته‌ترین مطالب کتاب مثلاً ارائه راه حل جدید یک دانشمند در یک موضوع علمی یا ابتکار وی» عنوان می‌کند و مدعی است: «درباره محتوای کتاب‌ها فعلاً کسی اعتراضی به گزینش‌ها نکرده است، چه از جانب اساتید فن، چه از دیدگاه مصحح‌هایی که در قید حیات هستند و نیز جوانان. البته ما دوره این کتاب‌ها را قرار است برای ۵۰ تا ۷۰ سال آینده مختلف بفرستیم.»

قانون مالیات

قانون مالیات‌های مستقیم، نشر نگاره آفتاب، دانشکده امور اقتصادی، چاپ اول، ۱۳۸۱، ۷۰۰نوبان.

کتاب قانون مالیات‌های مستقیم زیر نظر وزارت امور اقتصادی و دارایی و با همکاری سازمان امور مالیاتی کشور فراهم آمده است. قانون مالیات‌های مستقیم مصوب سال ۱۳۶۶ است و آخرین اصلاحات مصوب ۱۳۸۰ شدن مواد اصلاحی کلیه اصلاحات انجام شده با حروف بزرگ در متن آمده و در موارد حذف و یا الحاق تصریح‌ها و عبارات، مطلب به صورت زیرنویس توضیح داده شده است.

گزارش اول

مرکز بین‌المللی گفت‌وگوی تمدن‌ها، چاپ اول، ۱۳۸۰.

گزارش اول از ساختار بین‌المللی گفت‌وگوی تمدن‌ها و چگونگی شکل‌گیری آن در

هیئت یک کتاب ۱۸۰ صفحه‌ای است.

خصوصی‌سازی، احمد عظیمی بلوریان، نشر نگاره آفتاب، چاپ اول، ۱۳۸۱.

مجموعه حاضر به منظور استفاده کاربردی از قوانین، آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های واگذاری سهام

شرکت‌های دولتی تدوین شده است.

این کتاب اولین سری از مجموعه قوانین و مقررات خصوصی‌سازی است و شامل مفاد اصول دوم و سوم قانون سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی

کتاب‌های کتاب

ایران به همراه اساس‌نامه‌ها، آیین‌نامه‌های اجرایی و دستورالعمل‌های مرتبط با آن است که به تصویب مراجع قانونی رسیده است.

کتاب چهره

کتاب چهره (۱) و (۲)، حسن کریمزاده، نشر نگاره آفتاب، چاپ اول، ۱۳۸۰. گزیده‌ای از کاریکاتورها به کوشش حسن کریمزاده در دو اول آن به چهره‌های هنرمندان و سیاستمداران مشهور جهان اختصاص دارد. از مرلین مونرو تا اسامه بن لادن و برتولت برشت و... که به قلم جمشیدی، سیوکی، خداوردی و حسین پور طرخی شده است. در جلد دوم شاهد آثار دیوید لویان از چهره‌ها و نویسندگان مشهور جهان هستیم. این کتاب در قطع جیبی و با کاغذ گلاسه و تمام رنگی منتشر شده است.

جمهوری هند

جمهوری عجایب، رضا عبداللهی، نشر همراه، چاپ اول، ۱۳۸۱، ۶۰۰نوبان.

جمهوری عجایب یادداشت‌های رضا عبداللهی در سفر به هندوستان است؛

سرزمین تناقض‌های پیچیده و تضادهای بی‌شمار، جمهوری نور، شهر خدایان، مملکت هفتاد و دو ملت و... این سفرنامه از ۱۳۷۵ آغاز می‌شود.

داستان ۱۳

سیزده داستان، حسین رحیمی، نشر نقره، چاپ اول، ۱۳۸۱، ۸۰۰نوبان. حسین رحیمی اولین کتاب خود را که شامل ۱۴ داستان کوتاه است منتشر کرده. این داستان‌ها غالباً داستان‌های مینی‌مالیستی اند و هر کدام در سه-چهار صفحه به پایان می‌رسند. بلندترین داستان این مجموعه به نام «پایتی» در دوازده صفحه تحریر شده است. عنوان کتاب در حالی «سیزده داستان» ثبت شده، که خواننده در متن کتاب با چهارده داستان روبه‌رو می‌شود.

یوشکین ایرانی

فلسفه من، یوشکین میمندی نژاد، نشر شهید سعید محبی، چاپ اول، ۱۳۸۱، ۱۸۰۰نوبان.

خود «فلسفه من» نویسنده درباره اثر می‌گوید: در اوایل پاییز سال ۷۹ مدت سه ماه گرفتار حالت عصبی شدم و... و حشایشه نقاشی می‌کشیدم و آرام شعر می‌سرودم. نمونه‌های اصلی را بعد از تجلی به هر رهگذر و مانیتیم و خفته‌رئالیم می‌بخشیدم. حتی از گروه‌های خیالی‌گن‌گن‌شده و شعرو نقاشی‌های من نقاشی گورسار را بر کرد. حتی که سزانه هزار و پانصد یا دوهزار نقاشی بر روی کاغذ ۸۳ و متشدد بود تکه شعر، نگاه‌های عاطفی مرانشکلی می‌داد کتاب حاضر بخشی از نقاشی‌ها و سروده‌های میمندی نژاد است. که در قطع رحلی و با جلد شومیز منتشر شده است.

رؤیای قاسم زاده

رؤیای نامکمل لی جون، محمد قاسم زاده، انتشارات کاروان، چاپ اول، ۱۳۸۱، ۱۳۰۰نوبان.

زمان فوق در هفت بخش نوشته شده و نویسنده آن محمد قاسم‌زاده است که مدتی در کشور چین زندگی کرده و توانسته با شناخت و بهره‌گیری از فرهنگ مردم چین، اثری متفاوت بیافریند. این رمان از منظر اول شخصی روایت می‌شود. قاسم‌زاده سال گذشته با داستان بلند شهر هشتم، برنده جایزه ادبی پاتولو کویلیو شد.



کتاب در رشته‌ها

جهان کتاب

شماره ۱۲۷، ۱۵۰ جهان کتاب منتشر شد. در این شماره می‌خوانید: یهود، صهیونیسم و فلسطین، مصاحبه با آدوینس/ ترجمه محمد جواهر کلام، چاپ سنگی‌های مصور/ ایرج افشار، یک رجل از میان رجال/ سید عبدالله انوار، معمای مستند/ کاوه بیات، اسنادی از سازمان افسران حزب توده/ محمد حسین خسروبیان، ۱۱ سپتامبر و پریش‌هایی که برانگیخت/ فرخ امیرفریار، کوچک اما مفید/ رضا پورحسینی، آسیب‌های آسان‌گیری و شتاب‌زدگی در فرهنگ نویسی/ رضا چگینی، یکی داستان است پر آب چشم/ مصطفی کاویانی، استنباح یا تصحیح/ ایرج بهرامی، لغزانی روایت‌های احتمالی و...



کامیاب

دومین شماره مجله فرهنگی - هنری کامیاب با مطالب و مقالاتی خواندنی به همراه معرفی کتاب‌های تازه منتشر شد. در بخش یک چهره، معرفی میلان کوندرا و نقد و بررسی آثارش به قلم جهان‌ت از منتقدان آمده و در بخش پاینده به معرفی و مصاحبه با رویلنگ و مجموعه داستان معروفش هری پاتر می‌پردازد. شعر، داستان، نقد و گفت‌وگو با بدالله رویلی از دیگر مطالب خواندنی این شماره کامیاب است. اولین شماره این نشریه با مطالب و آثاری از ایرابیل آنده، ایتالو کالیونو و پاتولو کویلیو به همراه شعر و داستان و نقد کتاب چندی پیش منتشر شده بود. کتاب هفته تولد این نشریه را به دست‌اندرکاران آن تبریک می‌گوید.

محمد معین



محمد معین

محمد معین به سال ۱۲۹۷ در شهرستان رشت به دنیا آمد. پدرش شیخ ابوالقاسم از طلاب علوم دینی بود. معین در رشته ادبیات و فلسفه و علوم تربیتی تحصیل کرده و در سال ۱۳۲۳ رساله‌ای تحقیقی به زبان فرانسوی درباره لوکت دولیل شاعر معروف قرن نوزده فرانسه نوشت که پایان نامه لیسانس او در رشته ادبیات و فلسفه بود. در ادامه رساله‌ای تحت عنوان «مزدیسنا و تأثیر آن در ادبیات پارسی» نوشت که موفق به اخذ دکترا در ادبیات فارسی شد. وی در فاصله سال‌های ۱۳۲۱ تا ۱۳۳۳ عضویت در شورای عالی فرهنگ را پذیرفت. استاد محمد معین به عنوان استاذ ممتاز دانشگاه و محقق و پژوهشگر ادبیات برای شرکت در کنگره‌ها بارها به کشورهای مختلف سفر کرد و در سال ۴۱ که به منظور گذرش فرهنگ و ادبیات، مؤسسه «تحقیق در ادبیات و زبان‌های خارجی» در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران تأسیس شد. متشکل از پنج کمیسیون با عضویت جمعی از استادان و پژوهشگران بود - استاد معین در دو کمیسیون عضویت داشت؛ «کمیسیون تحقیق در ادبیات و زبان‌های ایرانی» و «کمیسیون دستور زبان فارسی».

دکتر معین در طول فعالیت علمی-پوهشی خود چندین نشان علمی داخلی و نشان لژیون دونور، نشان هنر و ادبیات از طرف دولت فرانسه، و نشان دیگری از طرف ریاست‌جمهور فرانسه «ژنرال دوگل» دریافت کرد.

استاد معین به شعر علاقمند بود و نمونه‌هایی از اشعار او که به سبک کلاسیک سروده می‌شد، در نشریات و یادنامه‌ها به چاپ رسیده است.

استاد معین به دلیل اطلاعات وسیع و آشنایی با زبان‌های عربی، فرانسوی، انگلیسی و زبان‌های کهن چون زبان باستانی پهلوی، فارسی باستان، اوستا و سنسکرت آثار فراوانی تألیف کرده است. آثاری که از وی به یادگار مانده در سه حوزه قابل ارزیابی است: تألیف، تصحیح آثار کلاسیک، ترجمه. در حوزه تألیف سه اثر ارزنده وی «برهان قاطع»، «لغت‌نامه» و «فرهنگ فارسی» است. از آثار تحلیلی ایشان «تحلیل هفت پیکر نظامی» را می‌توان نام برد. ضمن اینکه «شرح حال محمد قزوینی» و «ترجمه احوال پور داوود» و «امیر خسرو دهلوی» از دیگر آثار تحقیقی معین به شمار می‌آید. در زمینه تصحیح آثار نیز کتاب‌هایی چون «عصبة العاشقین»، «بهار عقاب»، «جام الکحکمین» و «جامع الحکایات» در کارنامه وی ثبت است. آثاری در زمینه ترجمه از استاد محمد معین به یادگار مانده که اغلب آنها به صورت مقاله منتشر شده بود و بعدها در هیئت کتاب به بازار آمد. روانشناسی تربیتی کتابی بود که از عربی به فارسی برگردانده و کتاب «ایران از آغاز تا اسلام» از انگلیسی به فارسی ترجمه شده است.

استاد معین مقالات بسیاری در حوزه‌های گوناگون در نشریاتی چون مجله دانشکده ادبیات، پیمان، یغما، وحید، مهر، مردم‌شناسی، سخن، راهنمای کتاب، یادگار، نامه فرهنگ، جهان نو و... منتشر کرد. ارزشمندترین یادگار معین «فرهنگ معین» در شش جلد است که هر سال توسط انتشارات امیرکبیر چاپ و منتشر می‌شود. اثری که حاصل زحمات بیست و اندی سال وی می‌باشد. هوشنگ اتحاد از مجموعه پژوهشگران معاصر ایران جلد نهم را به محمد معین، زرین کوب و زریاب خوبی... اختصاص داده که قرار است توسط انتشارات فرهنگ معاصر منتشر شود. استاد معین در تیرماه ۱۳۵۰ به جهان باقی شناخت.

مدیر مسؤول: احمد مسجدجامعی	سر دبیر: علی اصغر رمضانپور	صاحب امتیاز: خانه کتاب ایران
عکس: سپارش حبیب‌اللهی محمد رضا دشتی/ رضا کنکدار مدیر هنری: بهروز مین‌صفت مدیر فنی و صفحه‌آرا: ناظم رام حروفچین: منیر سرگلی، غزاله نوروزی تصحیح: منیرالسادات حسینی، بنفشه محمودی، محمدحاج‌حسینی هماهنگی: آرش آذرنگ	توزیع: عزیزالله امیرایی، علیرضا امرایی طراح صفحات الکترونیکی: علی رضا کریمی نظارت چاپ: محمود رضا طلموعی لیتوگرافی، چاپ و توزیع: ایرانچاپ تدارکات: قادر میرزایی نگارمات: علی محمدی، علی رحیمی	هیات تحریری: رسول آبادیان، فرانک آرتا اسدالله امرایی، حمید پایاوند نرگس بازخانه‌ای، نگار پندرام لیلی پوراسکندر، مریم جباری زهرا حاج محمدی، همایون خیری ابراهیم رزم‌آرا، سیدعلیه محمدزهیعی محمدضارنسی، فرزین شیرزادی مریم طاهری، مجید، سبیر محمدی
نشانی: خیابان قائم مقام فرامانی، اول خیابان فجر (جم)، طبقه دوم، صندوق پستی: ۱۳۴۵۰۳۱۳ نشانی کتاب هفته در اینترنت: http://www.ketabnet.org.ir/weekbook		

شماره ۷۲، شششنبه ۲۹ تیر ۱۳۸۱

ویژگی!



در میان صد‌ها کتابی که روزانه در دنیا به چاپ می‌رسد، سهم بزرگی نیز به کتاب‌های تست روانشناسی اختصاص دارد. مؤلفان

این کتاب‌ها بر این باورند که خواننده کتاب با پاسخ دادن به آزمون‌های مختلفی که پیش رویش قرار داده‌اند، می‌تواند خود را بشناسد و رابطه‌اش را با محیط پیرامونش به نحوی مؤثرتر تنظیم کند. مؤلفان اینگونه کتاب‌ها گرچه مخاطبان خود را نمی‌شناسند و نمی‌بینند اما دست کم این تصور را دارند که خوانندگان چنین کتاب‌هایی در شناخت مهارت‌های شخصی خود دچار نقصان هستند. اینکه آیا با آزمون دادن می‌توان به چنین شناختی رسید یا نه، موضوعی است که مجال دیگری می‌خواهد.

اما اگر در یک آزمون دیگر از خواننده کتاب پرسیده شود: «از میان گزینه‌های ۰/۵۲، ۰/۵، ۰/۵۳ و ۰/۵ کدام کوچک‌تر است؟» یا «اگر دو زارع مزرعه‌ای را در ۶ روز کاری بذرکاری کنند، ۳ زارع همان مزرعه را در چند روز می‌توانند بذرکاری کنند؟» آن وقت باید به دنبال تصویری بود که بر اساس آن، چنین آزمون‌ای از مخاطبان پرسیده شده، اگر بگویم این دو سؤال از مجموعه آزمون‌هایی است که برای استخدام نگهبان و پیشخدمت در یکی از بانک‌ها طرح شده، آن وقت می‌توان به تصور طراحان آزمون از متقاضیان مشاغل نگهبان و پیشخدمت دسترسی بیشتری داشت.

مجموعه این آزمون‌ها که در کتابی به نام آزمون استخدامی بانک‌ها فراهم شده، نشان می‌دهد که یا مسؤولان استخدامی بانک‌ها تعریفی از مشاغل نگهبانی و پیشخدمتی ندارند، یا از آزمون چیزی نمی‌دانند. خوب‌بختانه وجود علاقه‌مندان به نشر و بازار کتاب اگر هیچ مزیتی نداشته باشد، دست کم این حسن را دارد که می‌شود تصور ذهنی مدیران و کاربه‌دستان را از اهل جامعه به دست آورد. اگر این کتاب مستطاب در دست نبود از کجا می‌دانستیم ویژگی‌های نگهبان یا پیشخدمت یک بانک چیست؟

کتاب

حفاظت فنی خودرو

نگهداری از خودرو و باورهای نادرست، حسین منوچهر پارسا، انتشارات امیرعلی، چاپ اول: ۱۳۸۱، ۲۰۰۰ تومان.



عدم آگاهی اکثریت قابل توجه رانندگان به اصول علمی تعمیر و نگهداری خودرو و رانندگی صحیح سالانه میلیارد‌ها ریال خسارت متوجه آنان می‌کند. در این کتاب از مجموعه فرهنگ خودرو برای نخستین بار، باورهای نادرستی که در زمینه نگهداری از خودرو در کشور وجود دارد بررسی و نحوه صحیح نگهداری و کمک به سالم‌سازی هوای شهرها به رشته تحریر درآمده است.

هفته گذشته برای اطلاع یافتن از ساعت‌های کار کتابخانه سازمان محیط زیست ایران به این سازمان تلفن زدم. چندین هفته است که کتابخانه‌های تخصصی را در صفحه علم «کتاب هفته» معرفی می‌کنم. پس با آگاهی یافتن از اینکه امکان استفاده از اطلاعات علمی کتابخانه مذکور از ساعت ۱۲ تا ۸ ظهر است، به سازمان محیط زیست رفتم و از رئیس کتابخانه مربوطه خواستم تا از محتویات علمی موجود در کتابخانه بگوید. با توجه به اهمیتی که مسائل زیستی محیطی دارند، انتظار داشتم تا موجودی تخصصی کتابخانه این سازمان برابرتر یا حداقل همسان با مفاهیم علمی کتابخانه‌های تخصصی دیگر باشد.

پس از طرح سؤالاتی در این باره آنچه یاقتم این است: کتاب‌های فارسی، گزارش‌های علمی فارسی و لاتین، نشریات و میکروفیلم‌هایی در ارتباط با تمام رشته‌های محیط زیست طبیعی اعم از گیاه‌شناسی، جانورشناسی، بوم‌شناسی، پارکداری، جنگل‌کاری، کویرزدایی، محیط زیست انسانی درباره ارتباط صنعت و محیط زیست، آلودگی هوا، خاک، آب، دریا، اقیانوس‌ها، آلودگی صوتی و آلودگی شیمیایی از منابع علمی کتابخانه سازمان محیط زیست است.

کتاب‌های موجود در کتابخانه سازمان محیط زیست از نمایشگاه‌های سالانه کتاب وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت علوم و ناشران داخلی و خارجی تهیه می‌شوند.

همچنین تازه‌های علمی موجود در کتابخانه سازمان محیط زیست به کمک اینترنت و کتابخانه

کتابخانه های تخصصی

آزاده سیدین

کتابخانه سازمان محیط زیست ایران



کنگره آمریکا و روابط بین کتابخانه‌ای در ایران تهیه شد و در اختیار علاقه‌مندان گذاشته می‌شود و یا برای خریداری کتاب‌ها و نشریات جدید از آنها استفاده می‌شود. این کتابخانه در خیابان استاد نجات‌اللهی و در ساختمان سازمان محیط زیست ایران واقع شده که تماس با آن از طریق تلفن‌های سازمان مربوطه امکان‌پذیر است.

در مقایسه این کتابخانه تخصصی وابسته به یکی از سازمان‌های دولتی که رئیس آن معاون رئیس جمهور است، با کتابخانه‌های تخصصی دیگر چندین نکته وجود دارد:

- رئیس کتابخانه از محتوای علمی موجود در کتابخانه اطلاعات کافی ندارد.

- کتاب‌ها و گزارش‌های موجود در کتابخانه، مربوط به سال‌های دور است.

-اطلاعات کتابخانه در سایت کامپیوتری سازمان

- وجود ندارد.

- طبق گفته رئیس کتابخانه، کارشناسان سازمان

محیط زیست به ندرت از منابع علمی موجود در کتابخانه سازمان استفاده کرده، بنابراین محتویات علمی موجود بررسی نمی‌شوند.

- شورای کتابخانه‌ای ناظر بر اطلاعات علمی کتابخانه وجود ندارد.

- کتابخانه فاقد استانداردها و تاریخ ثبت اختراعات است.

- امکان استفاده از کامپیوتر برای دسترسی به فهرست مطالب موجود در کتابخانه نیست.

- امکان کپی برداری از مطالب علمی درون کتابخانه وجود ندارد.

- طبق مسئلمت در کتابخانه وجود نداشته و برقراری

ارتباط با مسؤولان کتابخانه به کمک شماره تلفن‌های سازمان و اینترنتی فراهم می‌شود.

-رئیس کتابخانه مدعی است که هر فرد محقق و پژوهشگری بدون ارائه معرفی‌نامه و هر مدرک دیگری می‌تواند از منابع علمی موجود استفاده کند ولی حراست سازمان بدون کارت شناسایی و معرفی‌نامه اجازه ورود افراد به سازمان را نمی‌دهد.

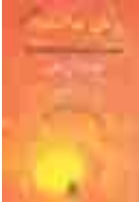
و یک سؤال از رئیس سازمان محیط زیست:

اهمیت آگاهی‌ها و اطلاعات علمی موجود در کتابخانه سازمان محیط زیست برای برقراری نظم درون این سیستم تا چه اندازه است؟ آن‌هم نظم درونی سازمانی که وظیفه‌اش تصمیم‌گیری برای تقویت، حیات و زندگی انسان‌هاست. آیا می‌توان بدون آندیشیدن به ابزارهای علمی شاعرهای و دانشمندان مورهم‌ها و راسو سامان بخشد؟

مروری بر کتاب «زنان توانمند»

زنان یا مردان؟

قبل از آنکه زن یا مردی باشد انسان‌ها هستند که موجودیت دارند. انسان‌هایی که خصایصی مشترک و نیازهای بشری یکسان و در بعدهای متفاوتی متقاضی جواب‌های منطقی و متناسب بوده تانیانند یا کمک به هم‌کمال و یکی شدن را برای ساختن جامعه‌ای کامل برای پرورش انسان‌هایی کامل تشکیل دهند. پس نکته قابل ذکر آنکه هیچ تمایز و برتری برای زن یا مرد از نظر اجتماعی، سیاسی، علمی، فرهنگی و... وجود ندارد که بخواهیم از آن دفاع کنیم. اگر در جوامع عقب افتاده بشری زنان در فرایندهای مختلف اجتماعی عقب افتاده‌تر از مردان گام برداشته‌اند یا جست و جوی مقصر و یا فتن گناهکار که معمولاً مردان هستند نه تنها به مساوات زن و مرد نزدیک‌ترند، بلکه از جامعه صحته مبارزه‌ای ساخته‌ایم که هر چه یک گروه قوی‌تر می‌شود گروه دوم آسیب‌پذیرتر، پس با جامعه‌ای که نیمی از آن آسیب‌پذیر شده است چگونه می‌توان به سوی پیشرفت‌های وسیع در همه زمینه‌های علمی و غیر علمی که لازمه آن مشارکت زن و مرد است دسترسی یافت؟ هر چند گروهی از مفاهیم آمده در کتاب «زنان توانمند» بسیار مثبت و مطابق با شرایط درونی همه زن‌هاست ولی صرفاً به زنان اختصاص دارد. صرف‌نظر های این کتاب درباره عزت نفس زنان، فرزندان و مادران، شرایط سلامتی زنان، بهبود کیفیت آنها و... است. تمام مسائل مطرح شده حرف‌هایی است که برای همه انسان‌ها ماع از زن و مرد اهمیت دارد چرا که هر بشری دارای حق استفاده بهینه از زندگی اجتماعی و فردی خود است.



توانا شدن زن‌ها از نظر روحی و جسمی بحثی است که در کتاب‌های علمی روانشناسی بسیاریه آن پرداخته شده است. سؤال اصلی این است: آیا می‌توان جامعه را به زنان یا مردان تفکیک کرد پس صرفاً درباره یکی از آنها سخن گفت؟ یا اینکه آیا جامعه بشری صحنه جنگ و مبارزه است که گروهی باید توانمندتر بوده تا گروه دیگر را در این مبارزه تن به تن شکست دهند؟ «زنان توانمند» نوشته لوئیز ال.هی کتابی است که با تیزتر «اهتمای زنان برای رسیدن به زندگی سعادت‌مند» آغاز شده است. همین‌طور در مقدمه این کتاب گفته شده «اکنون زمان آن فرا رسیده که زنان موانع محدودکننده خود را از سر راه بردارند و این کتاب به زنان کمک می‌کند تا به توان واقعی خویش دست یابند.

ما با مروری بر بنیان‌ها و افزودن نکاتی تازه بر آنها، جایگاه محکمی را برای آینده ایجاد می‌کنیم. توانمند کردن زنان، بهترین کاری است که ما می‌توانیم برای این سیاره انجام دهیم. وقتی که زنان را متوقف می‌کنند، همه می‌بازند، وقتی زنان برنده می‌شوند همه ما برنده می‌شویم. مسائلی که درباره تفاوت زن و مرد مطرح شده است ربطی به تفکیک این دو جنس از یکدیگر ندارد. بلکه نکاتی است که می‌توان درباره هر جنس جداگانه مطرح نمود و به آنها عمیقاً پرداخت و چه بسا نکاتی را پرورش و خواصی دیگر را هدایت کرد.»

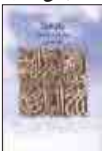
اینکه یک زن در زندگی باید توانمند باشد به آن معنی نیست که بر مرد چیره شود و اگر مردی نباشد زن توانمند معنایی ندارد و بالمعکس.



۱۰۰۰ فرمول پزشکی

۱۰۰۰ فرمول پزشکی، دکتر وحید حسینی جناب و دکتر علی سینا شهره، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تیمورزاده، ۱۳۵۰ تومان. این کتاب مشتمل بر ۱۰۲ فصل تحت عنوان‌های فرمول‌های اسپد ایدمیولوژی، آمار پزشکی، تغذیه و رشد، نوزادان و اطفال، زنان و زایمان، اختلالات جراحی و داخلی، رادیولوژی و... بوده که به تعریف اصطلاحات مربوطه پرداخته و فرمول‌های رایج را ذکر می‌کند.

هر فصل کتاب به موضوع جداگانه‌ای پرداخته و شامل کاربردی‌ترین فرمول‌ها در ارتباط با آن موضوع خاص است. همچنین کتاب معرفی شده برای دانشجویان پزشکی، ارترن‌ها، رزیدنت‌ها، متخصصان رشته‌های مختلف و همچنین دانشجویان رشته‌های بی‌اپزشکی و پرستاری مفید است.



تجلی ذکر در آینه وحی

یاد خدا، کاظم محمدی، سازمان چاپ و انتشارات ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۱، ۱۳۵۰تومان، کتاب حاضر

اولین اثر تحقیقی و گسترده پیرامون ذکر قرآنی به حساب می‌آید. نویسنده سعی کرده به‌طور اختصار از آیات قرآن جهت طرح همه جانبه ذکر استفاده کند. چاپ جدید این اثر ویراسته تازه‌ای از تجلی ذکر در آینه وحی است که تاکنون چندین بار به چاپ رسیده بود.

خواهران شعر و تابستان

خواهران این تابستان، بیژن نجدی، نشر ماهروز، چاپ اول، ۱۳۸۱، ۱۹۵۰ تومان
بیژن نجدی، پس از سال‌ها کار در حوزه ادبیات داستانی و شعر، در دهه آخر عمر فقط با یک مجموعه داستان بانام «بیوزیلنگانی که با من دیده اند» درخشید و عمرش کفاف نداد تا تجربیات همه عمر را بقلمش به سامان برساند. مجموعه حاضر شعرهای کوتاه بیژن نجدی است که در خلوت خود سروده که چندجایی از آن‌را در نشریات منتشر کرده بود. «خواهران این تابستان» دربردارنده سروده‌های این نویسنده و شاعر نجیب شمالی است که به اهتمام پروانه محسنی آزاد، همسر صبورش گردآوری و منتشر شده‌است.

ابر انسان نیچه

طلوع ابر انسان، فریدریش نیچه، سمعد رضوی، انتشارات نقش جهان، چاپ اول، ۱۳۸۱، ۱۹۰۰تومان.
رضوی در این کتاب پس از مقدمه‌ای کوتاه بررسی و فهم فلسفه ابر انسان نیچه را مورد پژوهش و واکاوی قرار می‌دهد و در هشت فصل که فصل اول به زندگی، جنون و مرگ نیچه و در فصل دوم با عنوان نیچه فیلسوف حیات، در فصل سوم با عنوان فرهنگ و در فصل‌های دیگر مسیحیت، اخلاق، زایش تراژدی، نیهیلیسم و در آخر با عنوان مرگ خدا» دیدگاههای این فیلسوف مطرح و معاصر آلمانی را مورد داوری قرار می‌دهد.

ترجمه تازه به آذین

داستان اولین اسپیکل، شارل دکوسترم، به آذین، نشر جام، چاپ اول، ۱۳۸۱، ۳۶۰۰ تومان.
شارل دکوستر نویسنده این رمان بلژیکی است که نخستین بار در ۱۸۶۷ میلادی به خرج نویسنده منتشر شد. رویدادهای این رمان در بلژیک می‌گذرد و به اعتقاد منتقدان، ادبیات بلژیکی با این رمان شروع می‌شود و…

در ابتدای کتاب نقدی به قلم رومن رولان نویسنده معروف فرانسه بر این رمان آمده که می‌خوانیم: شارل دکوستر آثارش را به زبان فرانسه می‌نوشت.



دشمن مرموز، آگاتا کریستی، امیر حسین نقیان- مهدی گروسیان، انتشارات دستان، چاپ اول، ۱۳۸۱، ۱۶۰۰ تومان.

دشمن مرموز یا معرفی دو چهره جدید از شخصیت‌های داستانی نویسنده همراه است و نیز بافتی متفاوت با سایر آثار آگاتا کریستی دارد. مترجم در مقدمه این رمان می‌گوید: «دریفا که بیشتر ترجمه‌های صورت گرفته از زمان‌های پبلسی و

جنگلی این نویسنده، نادقیق و مبهم بوده‌است و حتی در برخی موارد مترجمان مرتکب اشتباهات بسیار فاحشی شده‌اند که تأثیر نامطلوبی در روند داستان گذاشته‌است.»

بوق اشغال

بوق اشغال، گروه اجتماعی جام‌جم، تهران، روزنامه جام‌جم، ۱۳۸۱، ۳۵۰ تومان.

کتاب گلچینی از مصاحبه‌های روزنامه جام‌جم با اهل فرهنگ، سیاست و هنر است که تحت عنوان «بوق اشغال» در آن نشریه به چاپ می‌رسید. این گفت‌وگوها با شروع انتشار جام‌جم و از اردیبهشت ۱۳۷۹ و در صفحات فرهنگ و هنر روزنامه و به کوشش پدram پاک آیین آغاز شد. ویژگی اصلی این گفت‌وگوها گزیده‌گویی و گزیده‌جویی و البته سبک و سیاق نو آن است.

داستان‌های محبوب

داستان‌های محبوب من، علی‌اشرف درویشیان - رضا خندان مهابادی، نشر چشمه، چاپ اول، ۱۳۸۱.

کتاب فوق جلد اول بخش دوم از مجموعه «داستان‌های محبوب من» به انتخاب علی‌اشرف درویشیان، همراه با نقد هر داستان به قلم رضا خندان مهابادی است. در این مجموعه ۳۵داستان معرفی می‌شوند. از علی خدایی تا سیدعلی صالحی و رویا پیرزاد، ناهید طباطبایی تا رضا جولایی و منتهی‌پور، محمدرضا صفدری و حسین میرکاظمی اغلب این داستان‌ها در دهه هفتاد نوشته و منتشر شده‌اند که طی ده سال درویشیان به گردآوری آنها پرداخت.

عرفان و سوررئالیسم

عرفان و سوررئالیسم، آدوینیس، رضا عامری، نشر شادگان، چاپ اول، ۱۳۸۱، ۲۰۰۰ تومان.

آدوینس در این کتاب، از راه بررسی و تحلیل نشانه شناسانه، تاریخ و سنت عرفانی را واکاوی و آن را در مقایسه و مطابقت با جریان مدرنی چون سوررئالیسم تبیین می‌کند. شاید آدوینس از این زاویه تطبیق این دو مکتب را به عنوان موضوع تحقیق انتخاب کرده که به قول یکی از منتقدان، عرفان و سوررئالیسم ترجمه طبیعی سرچشمه‌های شعری او هستند و همواره از این دو سرچشمه بهره برده است.

چهره مارگارت آت وود

چهره پنهان، مارگارت آت وود، جلال بیارام، انتشارات نیلوفر، چاپ اول، ۱۳۸۱، ۳۳۰۰تومان.
مارگارت آت وود نویسنده کانادایی با چاپ حدود چهل اثر شامل شعر و داستان و رمان و نقد ادبی یکی از چهره‌های مطرح ادبیات انگلیسی است. رمان چهره پنهان با سبکی بدیع و اندیشه عمیق، خلاقیت شاعرانه و قدرت شخصیت پردازی نویسنده کاوش ارزنده‌ای در کشف زوایای پنهان احساس و طبیعت زن است. اثر آن که در سال ۹۶منتشر شده به اعتقاد برخی بهترین رمان این نویسنده است.

سهراب سپهری

سهراب سپهری، سعید شیری، نشر قفسه، چاپ اول، ۱۳۸۱، ۱۱۰۰ تومان.
ششمین مجموعه از سلسله آثار چهره‌های قرن بیستمی ایران که توسط نشر قفسه منتشر می‌شود، به سهراب سپهری اختصاص یافت. نویسنده در این کتاب از کودکی سهراب سپهری و زمانی که در کلاس دوم دبستان به خاطر خط خوش مورد تشویق قرار گرفته، شروع می‌کند. هومان بارش‌او، اعتلائی شعر و هنر او را به بررسی می‌نشیند. این کتاب با استفاده از نظریات منتقدان و صاحب‌نظرانی که در مورد سپهری نوشته‌اند تألیف شده و سعید شیری در زندگینامه نویسی سپهری اثری موفق عرضه کرده‌است.

ترجمه تازه بر یادرفته

بر یاد رفته، مارگارت میچل، پرو اشراق، نشر ناهید، چاپ اول، ۱۳۸۱، ۶۵۰۰ تومان.

رمان بر یادرفته که اولین بار در سال ۱۹۳۶ در آمریکا منتشر شد و در همان ساعات اولیه توزیع، پنجاه هزار نسخه به فروش رفت، بعدها یکی از مشهورترین آثار ادبی جهان لقب گرفت و فلمی نیز بر اساس آن ساخته شد. این رمان قبل از انقلاب با ترجمه حسن شهناز به فارسی برگردانده شده و هنوز تجدید چاپ می‌شود. پرو اشراق پس از نزدیک که از ترجمه شهناز می‌گذرد، ترجمه تازه‌تری از این رمان را راهی بازار کرده که تحول زبان فارسی طی این دهه‌ها در ترجمه‌اش منعکس شده است.

دشمن آگاتا کریستی

دیوان تئاترال، محمود استاد محمد، نشر قنقوس، چاپ اول، ۱۳۸۱، ۸۰۰تومان.
استاد محمد در نمایشنامه دیوان تئاترال به نفی اسطوره عشق شیرین و فرهاد می‌پردازد و به نوعی آن را رد می‌کند و دروغی تاریخی می‌پندارد. شیوه روایت در این نمایش موفق و زبان خاص محاوره و اشعار عامیانه اثر رغزای اثر افزوده است. استاد محمد در این اثر با تفحص در منظومه شیرین و فرهاد و انکار این عشق به نتایجی و رای آنچه نظامی و افکار عمومی در ذهن دارند، می‌رسد، که قابل تعمق است.

تئوری ادبی

«تئوری ادبی جدید» عنوان اثری از قلیپب رایس است که با ترجمه احمد ایوب‌محبوب منتشر خواهد شد. ایوب‌محبوب کتاب تحقیقی دیگری بانام «زندگی و آثار و اندیشه‌های معروف کرخی» را توسط نشر روزگار در دست چاپ دارد.

چه گوارا و عمویی

محمدعلی عمویی که در این هفته چاپ دوم «خاطرات ارنتسو چه گوارا» را توسط نشر اشاره راهی بازار کرد، کتاب دیگری با عنوان «پوستریکا، فر از و فرود آن» از مایک دیویدو را به فارسی برگردانده و توسط همین ناشر بزودی منتشر می‌کند.

سقوط ساسانیان

«سقوط ساسانیان» عنوان پژوهشی تاریخی از توحج دریایی با ترجمه منصوره اتحادیه و فرحناز امیرخانی از سوی نشر تاریخ ایران در دست انتشار است.

تریلوزی بکت

اصغر رستگار که بسیاری از آثار نمایشی جهان را ترجمه و منتشر کرده، در ادامه، کتاب «دوشیزه جولیا» و «عید پاک» از استریندبرگ، تریلوزی بکت را منتشر خواهد کرد. «هولوی» «هالون می میرد» و «نام‌نابذیر» «عاوین این سه گانه است که در آینده‌ای نزدیک روانه بازار خواهند شد. ناشر آثار رستگار نشر فردا از اسفهان خواهد بود.

پنجاه فیلسوف

«پنجاه فیلسوف بزرگ» اثری از دایانه کالیسنو با ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی را انتشارات عطایی در دست انتشار دارد. همین ناشر کتاب «فلسفه دین» اثر مایکل پیترسون را با ترجمه حسین کیایی بزودی منتشر خواهد کرد.

… تا حقوق بشر

«در هوای حق و عدالت» عنوان پژوهشی به قلم محمدعلی موحد است که به بررسی از حقوق طبیعی تا حقوق بشر می‌پردازد. ناشر این کتاب نشر کارنامه است که بزودی آن را راهی بازار می‌کند.

چشمه عشق

«چشمه عشق» عنوان رمانی است از ترگس یکتا که در دوازده فصل تنظیم شده و این هفته توسط نشر زریاب به بازار خواهد آمد.

سر و ته یک کریاس

«سر و ته یک کریاس» عنوان مجموعه‌ای از داستان‌های کوتاه سید محمدعلی جمالی‌زاده که برای اولین بار در سال ۱۳۳۴منتشر شده بود، سر و ته یک کریاس، در این هفته توسط انتشارات سخن به بازار خواهد آمد.

احضاریه

«احضاریه» عنوان رمانی است از جان گریشام که با ترجمه فریده مهدوی دامغانی توسط انتشارات علمی بزودی راهی بازار می‌شود.

شعر سیاسی

«شعر سیاسی در دوره پهلوی دوم» عنوان کتابی در نقد و بررسی اشعار سیاسی شاعرانی است که پیش از انقلاب سروده شده و احمد درستی آنها را توسط مرکز اسناد انقلاب اسلامی به بازار خواهد فرستاد.

نفرین شدگان

رمان تازه‌ای از سیامک گلشیری با عنوان نفرین شدگان توسط انتشارات نگاه بزودی روانه بازار نشر خواهد شد.

خلاقیات‌های نمایشی

«خلاقیات‌های نمایشی» اثری از صابره محمد کاشی است که از سوی انتشارات اندیشه‌سازان به بازار خواهد آمد.

تکامل

«تکامل» عنوان اثری پژوهشی پیرامون تکامل موجودات زنده تألیف دکتر هنگامه علی بیگ است که از سوی نشر فیروزه بزودی راهی بازار خواهد شد.

هابیدگر و هنر

کتاب «هابیدگر و هنر» اثری از یوزف کوکلمانس را محمدجواد صافیان به فارسی برگردانده و نشر پرشش در اسفهان آن را در دست انتشار دارد.

درس گفتار هکل

محمود عبادیان مترجم معاصر، کتاب «درس گفتارهای زیبایی‌شناسی» اثر گئورگ هکل و اهرمان با فصلی از کتاب زیبایی‌شناسی که نویسنده به تبیین و توصیف‌شناسی استیک می‌پردازد، ترجمه کرده که از سوی انتشارات فرهنگستان هنر در دست انتشار است.

شکل‌گیری هویت ملی

نشر شادگان که در یکی دو سال گذشته در چند حوزه فکری آثار درخور اعتنایی را منتشر کرده‌است، در آینده نزدیک کتاب شکل‌گیری هویت ملی در یک جامعه مسلمان اثر تادیوس سوتوخوفسکی را به زیر چاپ خواهد برد. این کتاب به آذربایجان شوروی در سال‌های ۱۹۲۵ تا ۱۹۲۵می‌پردازد.